

The Door To Trading Art



آموزش تحلیل و هنر معامله گری با آترین

دوره ی آموزشی

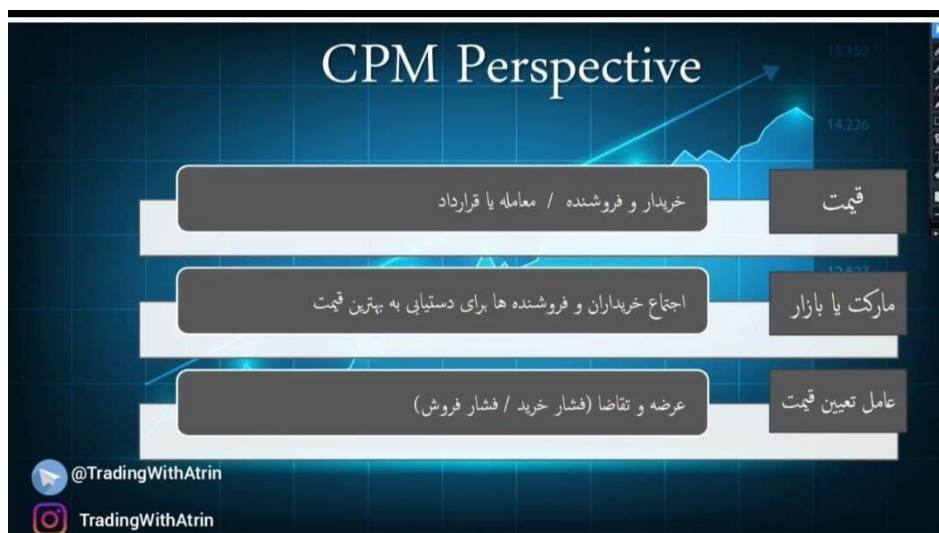
CPM

Conceptual Priceaction Method

این مجموعه شامل نت برداری کامل از دوره CPM به همراه تصاویر مربوط به مباحث مطرح شده در اپیزودهای مختلف می باشد.
امید که مورد استفاده دوستان و همراهان قرار گیرد.

گرد آورنده : اشکان نوری

[@Siddhartha1922](#)

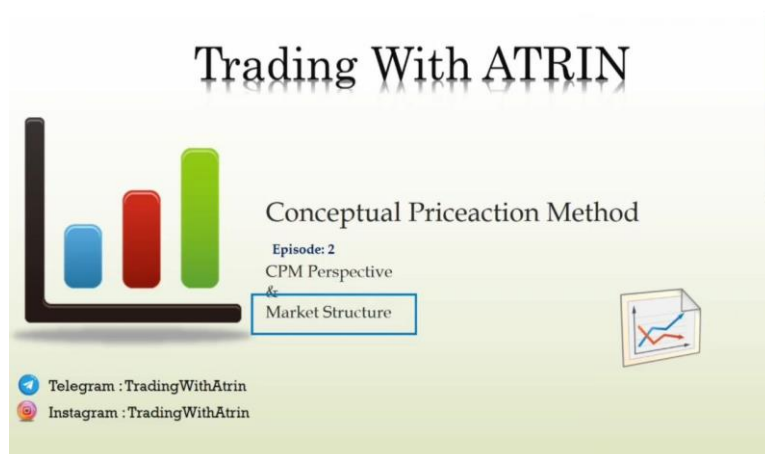


تنها عامل مهم و تعیین کننده در مارکت بهترین قیمت و منفعت هست و عامل تعیین قیمت فشار خرید و فشار فروش میباشد.

عرضه و تقاضا هم به همین معنا هست، وقتی عده زیادی طالب یک چیز می‌شوند ارزش و قیمت آن چیز بالا می‌رود و وقتی عده زیادی آینده خوبی برای مورد خریداری شده نمی‌بینند شروع به فروش می‌کنند و ارزش یا قیمت پایین می‌آید. به طور کلی این میتونه تعریف بازار و مارکت و قیمت باشه. حالا قیمت چطوری حرکت میکنه؟ با یک اثبات از فلسفه اقتصاد میتونیم بفهمیم که قیمت دوست داره طوری حرکت کنه که افراد بیشتری رو وارد معامله کنه، به نوعی قیمت به دنبال نقدینگی هست، قیمت دنبال حجم و شناور بودن بالا هست.

اینهایی که گفته شد علت پیدایش قیمت و چگونگی حرکت قیمت بود و حالا سوال اینجاست که مقصد قیمت کجاست؟ جایی هست که بیشترین حجم معاملات دوباره در آنجا انجام بشه.

(قیمت دوست داره خودشو به سطوحی برسونه که بیشترین حجم معاملات در آنجا انجام بشه.) یکی از ستاپهای خوبی که ما میتونیم درست کنیم معامله در این مناطق و استفاده از مبحث عرضه و تقاضا هست.



مارکت استراکچر یا همون ساختار مارکت:

برای شناخت ساختار مارکت باید اون رو به اجزای کوچکتر تقسیم کنیم که شناخت کلیت مارکت برامون ساده تر بشه. در اصل تقسیم کل به کوچکترین اجزای تشکیل دهنده به ما برای شناخت کل کمک میکنه. برای شناخت بهتر چارت و حرکات قیمت هم کافیه اون رو به تیکه های کوچکتر تقسیم کنیم یعنی کندلها، لگها، روندها، سوییینگها و نواحی و ...

چهار تا چیز مهم که برای خواندن و شناختن چارت بهش احتیاج داریم و به ترتیب دربارش صحبت میکنیم:

1) کندل (2) لگها (3) فرکتال (4) تایم فریم

علاوه بر خواندن چارت باید story of price رو هم بدونیم، یعنی بدونیم قیمت هدفش چیه. هر شدو (سایه) ، کندل، لگ در یک ساختاری یا فرکتالی یک حرکتی رو آغاز کرده و اون حرکت هدفمند بوده.

انواع کندلها:

(1) کندلهای نرمال: اندازه معمولی دارند.

(2) کندلهای اسپینینگ: کندلهای کوچک با سایه به دو طرف که نشان‌دهنده بلاتکلیفی آنها نسبت به آینده هست.

(3) کندلهای لانگ بار: که حدود دو تا دو و نیم برابر کندلهای نرمال هستند. معمولا خطوط روند و سطوح با این نوع کندلها شکسته می‌شوند.

(4) کندلهای اسپایک: کندلهایی که اندازه شان سه، چهار برابر کندلهای نرمال هست.



لگ Leg:

در هر تایم فریم از سه کندل همجهت و تقریبا هم اندازه درست شده اند.

در عکس سمت چپ هم یک Leg حساب می‌شود و کندلهای کوچک بین سه کندل اصلی که تشکیل دهنده Leg هستند مهم نیستند.

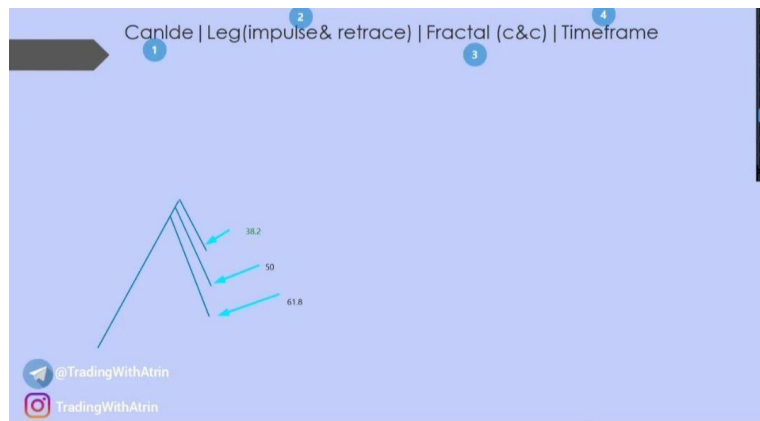


انواع Leg

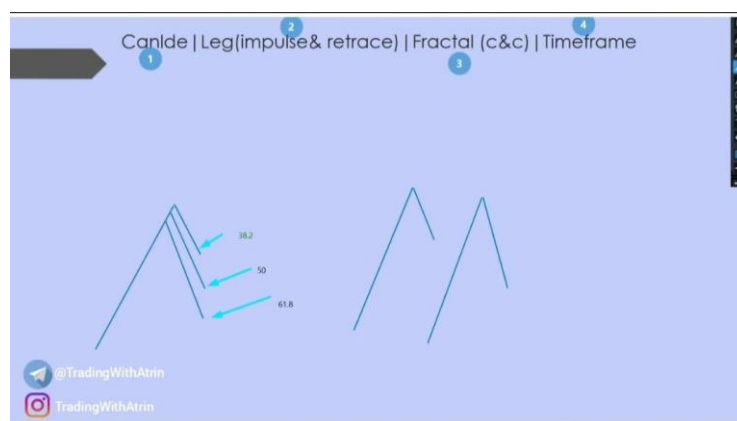
(1) لگ ایمپالس Impulse leg

(2) لگ ریتریس Retrace leg

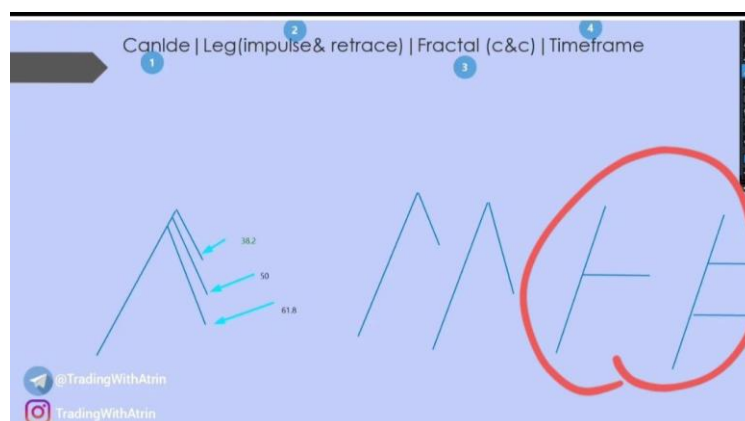
لگ ایمپالس معمولا از 3 کندل تشکیل شده. لگ ریتریس هم از سه کندل درست شده و تقریبا نصف لگ ایمپالس هست. ما باید لگ ایمپالس را در تایم فریم مربوط به خودش (یعنی تایم فریمی که این لگ ایمپالس از سه کندل همجهت) درست شده را پیدا کنیم. وقتی پیداش کردیم می‌گیم این Leg مربوط به این تایم فریم هست.



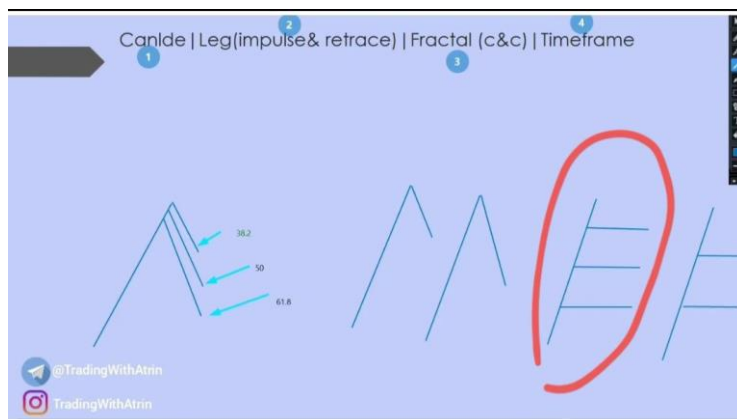
در مورد retrace leg میتونیم بگیم یکی از درصدهای 38,2 یا 50 یا 61,8 رو برمگرده که در اصل میانگین اینها میشه 50%.



خب ما گفتیم که درصدهای 30 و 60 در (لگ ریتریس) محتمل هست و گفتیم که میانگین اینها میشه 50. در price moving range که بعدا درباره صحبت میکنیم میگیم که یا ضرب 2 هست و یا ضرب 3.

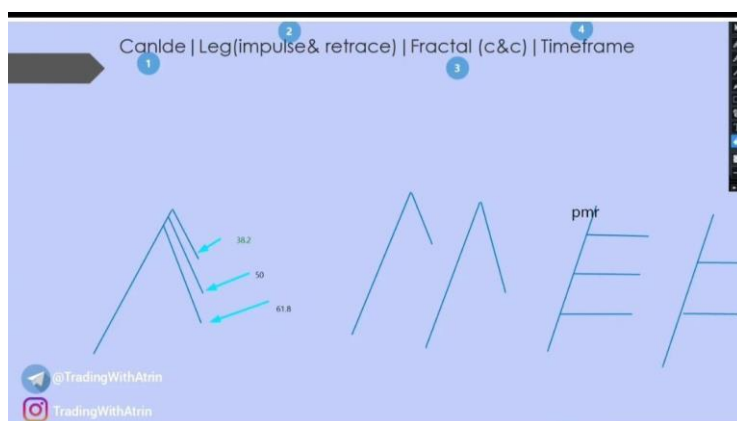


در ادامه عکس و توضیحات قبلی و اینکه price moving range یا ضرب 2 هست و یا ضرب 3. ما Leg impuls رو یکبار به دو قسمت و یکبار به 3 قسمت تقسیم میکنیم. و اون نواحی رو زیر نظر داریم.



در ادامه (دو تا عکس و توضیحات قبلی) اون Leg رو که به دو قسمت تقسیم کرده بودیم دوباره به دو قسمت دیگه تقسیم میکنیم.

pmr = price moving range



فرکتال: ما گفتیم وقتی ما یک Leg داریم در یک تایم فریم این لگ خودش سه تا لگ هست در تایم فریم پایینتر. از اونجایی که هر Leg از سه تا کندل درست شده پس در تایم فریم پایینتر میشه $3 \times 3 = 9$ کندل



در ادامه توضیح عکس قبل 🖱 تعداد کندلها در تایم فریم پایینتر H1



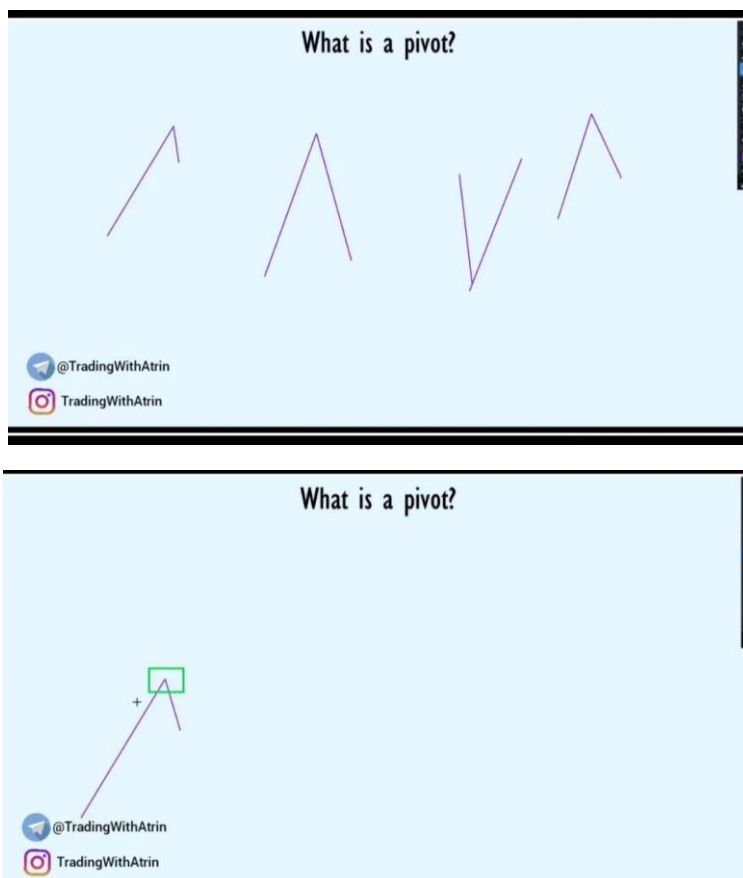
تایم فریم: کندل، لگ ایمپالس و ریتریس، انواع و اقسام الگوها، ساختارها، نواحی، سطوح، مثلثها و، و همه چیز دارای یک تایم فریم هست و باید در تایم فریم درست خودش بهش نگاه کنیم.



در مبحث لگها abc و 12345 هم توضیح داده خواهد شد.

اتمام مبحث Market structure

به عنوان تمرین هم باید صد تا Leg پیدا کنیم و چشممون به پیدا کردن لگها و تشخیص اینکه این لگ مربوط به چه تایم فریمی هست عادت کنه ➡

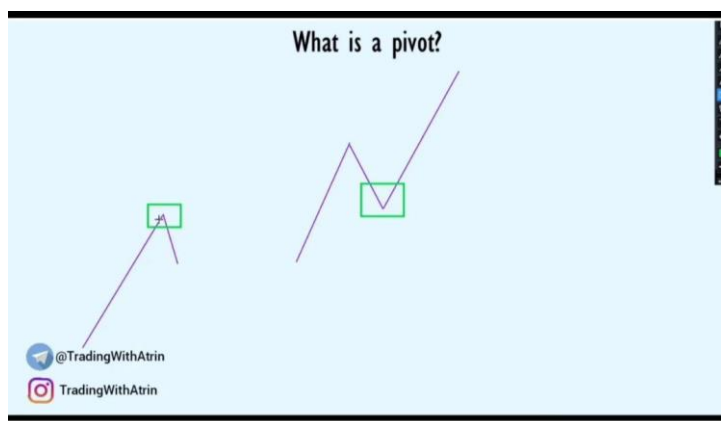


تعریف پیوت در CPM

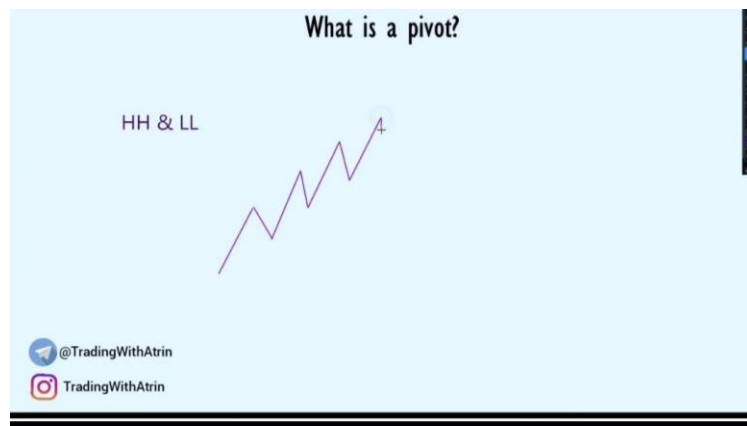
ما گفتیم وقتی سه کندل همجهت (یک Leg) داریم این لگ به بازگشتی داره یا همون ریتریس. حالا اگه این ریتریس (حداقل به اندازه 38,2% بود میگیریم که یه پیوت تشکیل شده.

نکته مهم: پیوت تشکیل شده مربوط به تایم فریم خودش هست، یعنی همون تایم فریمی که لگ درش تشکیل شده.

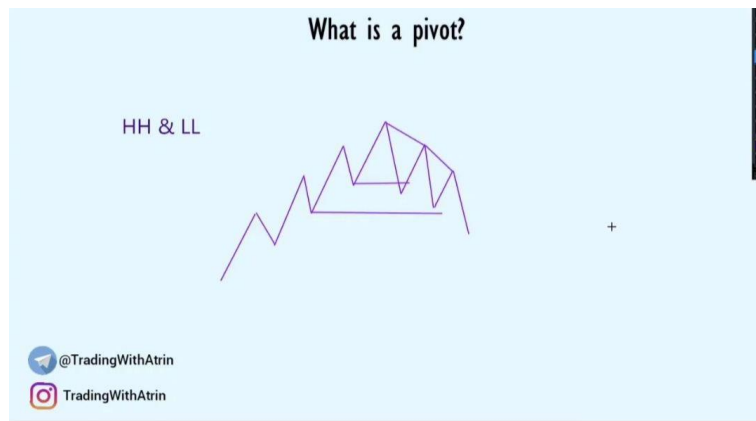
دوستان آترین در توضیحاتش به اشتباه درصد 31 رو میگه که ما همچین درصدی در فیوناچی نداریم. بعدا خودش میگه که اشتباه شده و 38,2 هست.



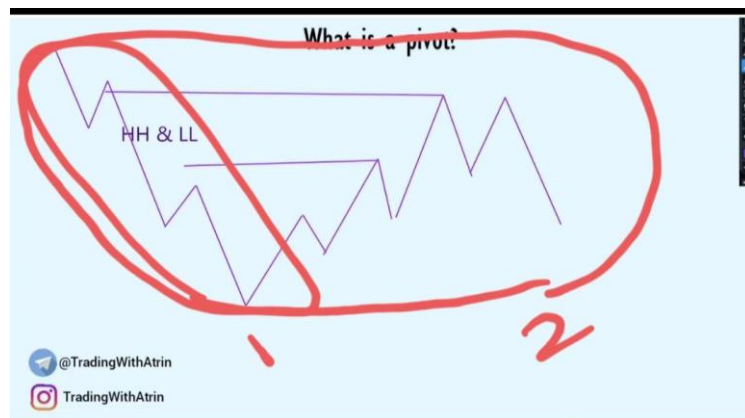
ما در CPM انواع پیوتها رو بر اساس مقدار بازگشتشان داریم. در عکس سمت راست تقریباً به اندازه سه واحد بازگشت داشتیم که مستطیل سبز رنگ یک پیوت حساب میشه.



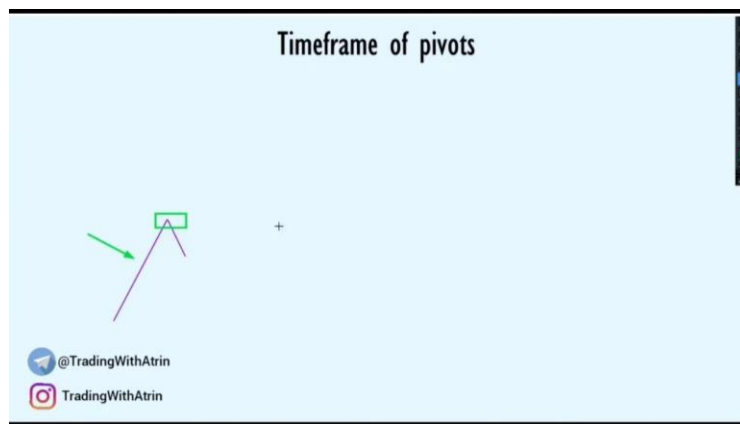
در کلاسیک ما می‌گفتیم وقتی HH و LL های بالاتر از همدیگه شکل می‌گیره ما ی‌ک‌رند داریم و پیوتها رو نسبت به اندازه ای که بالا تر از هم تشکیل میشدن بررسی میکردیم.



در اینجا وقتی ما یک change direction یا همون cit داریم، پیوتها رو نسبت به پیوت متناظر خودش (یا همون پیوت متناظر در لگ قبلی) هم بررسی می‌کنیم. (در مورد cit بعدا توضیح داده میشود).



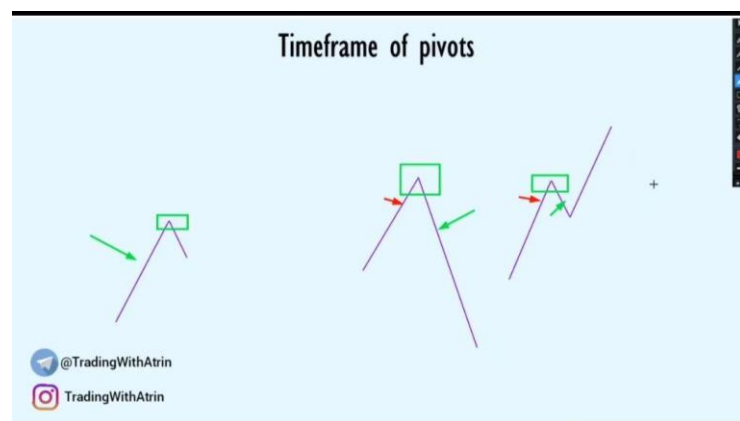
پس ما دو نوع پیوتها رو بررسی می‌کنیم. یکی در لگ خودش. یکی هم در لگ متناظر یا پیشین.



پیدا کردن تایم فریم پیوت:

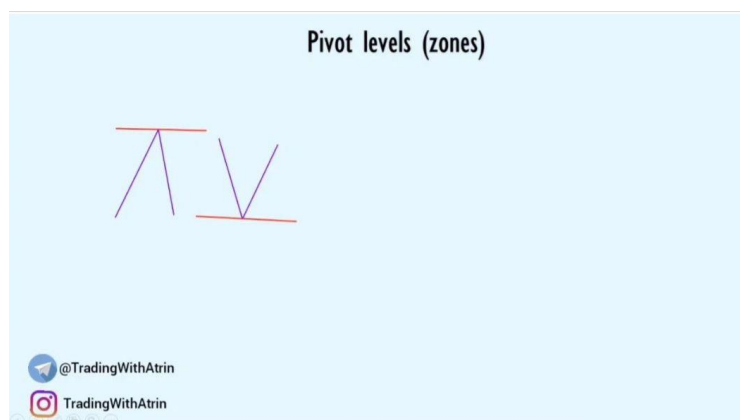
تایم فریم پیوت همون تایم فریمی هست که لگ توش درست شده.

نکته: شرط حداقل ریتریس 31,8% هم باید داشته باشیم که بتونیم پیوت در نظرش بگیریم. بعدا درباره انواع پیوتها types of pivot و اینکه هر کدوم چه کاری انجام میدن صحبت میکنیم.



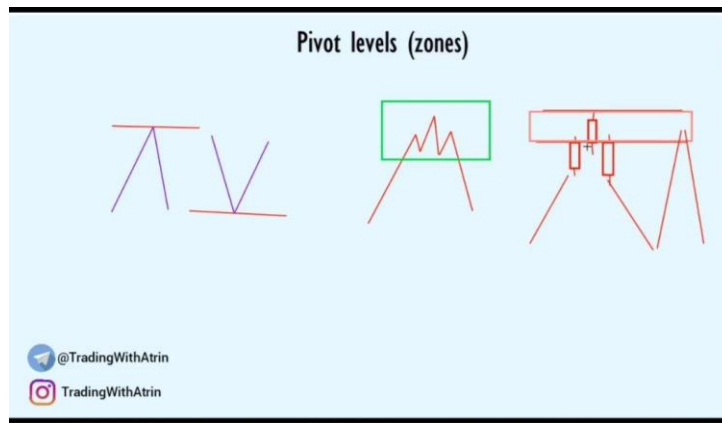
ادامه پیدا کردن تایم فریم پیوت:

به لگ اول توجه میکنیم و به لگهای بعدی کاری نداریم. یعنی اون تایم فریمی که لگ اول درش درست شده میشه ملاک ما برای تعیین تایم فریم پیوت. (در عکس با رنگ قرمز مشخص شده).



نواحی پیوتی یا (Pivot levels (Zones

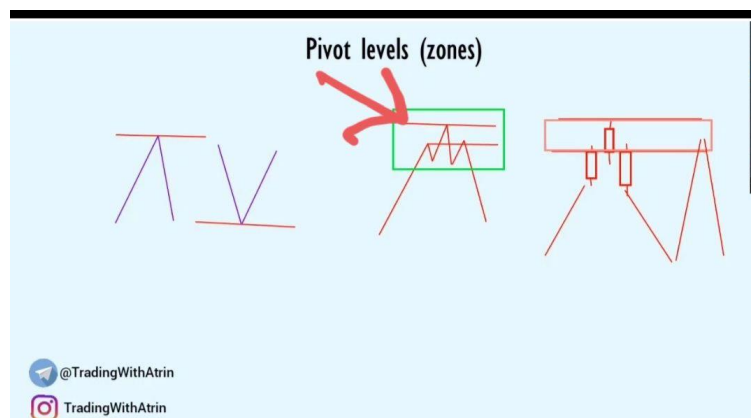
ما در کلاسیک می‌گفتیم (های و لو) و خط می‌کشیدیم و اون خطوط میشد ساپورت و رزیستنس ولی در CPM می‌گیم نواحی و خط نمیکشیم.



نحوه رسم ناحیه پیوتی:

برای رسم ناحیه پیوتی دو راه وجود دارد:

(1) یکی اینکه از بالاترین شادو (سایه) تا تجمع (open و close) یا همون تجمع (های ها و لوها) محدوده را رسم کنیم. در عکس بالا مستطیل قرمز سمت راست.



(2) راه حل دوم برای رسم ناحیه پیوتی line chart هست. عکس بالا وسط. بر روی چارت در قسمت بعد این دو روش توضیح داده خواهد شد.

CPM Episode 4

Examples in the chart | Pivots in Episode 3



مشخص کردن پیوتها بر روی چارت:

(1) یک لگ (leg) در H4 پیدا کردیم و دورش خط کشیدیم.



(2) یک تایم فریم بالاتر میریم که D1 باشه و همون لگ که تو H4 علامت زدیم و اینجا به صورت 3 تا کندل میبینیم.



(3) حالا اینجا تو D1 اول یه خط میندازیم رو تجمع open و close کندلهای پایین لگ.

(4) یه خط هم میندازیم رو close سایه های پایین لگ.

توجه کنید دوستان که پایین لگ دو تا کندل هست که روی open, close اون دو تا کندل و سایه پایینشون داریم خطوط و میندازیم.



مثال بعدی:

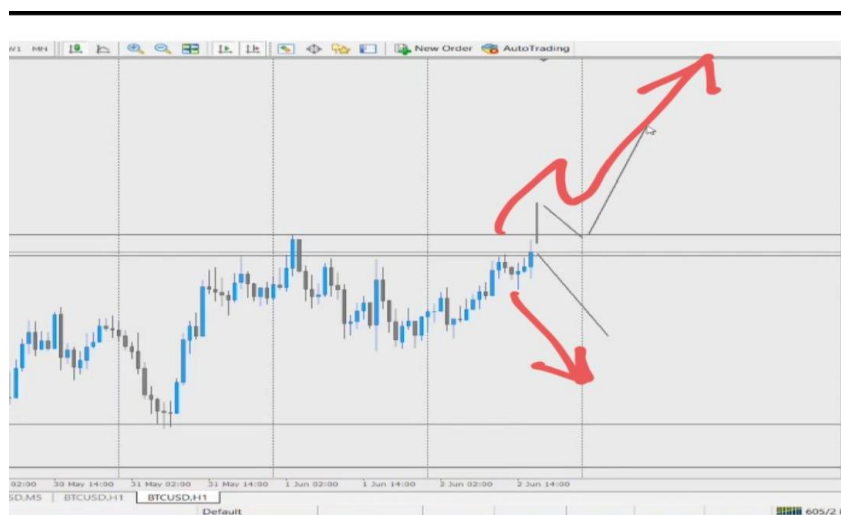
به لگ تو H1 پیدا میکنیم بعد میریم تو H4 نگاه میکنیم ببینیم مال H4 هست یا نیست.



تو H4 میبینیم که چهار تا کندل تو این محدوده لگ که تو تایم یکساعته مشخص کرده بودیم هست. نتیجه میگیریم که این لگ مربوط به H4 هست.



خب حالا اینجا تو H4 دو تا خط می‌اندازیم. یکی همون تجمع open و close کندها بود. یکی هم رو آخرین سایه یا سایه‌ها. اون دو تا خط پایینی مربوط به مثال اولی هست ربطی به مثال دوم نداره.



تو H1 همون محدوده‌ای که در H4 مشخص کردیم و نگاه میکنیم و میبینیم که قیمت درگیر اون محدوده‌ای که مشخص کردیم شده. و دو حالت ممکنه پیش بیاد، (شکست پولبک ادامه) و یا برگشت.



مثال بعدی:

تو تایم H1 به لگ و پیوت میبینیم. میخوایم ببینیم این پیوت مال چه تایم فریمی هست؟



تو H4 میبینیم اون لگ شده دوتا کندل. خب پس این پیوت مال H4 نمیتونه باشه ولی مال H1 هم نیست. نتیجه میگیریم که مال یک تایم فریم بین H1 و H4 هست. وقتی اینطوری میشه همون تایم فریم بالاتر و در نظر میگیریم که همون H4 هست.



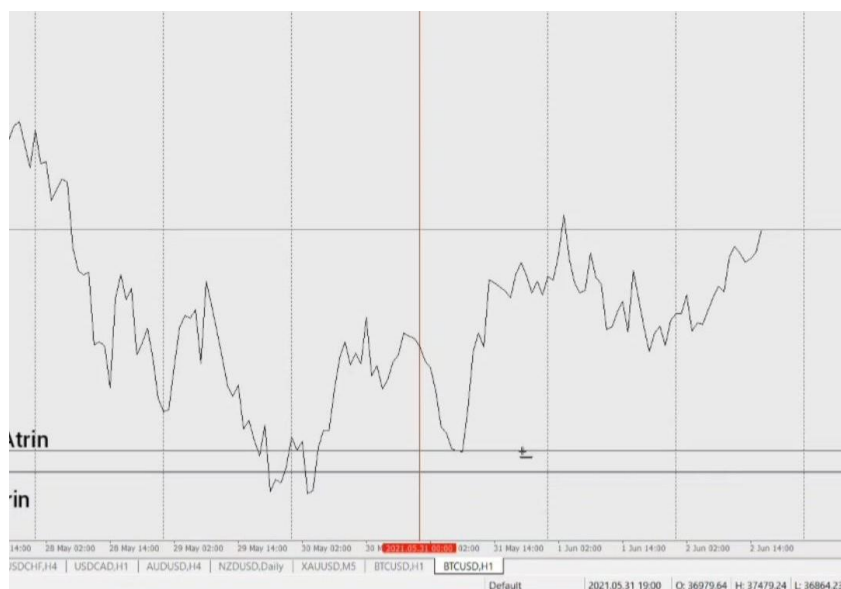
تو H4 خطوط و رسم میکنیم. یکی رو آخرین سایه و یا سایه ها ، یکی هم رو تجمع open و close ها.



برای بهینه شدن خطوطی که رسم کردیم یک تایم فریم پایینتر میایم که همون H1 هست و دوباره رو پایینترین سایه ها و تجمع باز و بسته شدن کندلها خطوط و کمی جابجا میکنیم.



اگر خواستیم دقیقتر عمل کنیم کل اون کندل رو در نظر می‌گیریم. یعنی به جای تجمع بازو بسته شدن کندلها که خط بالایی در عکس بالایی بود، خط رو کلا میکشیم بالای سایه بالایی کندل.
(آترین خودش اینطوری رسم میکنه).



یک راه دیگه که برای رسم محدوده پیوتی وجود داره اینه که وقتی خط پایینی (در همین مثال قبلی) رو کشیدیم Line chart و به جای نمایش کندلی استفاده کنیم و به جای اینکه تجمع باز و بسته شدن کندلها رو پیدا کنیم و خط رو رسم کنیم از لاین چارت استفاده کنیم و خط بالایی و بندازیم رو انتهای لاین چارت.
البته این روش دقیقتر نیست و دقیقتر همونه که در دو عکس قبل گفته شد. (در نظر گرفتن کل کندل)

خلاصه این قسمت: برای رسم محدوده پیوت

- (1) یک Leg در نظر می‌گیریم.
- (2) پیوتی که توسط اون لگ درست شده رو بررسی می‌کنیم که مربوط به چه تایم فریمی هست؟
- (3) خطوط رو در تایم فریم بالاتر که پیوت متعلق بهش هست را رسم میکنیم. (یک خط در انتهای سایه و یا سایه ها، یک خط هم در تجمع باز و بسته شدن کندلها).
- (4) در تایم فریم پایینتر که اول لگ را درش پیدا کردیم اون خطوط را بهینه میکنیم. برای بهینه کردن از همون سایه ها و تجمع باز و بسته شدن کندلها استفاده میکنیم و (یا از لاین چارت به جای تجمع باز و بسته شدن کندلها).
- (بهترین حالت بهینه سازی در نظر گرفتن تمامی کندل و یا کندلهایی هست که سایه ها و باز و بسته شدن‌ها رو دارند).
- تمرین: رسم نواحی پیوتی در تایم فریمهای مختلف. پیوتها ساختار مارکت هستند و ترکیب بسیار خوبی با جریان سفارشات درست می‌کنند و به همین خاطر پیوتها مهم هستند و در پرایس اکشن پیشرفته CPM ازشون خیلی استفاده خواهیم کرد.

مطالبی که بعدا دربارش صحبت خواهیم کرد:

(1) تبدیل شدن پیوتها یا (Informing pivot) از تایم فریمهای پایینتر به بالاتر.

(2) انواع پیوتها و اینکه قراره ذهنیت سفارش درست کنند و غیره

CPM Episode 5 | Types of pivots

انواع پیوت ها؛ در این اپیزود تقسیم بندی پیوت ها بر اساس 4 مبنای منطقی-مفهومی برای اولین بار ارائه میشود.

قدرت سبک CPM در خواندن داستان قیمت, story of price را در این اپیزود مشاهده می‌کنید.

تفاوت سبک اصیل با متد های کپی شده

☑️ هنرجویان دوره ی CPM از حالا برای هر کدام از انواع پیوت ها 25 مثال روی چارت بیابید و در گروه پشتیبانی دوره قرار دهید.

Pivot types base on:

1. Timeframe & {leg, swing, trend}
2. State in swing or trend
3. Order flow
4. Cause

طبقه بندی پیوتها:

پیوت ها بر چهار اساس طبقه بندی میشوند:

(1) تایم فریم, لگ, سویینگ و ترند.

لگ رو تعریف کردیم که همون سه کندل در یک راستا هست. سویینگ و ترند رو هم تعریف خواهیم کرد.

(2) جایگاه پیوت در سویینگ یا ترند.

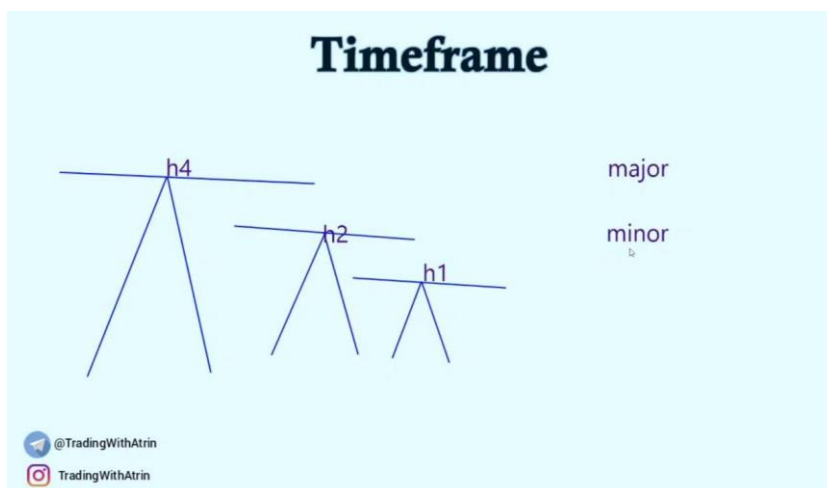
(3) پیوت تشکیل شده چگونه در انجام سفارشات انجام وظیفه کرده؟ یعنی اون پیوت از لحاظ سفارشات آیا اومده سفارش ایجاد کنه؟ آیا اومده یک سطحی رو بی اعتبار کنه؟ آیا اومده یک ناحیه رو پاکسازی کنه؟ آیا اومده راه باز کنه و یا یک راهی رو ایجاد کنه؟ اومده یک مقرر رو برای بایرها یا سلرها ایجاد کنه؟ یا اینکه اومده مقرر بایرها یا سلرها رو خراب کنه؟

(4) مهمترین قسمت: چرا پیوت ایجاد شده؟

آیا این پیوت پیوت برگشتی هست؟ (trend changing pivot پیوتی که روند رو تغییر میده؟).

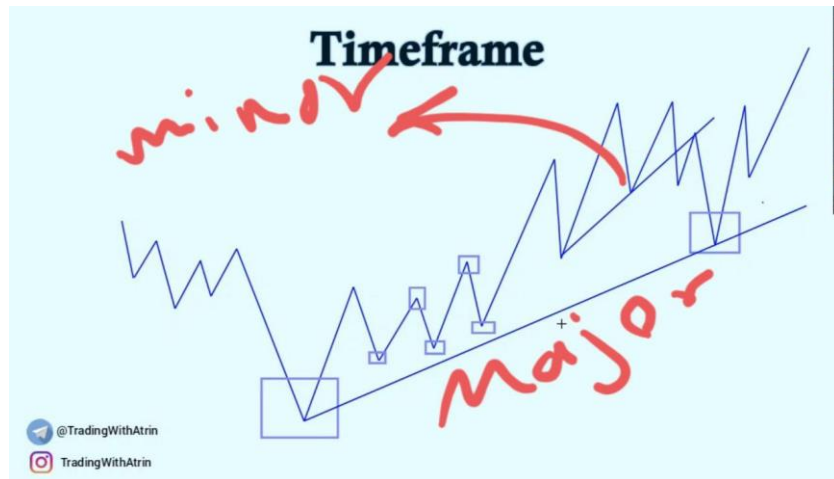
آیا پیوت پولبکی هست؟ (pullback pivot پیوتی که بعد از شکست روند ایجاد میشود).

آیا نخستین برخورد به ناحیه کندل تصمیم گیری ما هست؟ (liquidation pivot جایی که احتمالاتی پی ها زده میشه، تسویه ها صورت میگیره و ما انتظار برگشت آرام رو داریم ولی برگشت اونجا رخ نمیده بلکه در پیوت بعدی رخ خواهد داد).



در مورد پیدا کردن محدوده پیوت صحبت کردیم. پیوتی که در تایم فریم بالاتر تشکیل می شود به مراتب از پیوت یا پیوتهایی که در تایم فریمهای پایینتر شکل می گیرند با ارزشتر و مهمتر هستند.

به پیوتی که در تایم فریم بالاتر شکل می‌گیرد پیوت Major و به پیوتی که در تایم فریم پایینتر شکل می‌گیرد پیوت Minor گفته میشود.



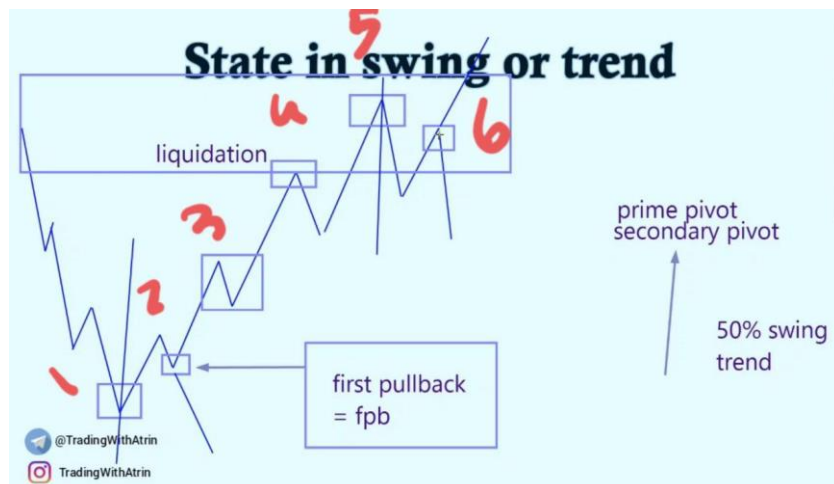
در مبحث خطوط روند و تایم فریم:

خط روندی برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار هست که از پیوت مازور به پیوت کشیده و رسم شده. قیمت واکنش های اصلی را به اینگونه خطوط روند خواهد داد.



ما گفتیم وقتی که سه تا کندل در یک راستا داشتیم اون وقت یک Leg داریم. حالا همون لگ رو در یه تایم فریم پایینتر بهش می‌گیم سویینگ و در دو تایم فریم پایینتر می‌گویم ترند.

چیزی که مهمه برامون رابطه بین کندلها، لگها، سویینگها و ترند ها با یکدیگر هست. (اینکه پیوتی که تشکیل شده در کجای سویینگ یا ترند قرار دارد؟). توضیح



انواع پیوت:

(1) پیوت منشا تغییر روند change of diraction

(2) پیوت اولین پولبک first pullback (fpb)

(3) پیوت میانی 50%

(4) پیوت تسویه liquidation pivot

(5) پیوت منشا تغییر روند change of diraction

(6) پیوت اولین پولبک first pullback

از بین این پیوتها اون پیوتهای میانی secondary pivot هستند که از بین پیوتهای ثانویه اونی که 50% سویینگ یا ترند هست از همه مهمتره. شماره 3

✓ پیوتهای اصلی یا primer pivot پیوتهای انتهای روند و پیوتهای اولین پولبک هستند. شماره 1,2 و 5,6

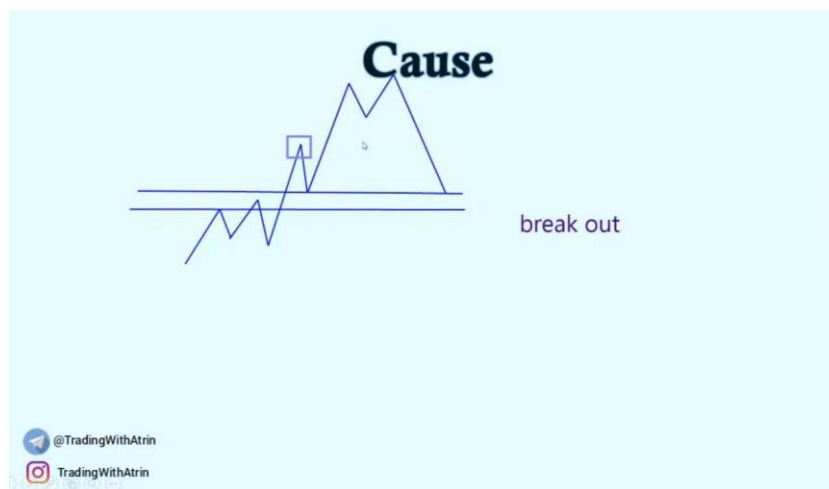


(1) اون پیوتی که خودش نقش اساسی در تعیین مقر جدید خریداران (در این مثال) داره رو بهش میگیریم
creating order pivot.

(2) اون پیوتی که موفق شده از ناحیه کندل تصمیم‌گیری یا decision candle عبور کنه و در حقیقت از مقر فروشنده‌ها (در این مثال) عبور کنه و نویدی برای ادامه جهت قیمت باشه بهش میگیریم cleaning pivot یا consuming pivot.

دوستان توجه کنید تفاوت این دو نوع پیوت در این هست: پیوت پایینی با اینکه از محدوده decision candle عبور کرده باعث ریزش قیمت به پایین محدوده نشده چون در اصل داشته مقر جدید خریداران رو درست میکرده. ولی در پیوت بالایی وقتی از محدوده decision candle عبور کرده زده مقر فروشندگان و نابود کرده. یعنی هر دو از محدوده کندل تصمیم‌گیری عبور کردن ولی عملکرد متفاوت داشتن.

فهم این مسئله و درکش خیلی مهم هست و ربط مستقیم به big picture داره، یعنی فهم ما از تایم فریم و مولتی تایم فریم. و اینکه اتفاقات اصلی از تایم فریم‌های بزرگتر شروع میشه و تبعاتش به تایم فریم‌های پایینتر میرسه.

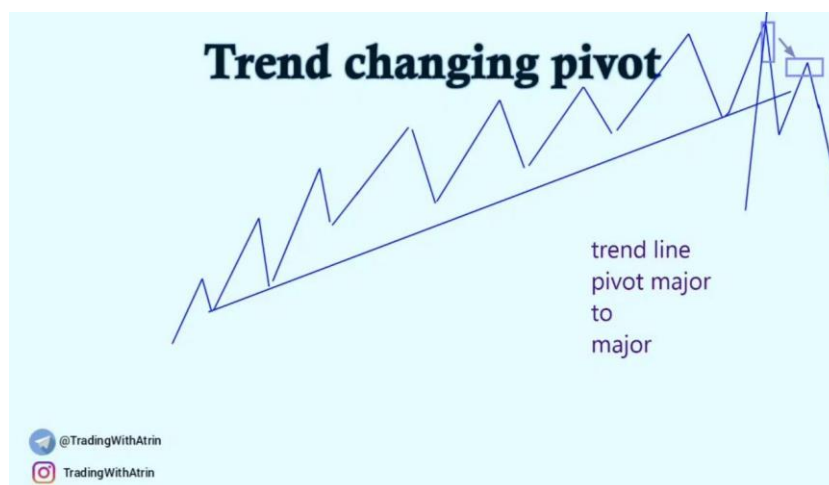


پیوت پولبکی:

پیوتی که بعد از شکست یک سطح break out ایجاد میشود و بعد از آن قیمت به سمت سطح پولبک می‌زند و به حرکت قبلی خود ادامه می‌دهد. حالا اینکه دقیقا قیمت به کجای سطح پولبک می‌زند در آینده مشخص می‌شود.



پیوتی که جهت حرکت قیمت را تغییر می‌دهد. گفتیم که جزو پیوتهای اصلی هستند. بعدا درباره استفاده از اینگونه پیوتها صحبت خواهیم کرد.

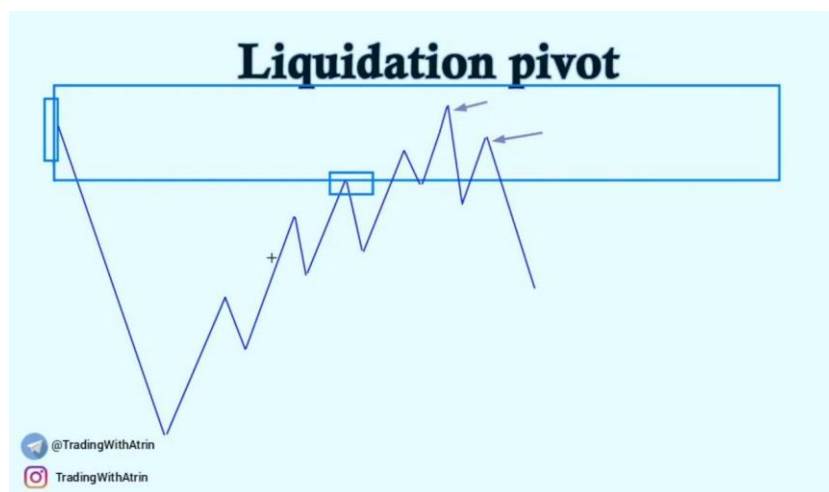


یکی از راههای تشخیص اینکه پیوت change in direction و بعد از اون پیوت پولبکی pullback pivot درست شده یا نه اینه که از خطوط روند مازور به مازور میتونیم استفاده کنیم. وقتی همچین خط روندی شکسته شد اون وقت اینگونه پیوتهای اصلی را می‌بینیم.

تایم فریم بالا و شکست خط روند در تایم فریم بالا و شناختش از اهمیت زیادی برخوردار هست.



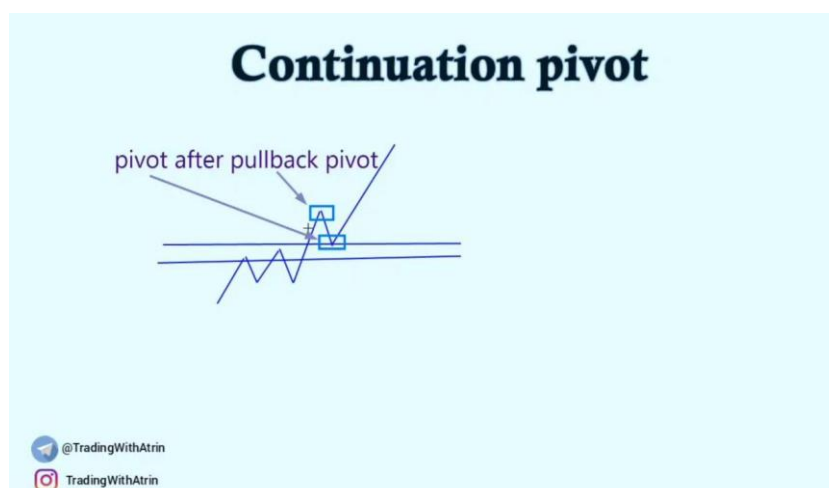
پیوت تغییر دهنده ترند trend changing pivot در تایم خودش باید اتفاق بیفته. در سمت چپ وقتی کندل قرمز حد اقل 38% بازگشت داده میتونیم بگیم trend changing pivot داریم ولی همینطوری به خاطر تجمع کندلها و بالا و پایین بسته شدنشون نمیتونیم بگیم trend changing pivot درست شده.



پیوت تسویه Liquidation pivot

پیوتی که به محض رسیدن به اولین قسمت ناحیه کندل تصمیم گیری یا decision candle درست میشه.

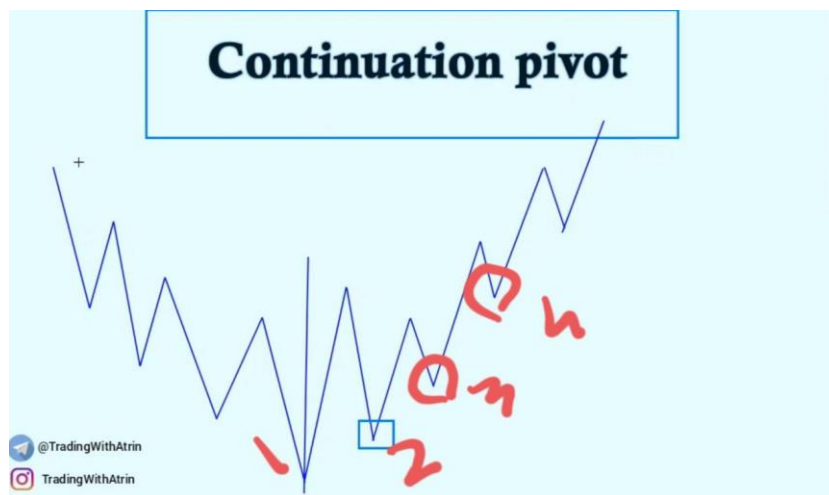
خیلی ها بعد از دیدن این پیوت (در این مثال) اقدام به فروش می کنند. در صورتی که پیوتهای اصلی که همون trend changing pivot و pullback pivot هستند بعدا تشکیل میشن. (در عکس با فلش مشخص شده)



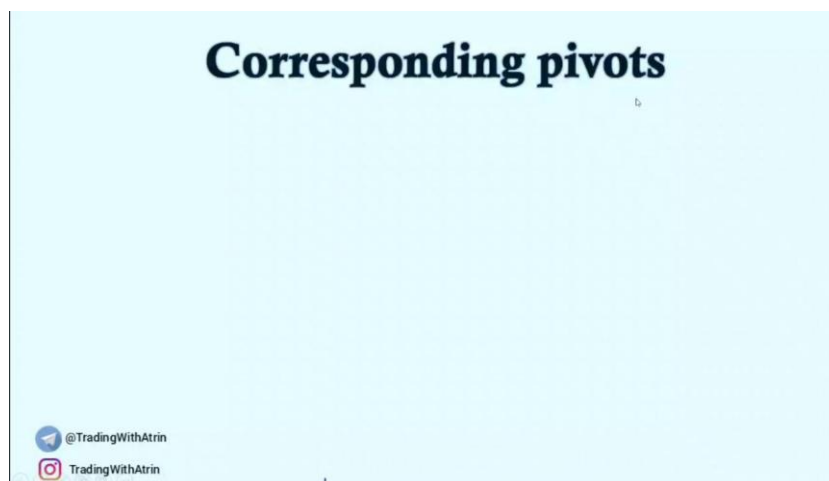
پیوت ادامه دهنده continuation pivot

وقتی یک سطح شکسته میشه پیوتی که بعد از پیوت پولبکی درست میشه و در جهت شکست هست. ما دوست داریم اینگونه پیوتها رو شکار کنیم برای گرفتن پوزیشن. برای گرفتن پوزیشن از trend changing pivot و pullback pivot استفاده نمیکنم.

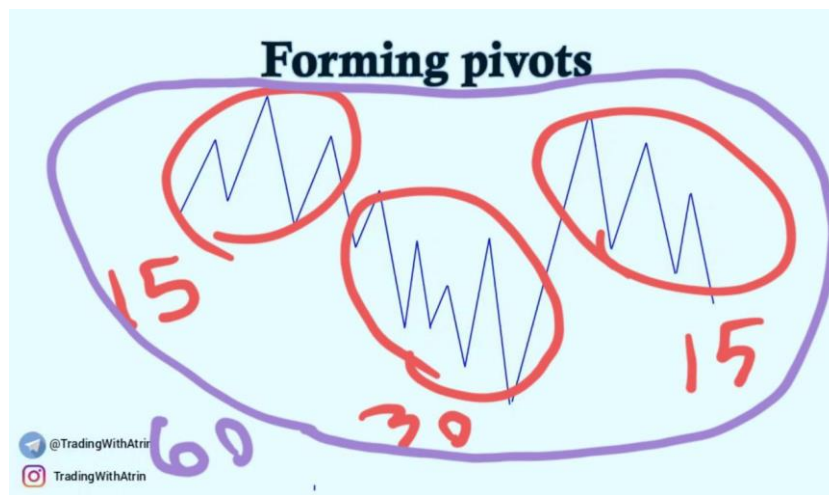
یکی از اشتباهاتی که دوستان پرایس اکشن کار میکنن اینه که با خودشون یه رقابتی میندازن که انگار ما باید بیخ قیمت و بگیریم. این ذهنیت غلط برای تریدری که میخواد سالها از مارکت پول در بیاره درست نیست. ما باید کم ریسک ترین و پر بازده ترین ستاپها رو بچنینیم و دنبال چالش نباشیم. باید دنبال این باشیم که راحت ، آرام و مطمئن پول در بیاریم.



نمونه پیوت ادامه دهنده 3 و 4 و نقاط ورود خوب برای گرفتن پوزیشن خرید. پیوت 1 و 2 هم که پیوتهای trend changing pivot و pullback pivot هستند.

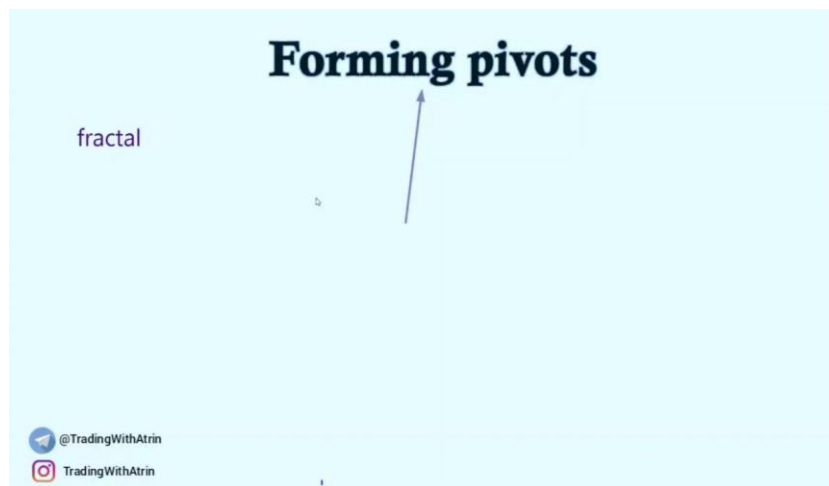


بعدا درباره این نوع پیوت صحبت میکنیم.



تبدیل پیوتها Forming pivot

تبدیل پیوتها از تایم فریمهای کوچکترین و کوچکتر و کوچک به بزرگ بزرگتر و بزرگترین. و اینکه پیوتها در ابتدا مثلا یک پیوت پولبکی یا پیوت تسویه هستند و بعدا به پیوتهای بزرگ تر تبدیل میشن. کسی موفق هست که این forming pivot رو بتونه خوب درک کنه.



بعدا در میحث فرکتالها درباره forming pivot بیشتر صحبت خواهیم کرد. مثلا ما یک پیوت یکساعته داریم، میبینیم آیا این پیوت یکساعته داره خودشو به یک پیوت چهارساعته تبدیل میکنه؟

(مثلا یک پیوت trend changing در تایم یکساعته) (یک پیوت پولبکی هست در تایم چهارساعته)، حالا این پیوت پولبکی در تایم چهارساعته بخواد خودش بشه یه پیوت trend changing باید یک تایمی بگذره دیگه، خب حالا اون پیوت یکساعته که ازش شروع کردیم چی میشه؟

پس این داستانها همینطوری تو در تو ادامه داره. فرکتال به همین معناست و اینکه ما در هر تایم فریم یک قصه ای داریم و این قصه ها به هم مربوط هستند و وقتی این قصه ها رو خوب درک کنیم و متوجه بشیم ارتباط بین تایم فریمها و forming pivot رو درک کنیم اون وقته که story of price رو درک کردیم.

CPM Episode 6 | Types of pivots | Examples



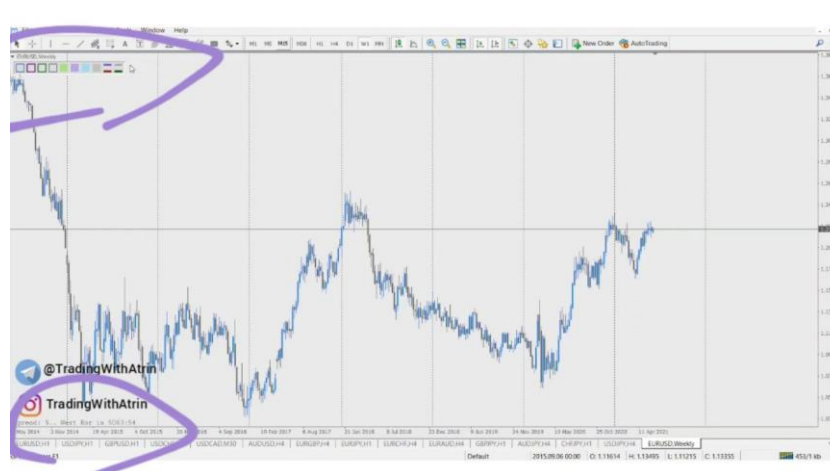
طریقه دیدن چارت:

تا جایی که میتونیم زوم میکنیم.

حالت اول: دوبار زوم اوت میکنیم.

حالت دوم: سه بار زوم اوت میکنیم.

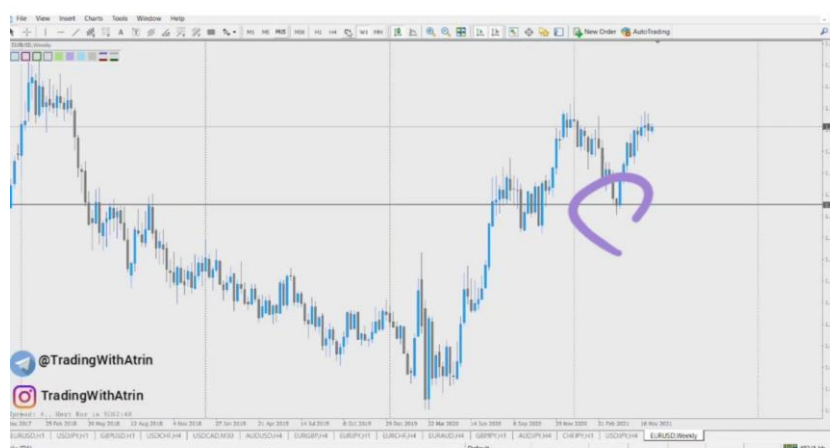
اگر بخواهیم عقب‌تر بریم تایم فریم را عوض میکنیم. (منظور از عقب‌تر حالت دیدن چارت هست)



دو اندیکاتوری که استفاده میکنیم:

یکی برای نشان دادن اسپرد و تایم بستن کندلها. یکی هم برای کشیدن خطوط و نواحی پیوت و غیره.

درباره اندیکاتور مدیریت ریسک، مدیریت پوزیشن و مدیریت سرمایه بعداً توضیح می‌دهیم.



طریقه پیدا کردن پیوت مازور و مینور:

تایم فریم هفتگی یک پیوت پیدا کردیم در عکس علامت زده شده. یک خط اول می‌اندازیم همینطوری. بعد میبینیم چون بیشتر از 3 تا کندل حرکت کرده پس پیوت نمیتونه متعلق به تایم فریم هفتگی باشه.



در ادامه عکس قبلی میایم در تایم فریم ماهانه میبینیم که دو تا کندل داریم. (از اونجایی که گفتیم یک لگ باید از 3 تا کندل درست شده باشه) برمیگردیم به همون تایم فریم هفتگی و پیوتی که پیدا کردیم محدودش و تنظیم میکنیم.

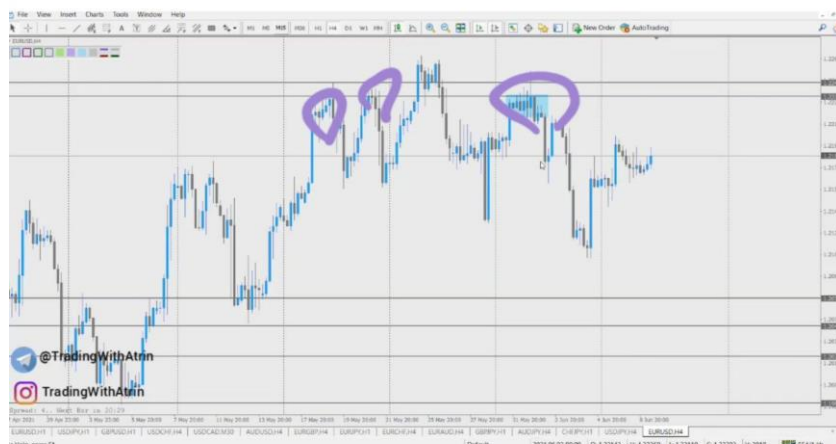


در ادامه عکس قبلی: از اونجایی که ما در تایم فریم ماهانه نتوانستیم 3 تا کندل ببینیم تو همین تایم فریم هفتگی محدوده پیوت رو کمی بلندتر میگیریم که محدوده پیوتمون ماهانه ای بشه.



در ادامه عکس قبلی: اون محدوده پیوت ماهانه رو که مشخص کردیم (رنگ قرمز) میشه پیوت مازور، حالا در تایم فریم روزانه دو تا پیوت مینور پیدا کردیم (رنگ بنفش).

نکته: وقتی که در یک ترند ماهانه قرار می‌گیریم پیوت‌های ادامه دهنده روزانه برای ما محدوده های خوبی برای ترید میشه.



در ادامه عکس قبلی: حالا از تایم فریم روزانه به تایم فریم پایینتر میایم و دو تا پیوت برای تایم فریم چهار ساعته و یک (بیس) (سمت راست) پیدا میکنیم.

بیس از مجموعه 3 تا 7 کندل تشکیل شده. گاهی ممکنه دو تا کندل بالا و پایین بشه ولی خیلی اهمیت نمیدیم. (تعداد کندلها چون مربوط به تایم فریم هست ازون جهت میشماریمشون).

بعدا به این بیس که در سمت راست عکس هست میگی (رالی، بیس ، درا).

میحث پیوت مازور و مینور مربوط به تایم فریمها میشه و هرچقدر اون پیوت در تایم فریم بالاتر باشه ، اصطلاحا مازور باشه از قدرت بیشتری برخوردار هست.

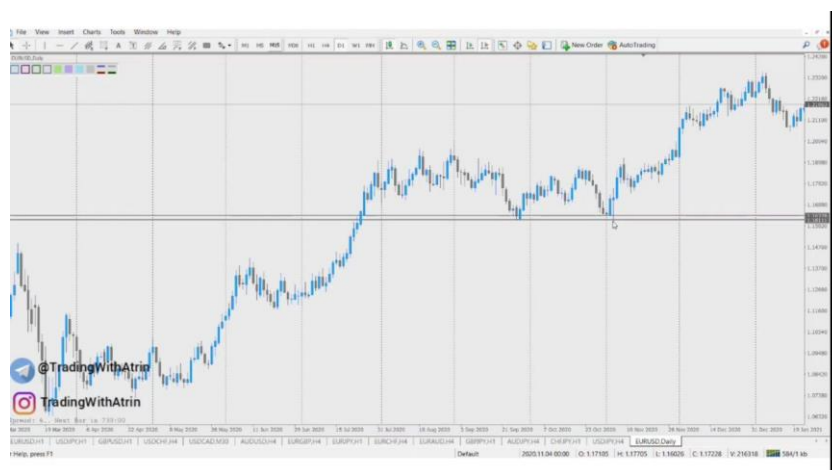


مثال دیگه:

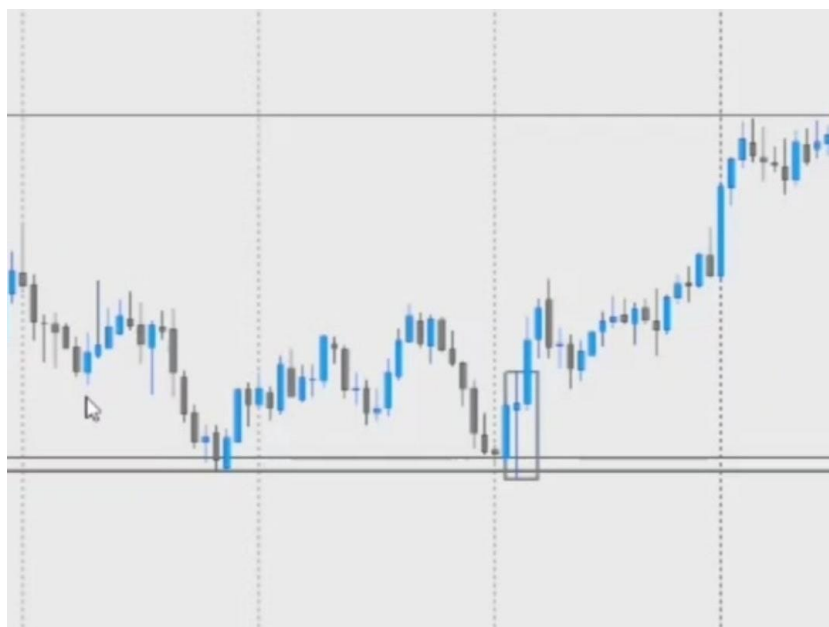
یه لگ و پیوت در تایم فریم هفتگی پیدا میکنیم. از اونجایی که لگ نمیتونه مربوط به هفتگی باشه یه تایم فریم پایینتر میریم.



در ادامه عکس قبلی: به تایم فریم پایینتر اومدیم روزانه. خب اینجا هم تعداد و شکل کندلها نمیتونه لگ روزانه باشه پس (پیوت و لگ رو بین روزانه و هفتگی در نظر می گیریم).



در ادامه دو عکس قبلی وقتی محدوده پیوت رو مشخص کردیم بقلش یه نفوذی میبینیم. (سایه کندلی که در محدوده پیوت نفوذ کرده).



در ادامه عکس قبلی:

به این نفوذ و کندلی که درست شده (لیکوئیدی هانت) میگویند.

به این نوع کندلها war candle یا کندل جنگ میگویند. یعنی سایه های به دو جهت. بعد از بسته شدن این نوع کندلها میتونیم ترید کنیم.



در ادامه عکس قبلی: به کندل جنگ در این مثال outside bar هم میگویند. یعنی یک کندل، کندل قبلی خودش و پوشش داده. (سمت راست) برعکس کندل outside bar میشه کندلی که درون کندل قبلیه خودش درست شده اصطلاحاً inside bar (سمت چپ).



در ادامه عکس قبلی: وقتی محدوده war candle رو ادامه میدیم میبینیم به محدودش واکنش داشتیم. یعنی ایجاد ذهنیت کرده.

این نوع کندل‌های جنگ، جدال بین خریداران و فروشندگان و نشون میده که بعد از بسته شدن میتونیم ترید کنیم.

پس این نوع کندل‌ها برای ما با اهمیت هستند.



پیوت Prime و Secondary

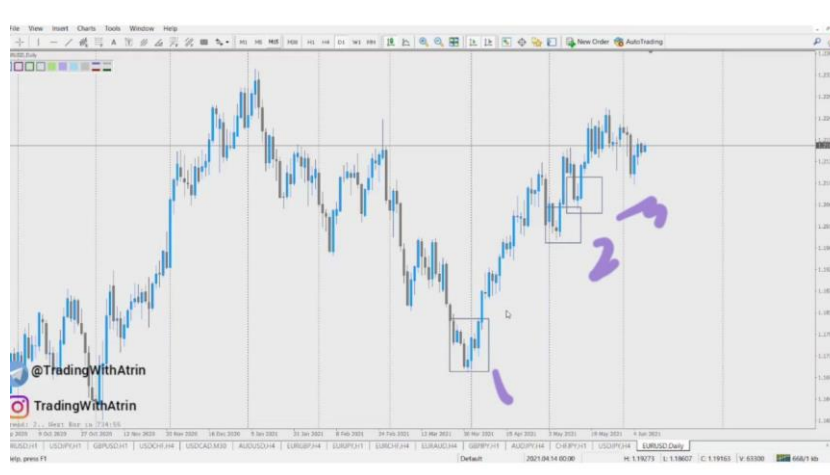
ما گفتیم برای پیدا کردن پیوت ماژور در تایم فریم لگ اینکارو می‌کردیم بعد یک تایم فریم پایینتر پیوت‌های مینور را پیدا می‌کردیم.

برای پیدا کردن پیوت‌های prime اصلی و secondary ثانویه در تایم فریم سوینگ و یا ترند اینکارو می‌کنیم. تایم فریم سوینگ و ترند هم که گفتیم میشه یک یا دو تایم فریم از تایم فریم لگ پایینتر.



مثال برای پیدا کردن پیوتهای Prime و Secondary:

(1) مثلاً در اینجا ما یک لگ داریم در تایم فریم هفتگی



(2) تایم فریم رو پایینتر میاریم رو D1 و پیوت prime و دو تا پیوت secondary پیدا میکنیم. نکته ای که وجود داره اینه که پیوت prime همونطور که توضیح دادیم از پیوت پولیکی هم درست میشه. ولی در این تایم فریم پیوت prime از نوع پولیک رو نمیتونیم ببینیم. پس مجموع پیوتهای این تایم فریم میشه 1 عدد پیوت پرایم و دو عدد پیوت ثانویه.



(3) وقتی تایم فریم و پایینتر میاریم رو H4 میبینیم که پیوت پولیک خودشو نشون میده. پس در این تایم فریم پیوت prime به صورت پولیکی رو علامت میزنیم بعلاوه همون دوتا پیوت secondary

نکته: مشخص کردن این (پیوت prime پولیکی) به صورت کینک یا (گره) هست که بعداً مفصل درباره کینکها صحبت خواهیم کرد.



4) مشخص کردن پیوت پولبکی 1 در این عکس بصورت پیوت فقط. در عکس قبلی به صورت گره بود.



5) در ادامه میبینیم که ما یک خط روند داشتیم که شکسته شده. یعنی به روند نزولی داشتیم بعد trend changing pivot بعد از اون پیوت پولبکی و (بعد از شکست خط روند به کینک داشتیم که با رنگ آبی محدودش مشخص شده). برای ما اولین کینک یا گره بعد از شکست خط روند هم مهم هست که بعدا درباره ش صحبت خواهیم کرد.



مثال بعدی:

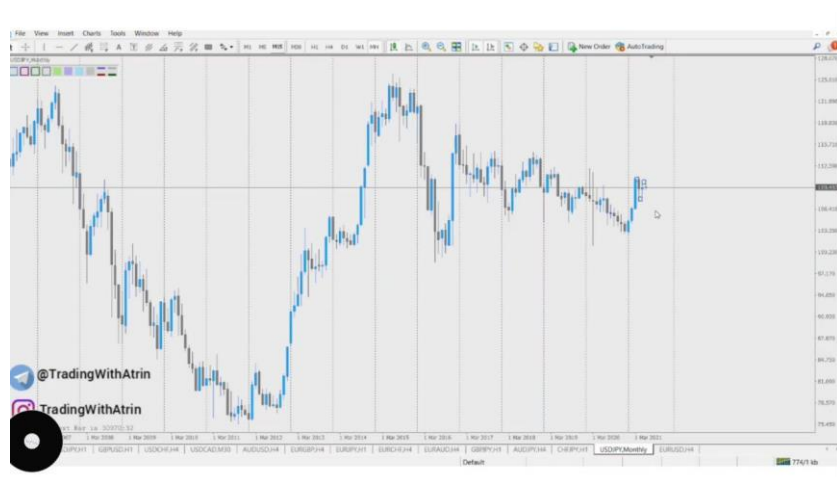
1) در تایم H4 چند پیوت مشخص میکنیم. بعد نگاه میکنیم ببینیم این پیوتها مربوط به چه تایم فریمی هستند.



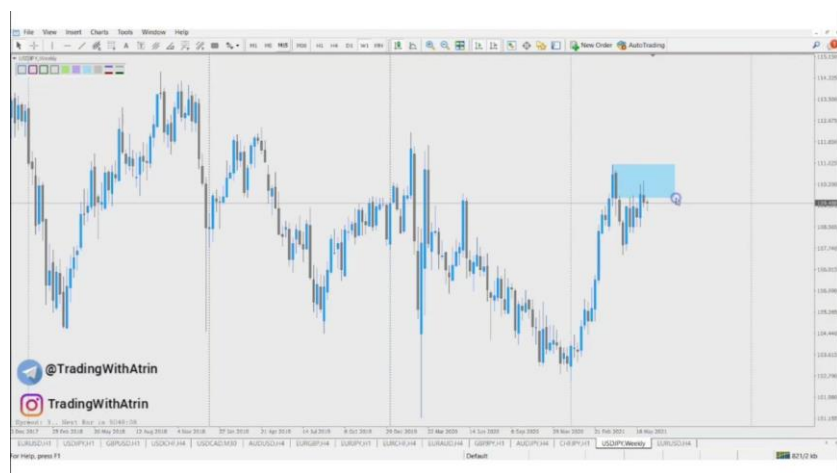
2) همون پیوتها در تایم فریم D1



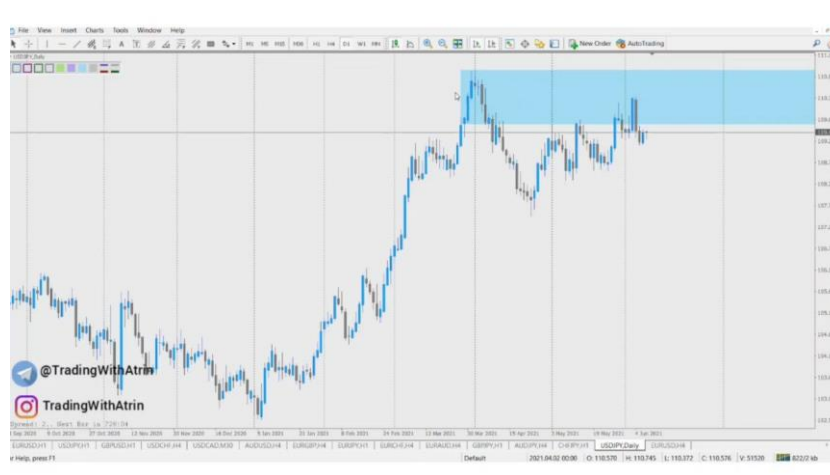
(3) همون پیوتها در تایم فریم W1



(4) همون پیوت در تایم فریم MN1. اینجا باید ببینیم که لگ ریتریس به اندازه یک سوم لگ اصلی بازگشت داشته یا نه. درصدهای فیوناچی میتونیم استفاده کنیم که 38,2% هست. (اینجا درست مشخص نشد آخرین چه درصدی از درصدهای فیوناچی و مد نظرش هست). در هر صورت حداقل یک سوم و باید برگشت داشته باشیم که بتونیم به عنوان پیوت حسابش کنیم. به نظر میاد که این پیوت ماهیانه هست. با توجه به تعداد کندلهای لگ و درصد ریتریس.



(5) در تایم فریم W1 دسیژن کندل و محدودش و مشخص میکنیم. نکته: پیوت رو در لگ اصلی پیدا میکنیم و دسیژن کندل رو در لگ ریتریس چون میخوایم ببینیم چقدر قیمت و پرت کرده به سمت پایین پس باید کندلی باشه که بعدش قیمت به سمت پایین حرکت کرده. در ادامه میایم محدوده دسیژن کندل و در یک تایم فریم پایینتر بررسی می‌کنیم.



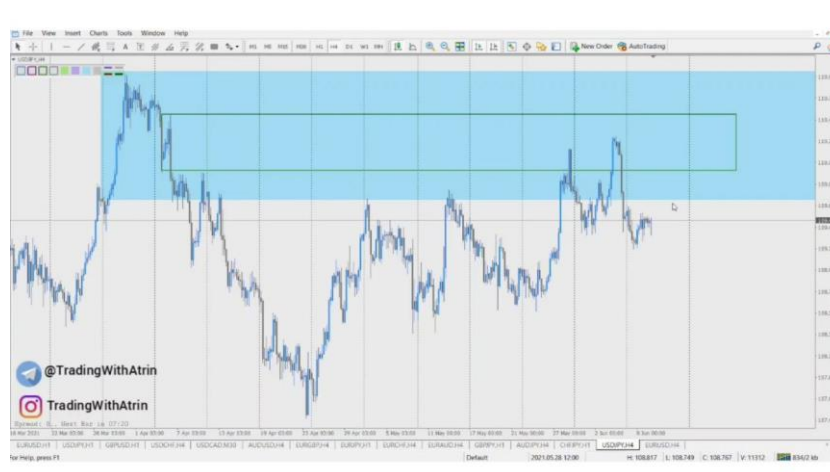
6) در تایم فریم D1 میبینیم که محدوده دسیژن کندل یک ناحیه عرضه درست کرده. برای بررسی بیشتر میریم تو تایم فریم H4



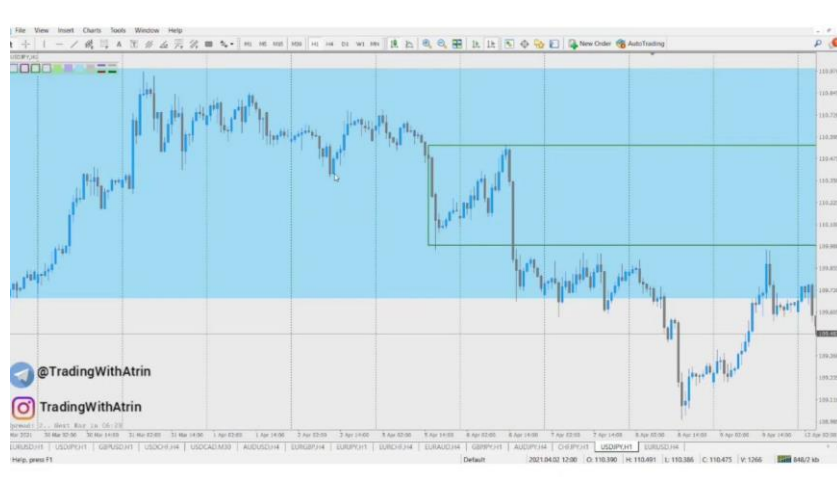
7) در تایم فریم H4 پیوت پرایم رو میبینیم.

گفتیم که برای پیدا کردن FPB یا همون first pullback که جزو پیوتهای پرایم هست باید یک یا دو تا تایم فریم از تایم فریم پیوتمون پایینتر بیایم تو تایم فریم سویینگ یا ترند.

که همین کارو کردیم و پیوت پولبک و که خیلی مهم هست مشخص کردیم ناحیه شو. (ناحیه سبز رنگ)



همون عکس قبلی

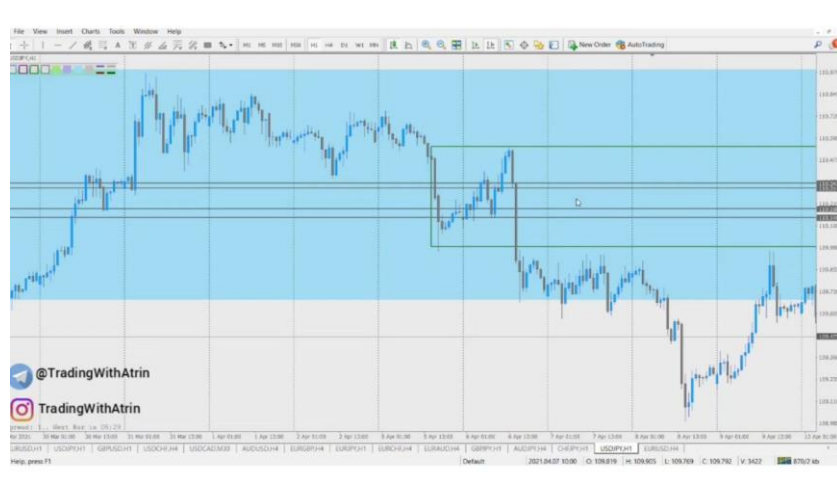


عکس قبلی در تایم فریم H1



8) در تایم فریم H1 محدوده FPB رو بهینه میکنیم. دوتا محدوده جدید رو علامت میزنیم: اولیش: Interchange zone که دایره بالایی هست.

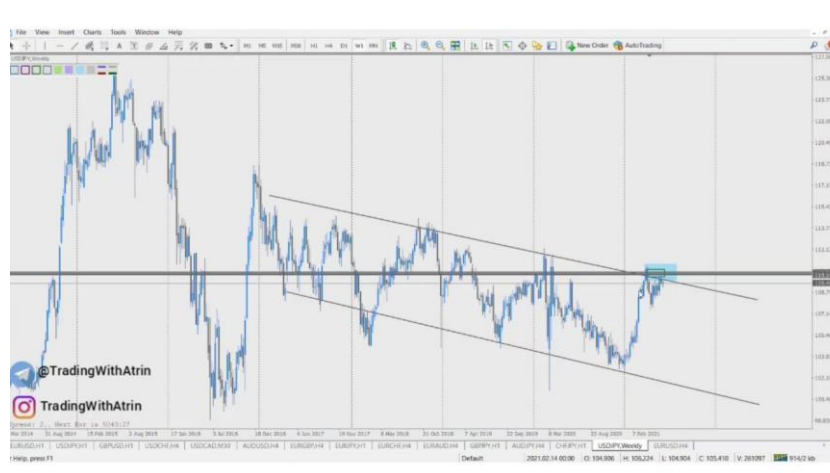
دومیش هم محدوده آخرین زور خریداران برای بالا بردن قیمت هست. یعنی تو محدوده FPB دوباره نقطه آخرین تلاش خریداران رو دقیقتر پیدا کردیم.



9) بعد از علامت زدن محدوده interchange zone و محدوده آخرین زور خریداران به جلوتر میریم و میبینیم که آیا قیمت به این نقاط واکنش داده؟؟



10) در اینجا میبینیم که قیمت به هر دوی این محدوده ها واکنش داده. سمت چپ همون محدوده آخرین زور خریداران هست که در اصل به حالت تسویه گونه ای برامون داشته و حرکت اصلی از interchange zone و محدوده اش شروع شده که در (سمت راست عکس) و محدودش بخوبی میبینیم.

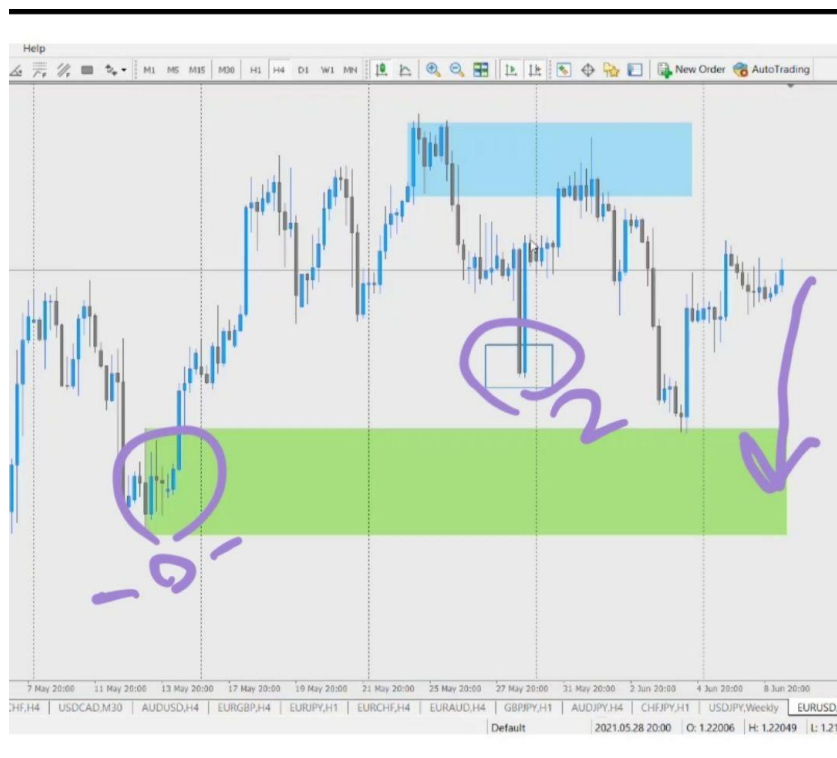


11) بعد از همه این بررسی‌هایی که کردیم big picture رو نباید فراموش کنیم. در تایم فریمهای بالاتر چارت رو بررسی می‌کنیم و خطوط روند و کلیت حرکت قیمت رو بررسی می‌کنیم. دلیل اینکار هم اینه که تایم فریمهای بالاتر هستن که قیمت رو بصورت کلی جابجا می‌کنند.



(1) مثال بعدی چارت H4 یورو:

ناحیه 1 بیس داریم که محدودش رو مشخص میکنیم. پیوت 2 یک consuming pivot یا همون cleaning pivot هست که اومده سفارشات محدوده 3 رو جمع کرده و پیوتهای چهار و پنج و بی اعتبار کرده. پیوت cleaning شماره 2 با نفوذ خودش و جمع کردن سفارشات محدوده 3 دفعه بعد قصد نفوذ بیشتر و داره که محدوده پایینتر از محدوده 3 هست.

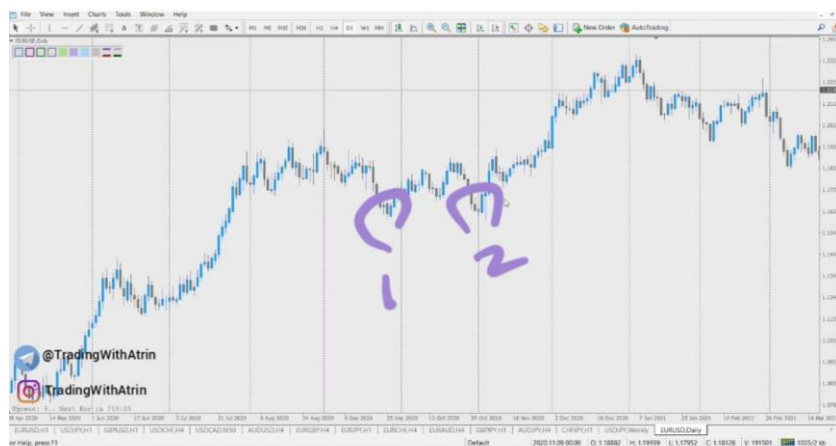


(2) پیوت cleaning دو که دربارش گفتیم میخواد راه رو برای رسیدن به محدوده war candle صفر -0- باز کنه. کندلهای جنگ کندلهای مهمی هستند و احتمال برخورد دوباره قیمت با محدوده اینگونه کندلها زیاده و با توجه به پیوت 2 و ماموریتش این انتظار میره که قیمت به محدوده صفر برسه.



مثال دیگری از همون چارت چهار ساعته یورو و creating order pivot و پیدا کردن دسیژن کندل در محدوده پیوت. در اینجا کندلی رو که نشون دهنده محدوده آخرین تلاش خریداران برای بالا بردن قیمت بوده در نظر میگیریم ولی این به هنر هست که خودمون تشخیص بدیم محدوده دوم کندلها رو بگیریم. آترین محدوده کندل بعدی رو هم برای اطمینان بیشتر در نظر گرفته.

نکته: باید تمرین کنیم و تشخیص بدیم کدام پیوتهای creating order pivot هستند و کدام پیوتهای cleaning pivot هستند.



مثال بعدی از لیکوئیتی هانت:

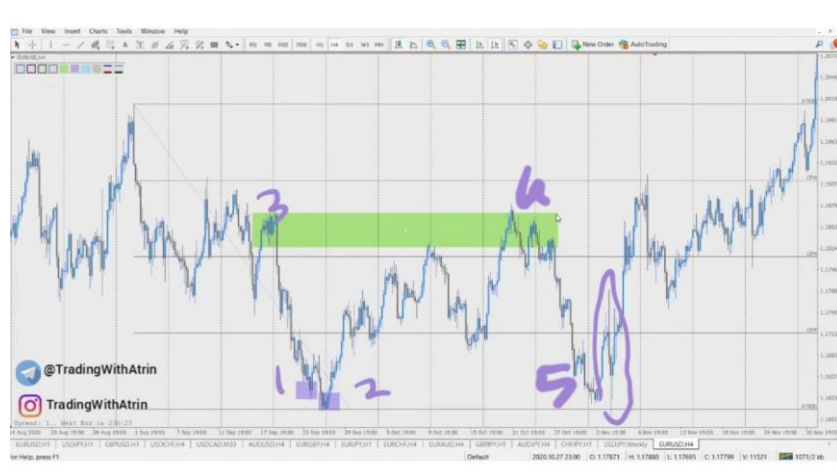
1) وقتی در یک ترند پر قدرت قرار داریم پیوتی مثل پیوت شماره 2 رو cleaning pivot در نظرش نمیگیریم. این در اصل لیکوئیتی هانت هست.



2) با این کندل جنگ محدوده ای درست میکنه قیمت که بعدا بیاد سفارشاتش رو جمع کنه



پیوت سمت راست نشون دهنده واکنش قیمت به محدوده (لیکوئیتی هانت و کندل جنگ) و جمع کردن سفارشات اون محدوده هست.



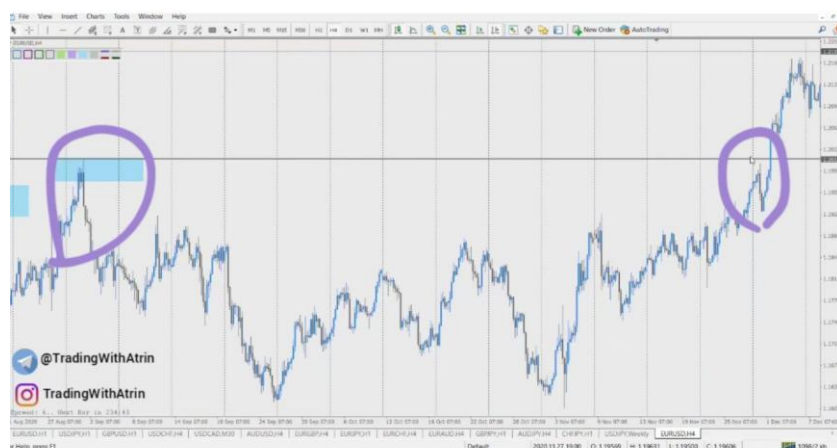
مثال بعدی:

پیوت 1 تسویه هست، پیوت 2 trend changing pivot هست ولی بعدش پیوت پولبکی نداریم.

پیوت 3 یک secondary pivot مهم هست چون در محدوده 50% موج اصلی درست شده.

اتفاقی که افتاده اینه که قیمت در محدوده پیوت 4 سفارشات محدوده پیوت 3 رو جمع کرده و قیمت رو به سمت محدوده پیوت 2 که همون پیوت 5 میشه باز کرده. از اونجایی که پیوت پولبکی بعد از پیوت 2 نداشتیم قیمت به راحتی تا منشأ پایین اومده. وقتی FPB داریم قیمت به راحتی نمیتونه تا منشأ بیاد مثل اینجا.

عدم وجود FPB در اینجا باعث ایجاد لیکوئیتی هانت محدوده سمت راست پیوت 5 هم شده.



مثال بعدی:

عدم وجود FPB بعد از trend changing pivot باعث میشه قیمت وقتی دوباره به اون محدوده میرسه راحت عبور کنه.



مثال بعدی:

(1) بعد از شکست خط روند، (FPB نقش اون گره یا کینک مهم بعد از شکست خط روند) رو هم بازی کرده.

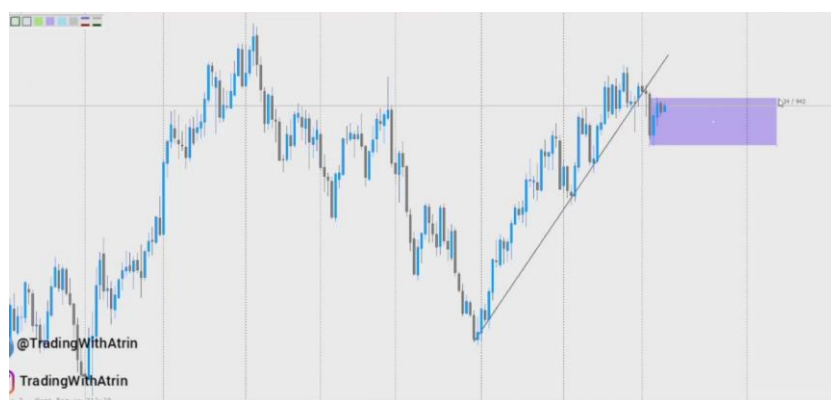


(2) اهمیت محدوده FPB به قدری بوده که قیمت بعد از برخورد به اون محدوده ریزش شدید داشته.



مثال بعدی:

(1) پیوت 1 پیوت پولبکی هست چون سطح قرمز رنگ توسط این کندل تشکیل دهنده پیوت شکسته شده.
پیوت 2 پیوت continuation هست.



(2) بعد از شکست خط روند شاهد تشکیل (کینک ، اولین گره بعد از شکست خط روند) هستیم. در اینجا انتظار نزول قیمت و داریم البته این بستگی به طریقه رسم خطوط روند ما هم داره.



مثال آخر:

1) شکست خط روند و تشکیل FPB. و واکنش قیمت به محدوده FPB.



باطل شدن FPB با لیکوئیتی هانت. اینجا میتونیم بعد از بسته شدن کندلی که FPB رو باطل کرده وارد پوزیشن فروش بشیم. (در اینجا وقتی محدوده FPB با سایه کندل سمت راست باطل شده دیگه کاری به پیوت پولبکی نداریم)

محدوده سبز رنگ محدوده دسیژن کندل هست.



(3) محدوده کندل تصمیم‌گیری رو در تایم فریم بالاتر W1 مشخص کردیم.

CPM Episode 7 | Structure of pivots

Structure of pivots

1. Pivot Levels
2. Pivot inner zone (make the difference in types)
3. Ultimate point (Level) [U.P & UL]
4. Key kink

@TradingWithAtrin
 TradingWithAtrin

ساختار پیوت:

(1) ناحیه ای که ما رسم می‌کردیم، (ناحیه ای که از مشترک open, close و بالاترین یا پایین‌ترین سایه ها تشکیل می‌شود). از طریق لاین چارت هم رسم می‌شود که توضیح داده شد، اینطوری که لاین چارت و باز می‌کردیم و از بالاترین یا پایین‌ترین شادو تا لاین چارت و علامت می‌زدیم.

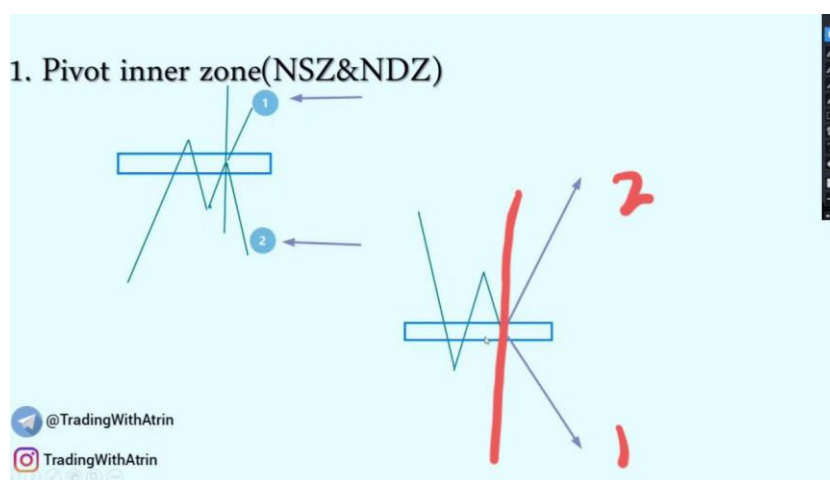
دیگه اینکه هر تایم فریم پهنای pivot levels متفاوتی با تایم فریمهای دیگه داشت.

(2) یک پیوت از هر نوعی که باشد یک زون داخلی دارد که تفاوت انواع پیوت ها مثل (trend changing pivot یا پیوت پولبکی یا liquidation pivot در همین زون داخلیشون هست.

(3) هر پیوت از هر نوعی که باشد یک ultimate point یا نقطه بحرانی دارد. این جایی هست که تصمیم گیری انجام می شود و تغییر صورت می گیرد.

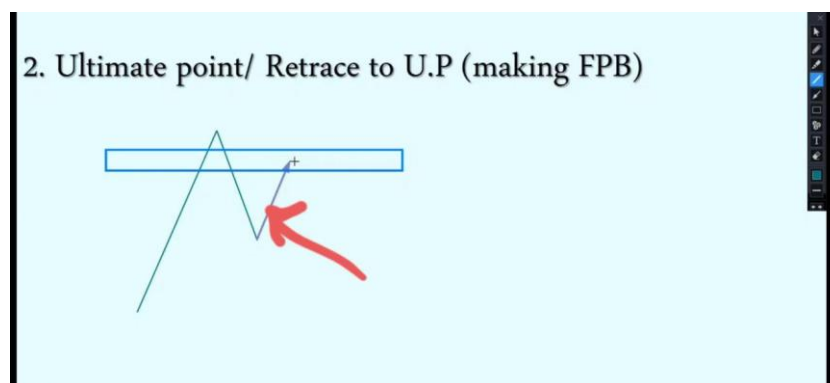
نکته: این نقطه بحرانی جایی هست که کار کردن یا کار نکردنش باعث تغییر در نوع پیوت می شود. مثلا یک پیوت به trend changing pivot یا liquidation pivot تبدیل بشه.

(4) هر پیوت در ساختار خودش یک key kink دارد، کی ها همون بیسها هستند که در تایم فریم پایینتر داریم بهشون نگاه میکنیم. این گره ها جاهایی هستند که تراکنش بین خریداران و فروشندگان واضح هست. ما یک گره اصلی داریم که clean شدن اون گره برای ما اهمیت داره. کینک یا گره اصلی رو در تایم فریم پایینتر از بیس دنبالش میگردیم.

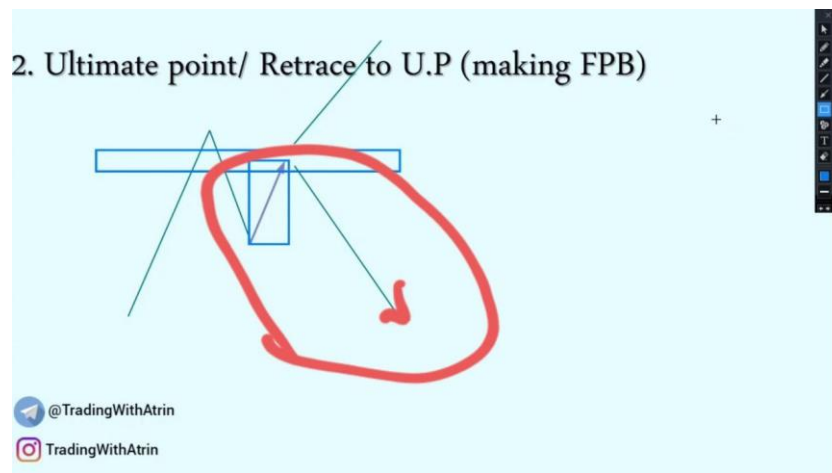


در مثال سمت چپ ما یک (demand تقاضا) داشتیم که برگشتش 38,2 درصد بوده و یک پیوت رو درست کرده. این برگشتی که باعث تشکیل شدن پیوت بوده supply یا همون عرضه هست. حالا این محدوده NSZ یا (New supply zone که در دل پیوت هست تست میشه و این تست شدن دو تا نتیجه داره، یا پیوت ادامه دهنده در حالت 1 درست میشه و یا first pullback بعد از trend changing pivot در حالت 2.

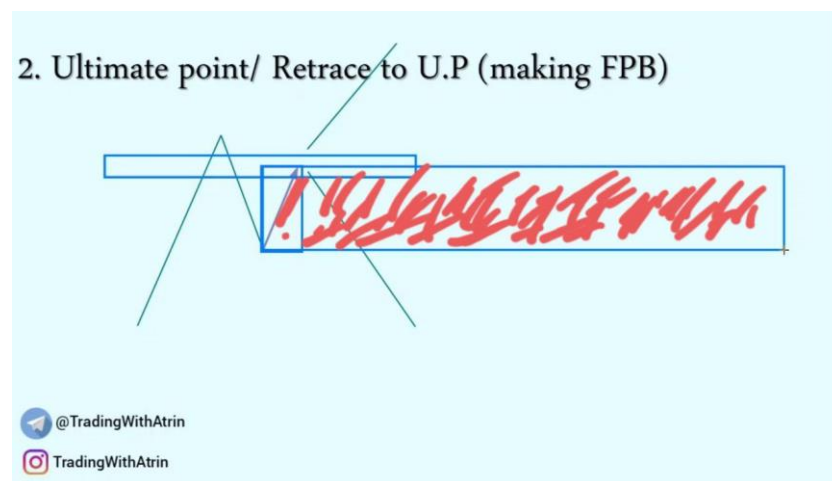
همه اینا در مثال سمت راست هم صدق میکنه با این تفاوت که زون داخلی ایجاد شده در دل پیوت در این حالت اسمش NDZ یا همون New demand zone هست.



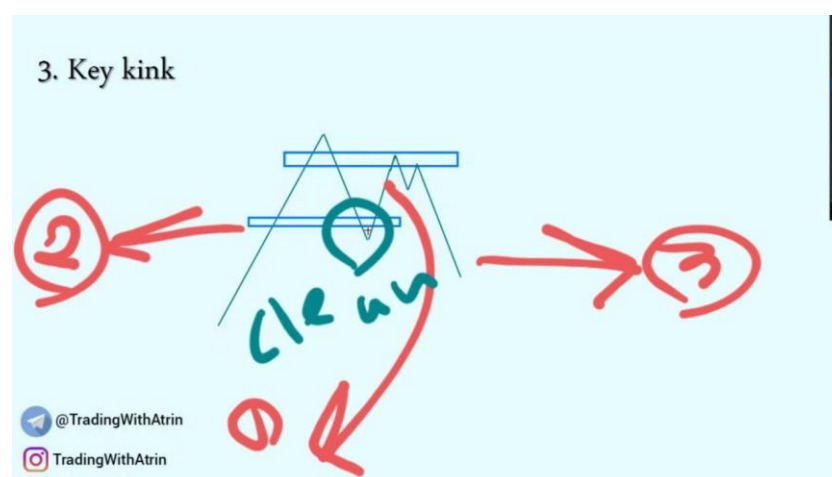
(1) به برگشت قیمت به زون داخلی در دل پیوت میگیریم Retrace to ultimate point



(2) حالا اگر این عمل بازگشت به U.P باعث trend changing pivot بشود نتایجش میشه اینکه FPB ساخته شده. این FPB محدوده مهمی برای ما در آینده هست ، در این مثال محدوده FPB همون محدوده آخرین زور خریداران برای بالا بردن قیمت میشه.



(3) ادامه محدوده FPB به آینده برای اینکه قیمت احتمالا با این ناحیه واکنش میده. علتش هم اینه که این حرکت باعث trend changing شده.



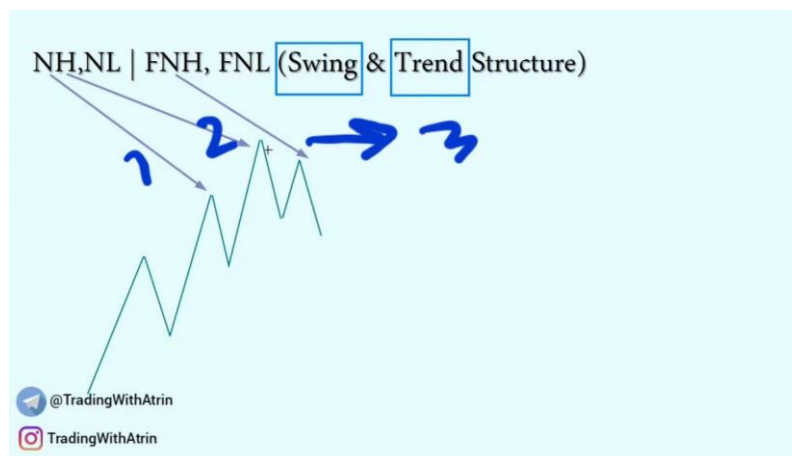
(1) وقتی retrace to U.P داشتیم (1) باید ببینیم قبلش محدوده ای (2) پاکسازی شده یا نه.

اگر پاکسازی شده بود احتمال اینکه (3) trend changing pivot اتفاق بیفته زیاد هست.

اسم اون محدوده ای که باید ببینیم پاکسازی شده یا نه key kink هست. پاکسازی هم اینطوره که قیمت تونسته (در این مثال) خودشو به پایین محدوده برسونه.



(2) در این حالت key Kink پاکسازی clean نشده پس trend changing هم اتفاق نیفتاده و قیمت به صعودش ادامه داده.

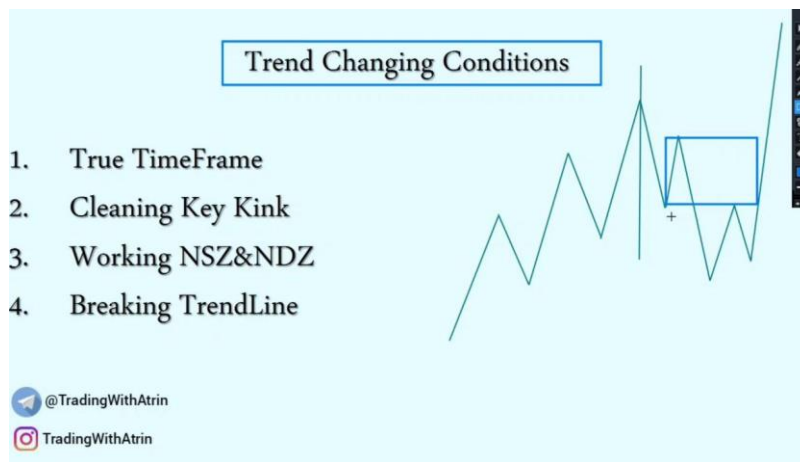


ساختاری که روند در تایم فریم سوینگ و تایم فریم روند به خودش میگیره:
در شماره 3 قیمت موفق نشده هایل های جدید بسازه و بهش میگیریم. failer new higher high.
در حالت نزولی میشه. failer new lower low.



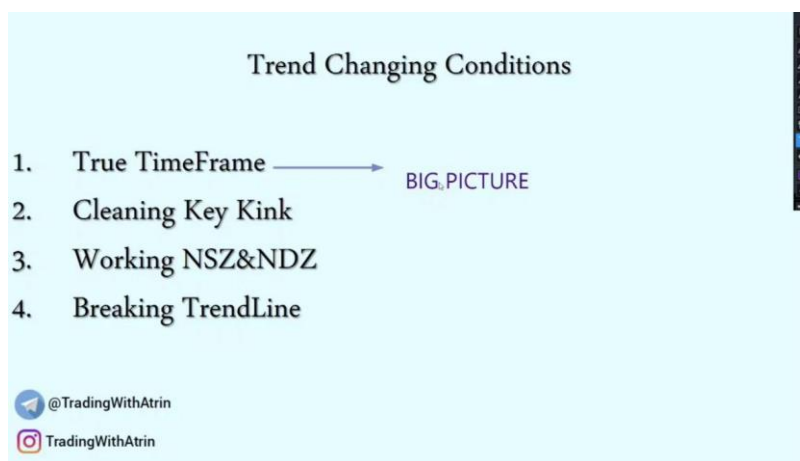
چهار نکته که برای تغییر روند باید بهش توجه کنیم:

- (1) تایم فریم مربوط به تغییر روند
- (2) پاکسازی یا clean شدن گره کلیدی
- (3) کار کردن محدوده جدید عرضه یا تقاضا برای تغییر دادن جهت روند
- (4) شکسته شدن ترند لاین



1) در اینجا درست است که ما trend changing pivot داریم ولی در تایم فریم M15 این اتفاق افتاده و در تایم فریم H4 این فقط یک پیوت پولبکی هست. در اینجا قیمت داره در جهت تایم فریم H4 حرکت میکنه ولی در تایم فریم M15 یک trend changing هم داشتیم.

نکته: روی trend changing در تایم فریمهای کوچکتر همیشه اقدام به گرفتن پوزیشن بای یا سل طولانی کرد.

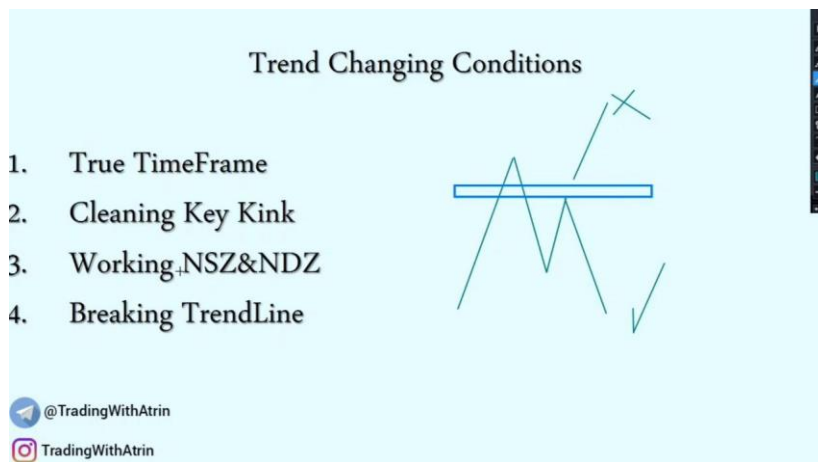


عوض شدن ترند تا حد زیادی مربوط به Big picture همیشه. یعنی تغییر روند در تایم فریم اصلی باید اتفاق بیفته نه در تایم فریمهای پایینترش.



دومین شرط ما برای عوض شدن ترند این بود که به key kink باید توجه کنیم. وقتی پیوت جدید درست میشه باید ببینیم new supply zone موفق میشه key kink و پاکسازی کنه یا نه. اگر موفق شد بعد از برگشت به سمت U.P و برگشت دوباره به سمت پایین ترند عوض خواهد شد.

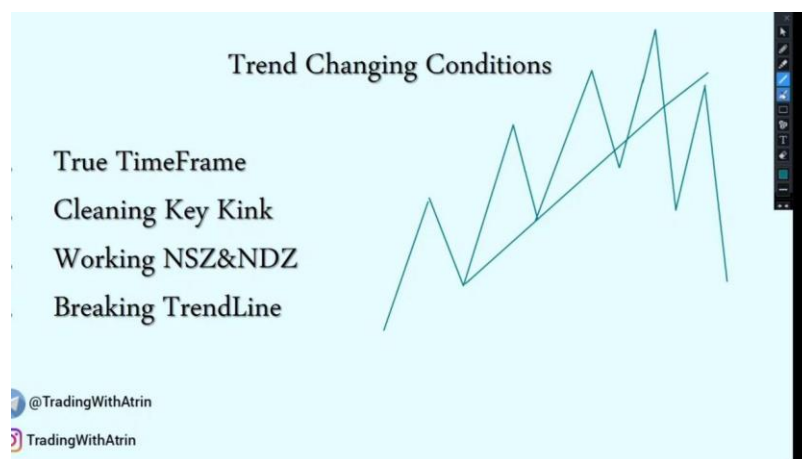
(در قسمت key kink توضیح داده شده)



(3) شرط چهارم هم که توضیح داده شد.

New demand zone یا New supply zone

باید کار بکنه که trend changing داشته باشیم.



شرط چهارم ما هم شکسته شدن ترند لاین هست که ریزه کاری زیاد داره.

ترند لاینها و انواعشون، خوشبینانه، بد بینانه، aggressiv, passivism و... و اینکه در چه تایم فریمی باید رسم بشن.

(بعدا دربارشون صحبت خواهیم کرد).

در مارکت ما چیزی قطعی نداریم ولی تایید این چهار نکته مثل یک اندیکاتور میتونه برای شناسایی تغییر روند تا هشتاد نود درصد به ما کمک کنه.

👉 آخرین این چهار تا رو تو چک لیستش داره و مرتب چکشون میکنه. حتی برای سوپر اسکپ کردن هم باید به این نکات توجه کرد چون تمام این اتفاقات در تایم فریمهای کوچکتر هم مثل تایم فریمهای بزرگ میفته. 📌

CPM Episode 8

Structure of pivots | Examples on chart



بررسی پیوتهای مشخص شده در تایم فریم H1 چارت طلا

پیوت شماره 1 :



1) مشخص کردن محدوده (first pullback) FPB

در تایم فریم M30 می بینیم که قیمت رو به وضوح بعد از پولبک به سمت پایین هل داده.



(2) تشخیص کردن Pivot Inner Zone

در اینجا محدوده زون داخلی همیشه اون جایی که آخرین کندل آبی (صعودی) اینگلف شده. (پوشا) شده. بعد از تشخیص کردن این محدوده قیمت به سمت U. P یا همون ultimate point به بازگشتی میکنه. حالا U.P کجاس اینجا؟



(3) خب U.P یا همون Ultimate Point همیشه کندل تصمیم گیری یا همون Decision Candle. این کندل و تو تایم فریم M5 پیداش کردیم.



(4) به این محدوده
Ultimate zone
Ultimate point
New supply zone

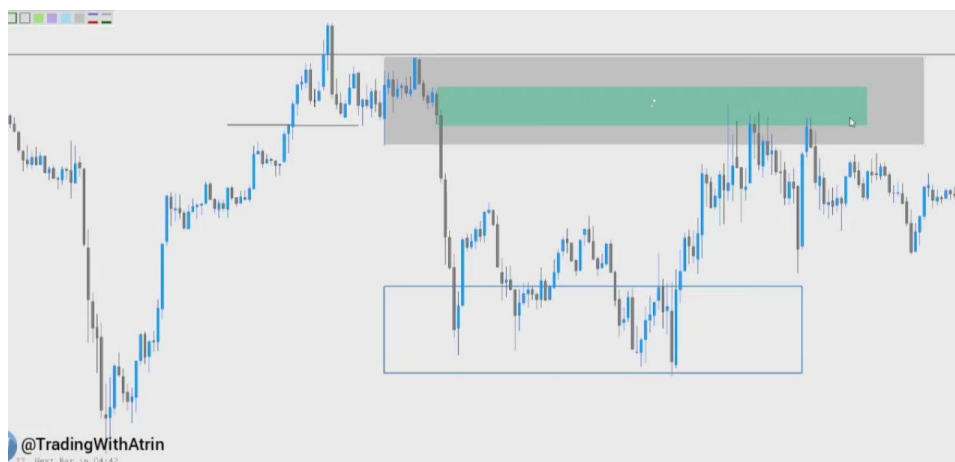
گفته میشه. برگشت قیمت از این ناحیه نشون دهنده این هست که New supply zone عمل کرده.



(5) این هم همون محدوده FPB هست در M5 که اول تو M30 مشخص کردیم.



(6) این هم بهینه شده محدوده , FPB که از اونجایی میگیریمش که حرکت شارپ شروع شده. به انتخاب کندل قبل از حرکت شارپ دقت کنید. تایم فریم همون M5



(8) اینم بهینه شده تو بهینه نشده :-)



مثال بعدی

(1) می‌خواهیم ببینیم اینجا چه اتفاقی افتاده است ابتدا در تایم فریم M30



(2) اینجا در تایم فریم M15

می‌فهمیم که new supply زونش نتونسته کار کنه، از کجا می‌فهمیم؟ میریم به تایم فریم پایینتر



(1) محدوده FPB خیلی خیلی برای ما مهم هست ولی اینجا میبینیم که این محدوده clean شده. یعنی قیمت اومده سمتش ولی فقط یک بار بالای اون محدوده نگه داشته شده و دیگه از اونجا به بالا پرت نشده. عوضش اومده پایینتر از محدوده decision candle به سمت بالا حرکت کرده.



(1) اگر خواستیم ترید کنیم بعد از بالا اومدن از خط (1) کلوز به کندلی که های کلوز بست (2) ورود میکنیم تا محدوده FPB بهینه شده (3) که تو مثال اول دربارش گفتیم.



مثال بعدی:

(1) پیوت رو میبینیم در تایم فریم M15.

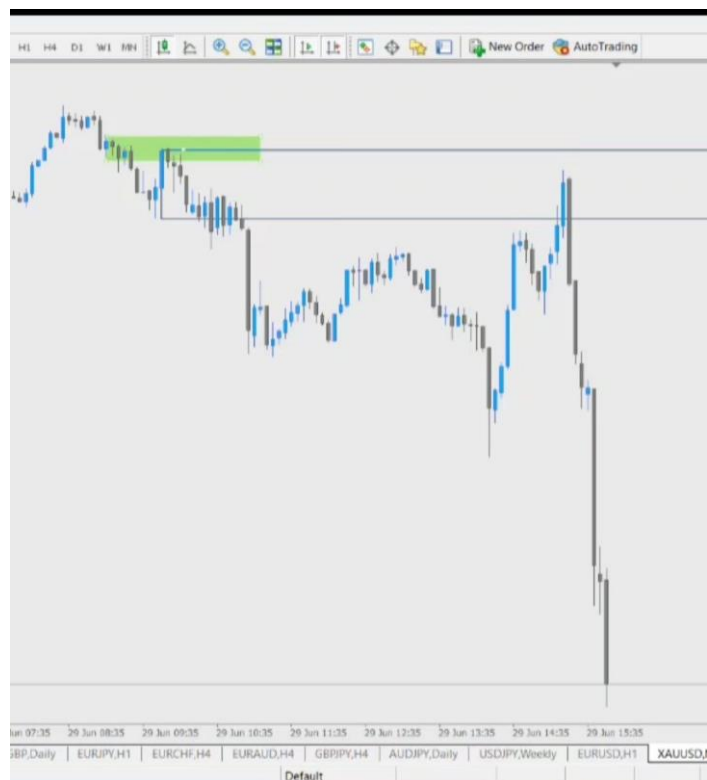
(2) FPB



محدوده FPB و مشخص میکنیم.



محدوده FPB و در تایم فریم پایینتر بهینه میکنیم. تایم فریم M5.



3) محدوده New supply zone رو مشخص میکنیم. محدوده سبز رنگ.

((Retrace to new supply zone))

یا U.P 🖱

یا U.Z 🖱



4) محدوده FPB و بهینه تر میکنیم. برای اینکار می آیم تایم فریم M1 میبینیم که به FPB کوچیکتر تو FPB بزرگتره هست.



(5) مرحله بعدی بهینه سازی.



(6) مرحله آخر بهینه سازی. به کندل کوچک M1 در وسط و انداختن دو تا خط روش دقت کنید.



7) واکنش به محدوده سوپر بهینه شده در آینده و ریزش.
پس باید در تایمهای پایینتر بارها و بارها بهینه سازی کنیم. (دنبال FPB ها و trend changing ها میگردیم).



کشیدن به خط روند کوچک تو محدوده M1. ریزش بعد از شکست خط روند و ریزش اصلیت که در قسمت 7 عکسش و دیدین.



مثال بعدی: واکنش قیمت در پیوت 2 به کندل جنگ در پیوت 1.
1) واکنش قیمت در پیوت 3 به محدوده ای که از پیوت 1 به 2 منتقل شده.
واکنش قیمت در پیوت 4 به محدوده پیوت 3.



2) در پیوت 5 ما یک cleaning پیوت داریم ، به این معنی که قیمت از (محدوده kink سمت چپش) بالاتر رفته و نوید اینو داده که بعد از ریتریس به محدوده (سبز بزرگتر) که در عکس قبلی توضیح داده شد میرسونه خودشو. کی کینک؟!

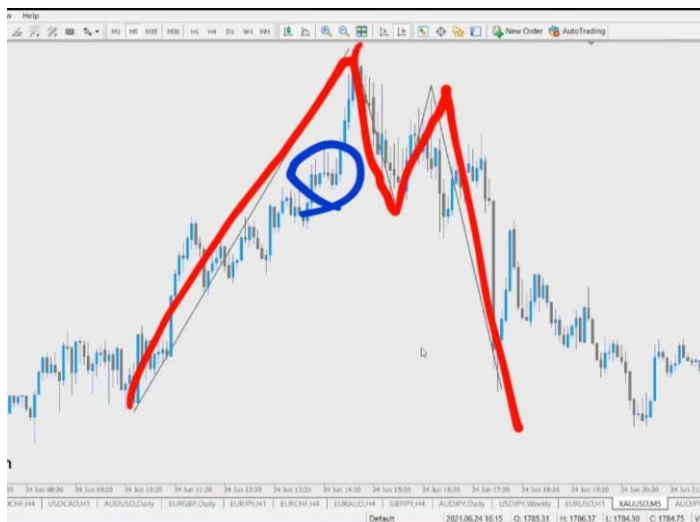


3) پیوت سمت راست همون پیوت شماره 3 در دو عکس قبلی هست. □ درباره کارسپاندینگ پیوت که مربوط به تقارن‌ها و geometrical trading میشه بعدا اگر وقت شد صحبت میکنیم.



4) این همون پیوت 5 هست که cleaning پیوت بود. ✓ نکته ای که داره اینه که FPB که قیمت وقتی بهش می‌خورد برمی‌گرده، اینجا در مورد این پیوت که cleaning pivot بوده صدق نکرده و فقط در یه حد کم قیمت و پایین نگه داشته.

👉 باید توجه کنیم که پیوتها با توجه به اینکه چه نوعی از پیوتها هستند FPB شون هم در همون حد خودشون کار میکنه و نباید انتظار داشت که FPB به cleaning pivot قیمت و پرت کنه زیاد :-)



✔ مثال بعدی

1) در دایره آبی رنگ ما به Key kink داریم که منشأ یک حرکت شارپ صعودی بوده ولی new supply zone که در بالای اون شکل گرفته اومده و کینک رو clean کرده و بعد از اون ترند تغییر کرده.



2) یک نشانه دیگه کار کردن new supply zone و تغییر ترند در اینجا شکست خط روند هست.



انواع مختلف trend line و نامهای مختلف آنها و انتظاری که ما از هر کدام داریم.



ترند لاینها در تایم فریمهای متفاوت:

باید توجه کنیم که ترند لاین در چه تایم فریمی شکسته میشه ، و تغییر روند و با توجه به تایم فریمی که خط روند درش شکسته شده بررسی کنیم..



موارد تایید trend changing که میتونیم ارزش استفاده کنیم:

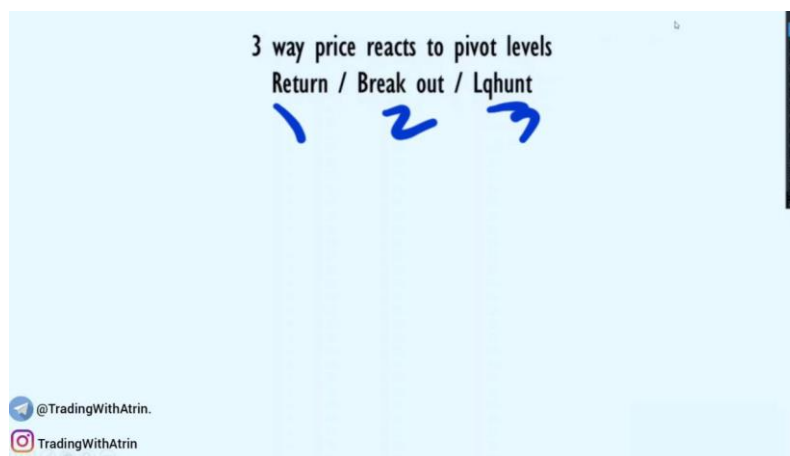
(1) شکست خط روند.

(2) شکسته شدن key kink.

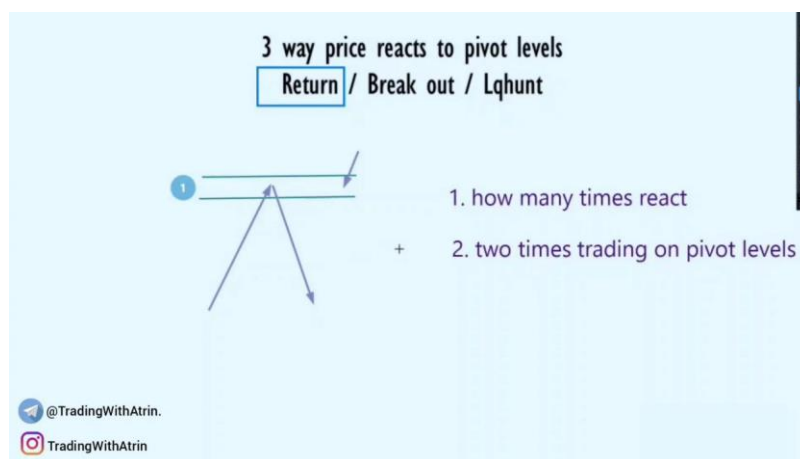
در حقیقت شکست key kink در اینجا نشون دهنده این هست که new supply zone کار کرده..

CPM Episode 9

Reaction to Levels : Return/Break-out/Liquidity-hunt



✓ سه انتظار ما از واکنش قیمت به نواحی پیوتی



✓ بازگشت Return :

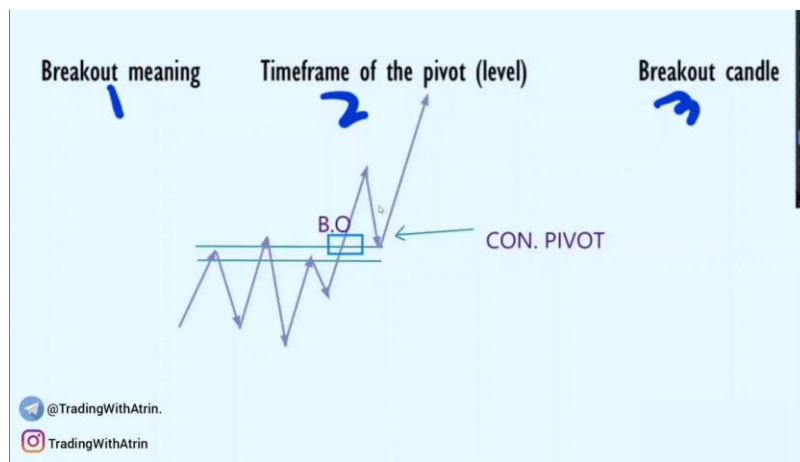
(1) اولین انتظار ما از برخورد قیمت با نواحی پیوتی بازگشت هست.

سؤال: چند درصد احتمال بازگشت قیمت از نواحی پیوتی وجود دارد؟

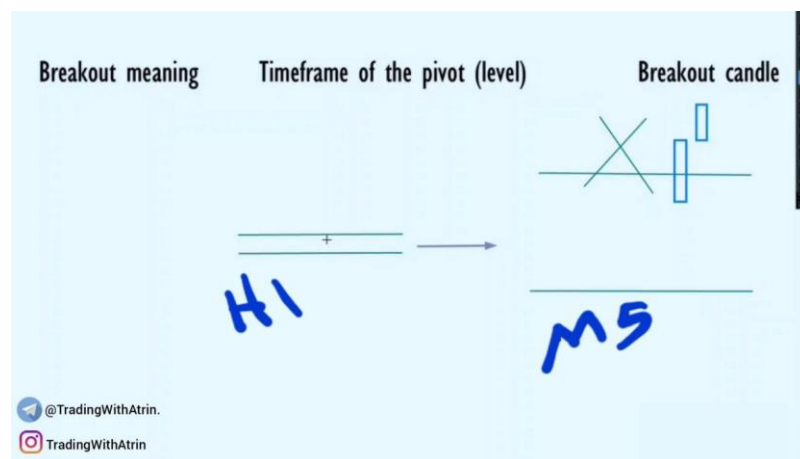
✓ احتمال بازگشت قیمت بعد از برخورد با نواحی پیوتی به مسائل مختلف بستگی دارد ولی ما معمولا تا دو بار بازگشت و ترید میکنیم و بار سوم و دیگه ترید نمیکنیم و احتمال شکست رو میدیم.

میشه گفت که در این سه بار برخورد قیمت با نواحی پیوتی ما بار اول بازگشت داریم، بار دوم لیکوئیتی هانت میشه و بار سوم شکست. یعنی این احتمالات رو مد نظر داریم و میشه ازش دیدگاه گرفت.

✓ برای بازگشت قیمت نکته مهمی که راز ما هست و باید در نظر بگیریم. ریترن یا بازگشت از یک پیوت باید در همون تایم فریمی بررسی بشه که پیوت درش شکل گرفته. مثلا ما نمیتونیم انتظار بازگشت قیمت و از یک Leg که در تایم فریم بالاتر شکل گرفته هنگام برخورد با یک پیوت از تایم فریم پایینتر و داشته باشیم چون احتمال شکسته شدن پیوت خیلی بیشتر از بازگشت هست.

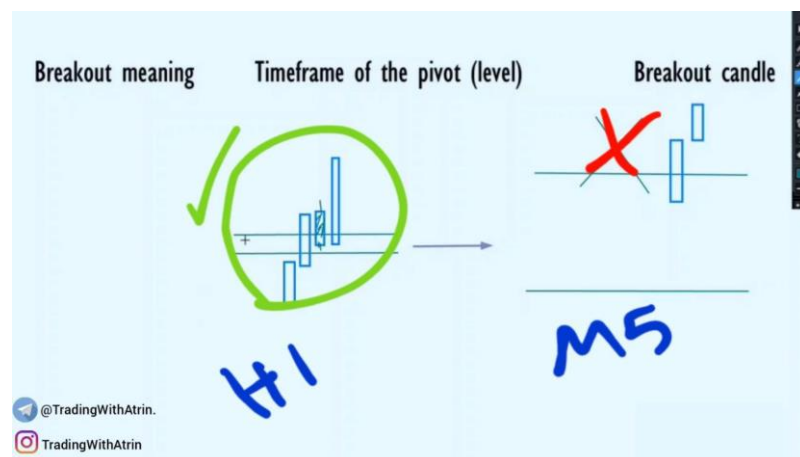


✓ **بریک اوت** : وقتی انجام میشه که سفارشات اون نواحی پیوتی جمع آوری شده و بعد از اون قیمت میخواد در یک کانال دیگری سفارشات رو جمع کنه.

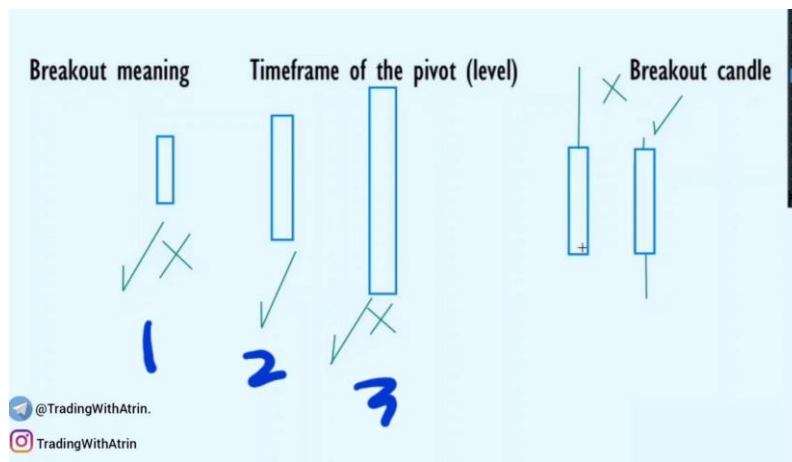


✓ نکته بسیار مهمی که هست اینه که تایم فریم اون ناحیه پیوتی برای کجاست؟ حتما در همون تایم فریم ما باید کندل شکست رو ببینیم.

در این عکس سمت چپ ما ناحیه پیوتی و در تایم فریم H1 داریم وقتی همون پیوت رو در تایم فریم M5 نگاه میکنیم میبینیم یک کندل بریک کرده خط بالای پیوت و یک کندل هم کاملا بالای خط پیوت بسته شده ولی این بریک اوت نیست چون باید در تایم فریم مربوط به خود پیوت نگاهش کنیم نه جای دیگه :-/

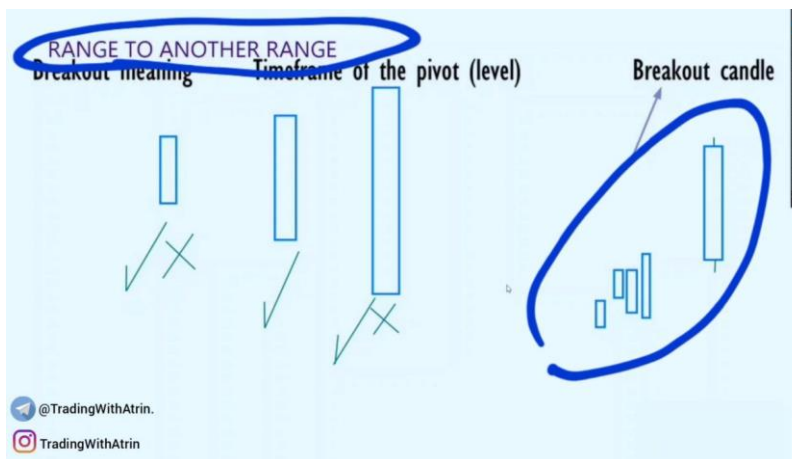


✓ شکل صحیح بریک اوت در تایم فریم پیوت که در اینجا مثلا H1 هست.

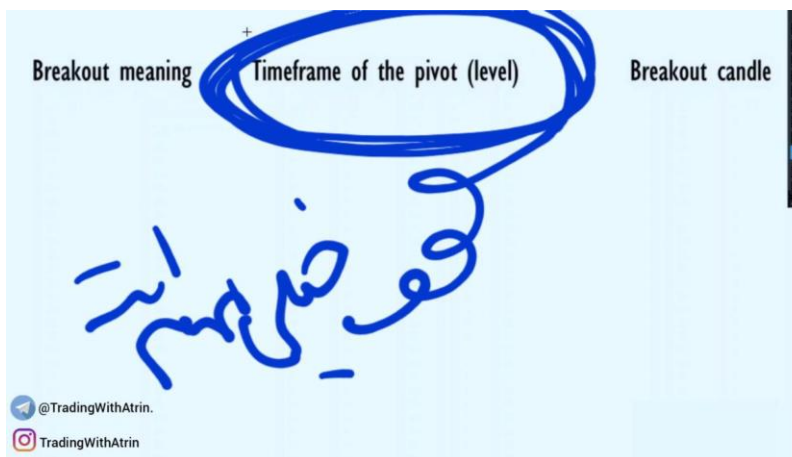


✓ در مورد شکل کندل‌های بریک اوت هم بهترین نوع کندل، کندل‌های لانگبار (2) هستند. کندل‌های معمولی (1) و کندل‌های اسپایک (3) هم بستگی به شرایط بریک کردن پیوت باید بررسی بشن ولی همونطور که گفتیم بهترین نوع کندل، کندل لانگبار هست.

در مورد سایه کندل‌های بریک اوت هم ترجیحا سایه به جهت بریک کردن نداشته باشن ولی سایه خلاف جهت بریک کردن مشکلی نیست. ولی باز هم می‌گیم بهترین نوع کندل برای بریک اوت کندل‌های لانگبار با سایه های کوچک هستند.



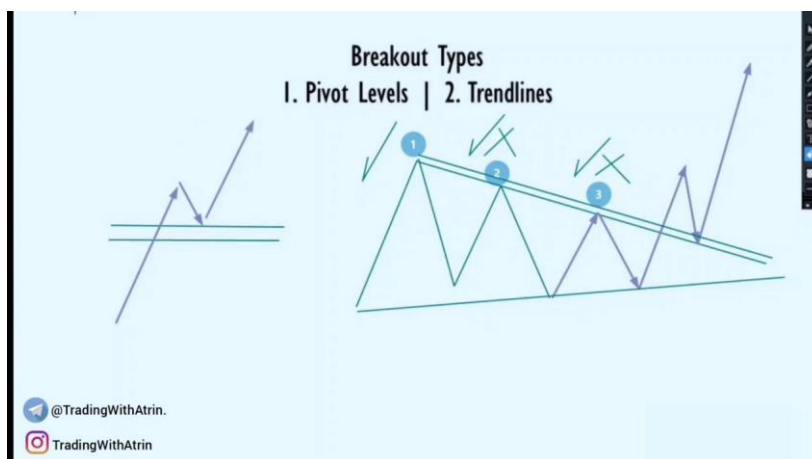
✓ مقایسه کندل بریک اوت با کندل‌های قبلی در عکس مشخص شده. باید کندی باشد که از لحاظ اندازه نسبت به کندل‌های قبلیش بزرگتر باشد و این تفاوت اندازه مشخص و واضح باشد. معنی بریک اوت در اصل اینه که قیمت از یک رنج به یک رنج دیگه می‌خواد تغییر مکان بده. حالا اون رنج ممکنه رنج بالاتر یا پایینتر باشه.



✓ "تایم فریم پیوت خیلی مهم هست. اکثر دوستان نواحی و level های پیوتی مربوط به تایم فریم خودش را نمیتونن پیدا کنن." دوستان به تدریس نواحی پیوتی و تایم فریم پیوتها میتونن رجوع کنن.

حالا میتونیم این مطالب رو کامل کنیم و پیوتها رو طبقه بندی کنیم، مثلا اینکه چه پیوتهایی بیشتر بریک اوت روشن انجام میشه.

پیوتهای cleaning pivot که رسالتشون باز کردن راه برای حرکت قیمت هست خودشون راحت تر بریک اوت میشن ولی پیوتهای trend changing پیوت، چند بار تست میشن و لیکوئیتی هانت میشن و بریک اوت کردن این پیوتها آسون نیست.

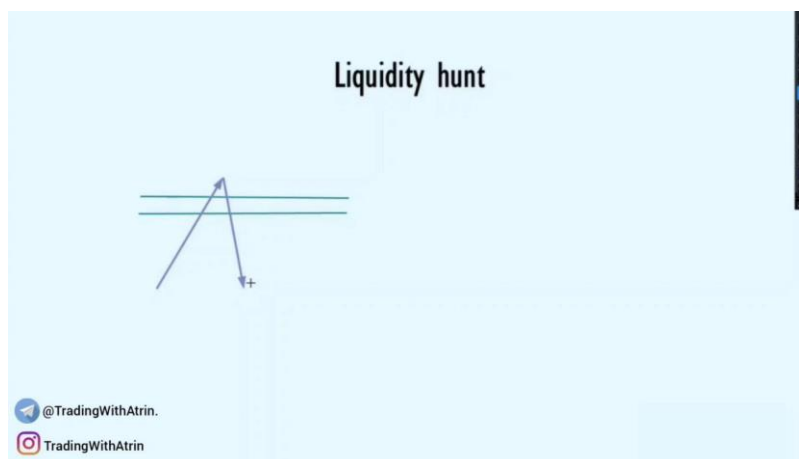


✓ بریک اوتها دو نوع هستند

(1) یکی که همون بریک اوت نواحی پیوت بود که در اصل خطوط استاتیک هستند. بعد از بریک اوت پولبک و ادامه حرکت قیمت رو داریم.

(2) دومیش هم بریک اوت خطوط روند هست. در اصل ما خطوط روند رو به صورت level یا یک نوار که از دو تا خط موازی درست شده میکشیم.

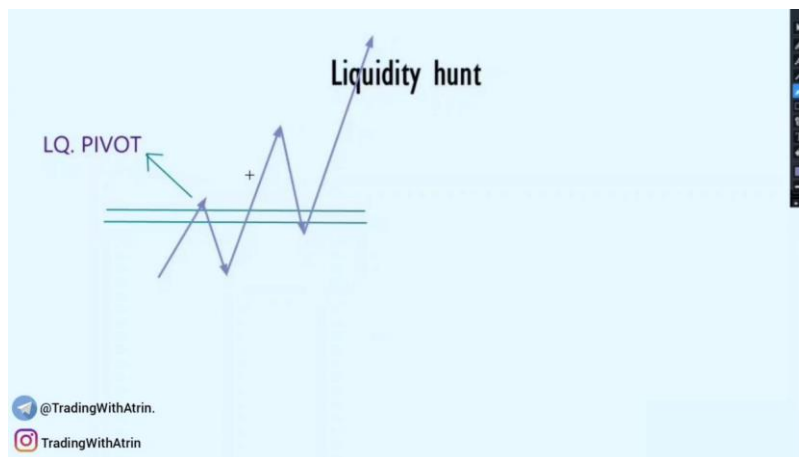
(تقریبا مثل نواحی پیوتی) وقتی اینطوری بکشیمشون باید براشون تایم فریم در نظر بگیریم. این تایم فریم هم باید بدینانه ترین حالتش باشه. (در مثال عکس حالت (1) رو که بدینانه ترین حالتش هست) را در نظر میگیریم.



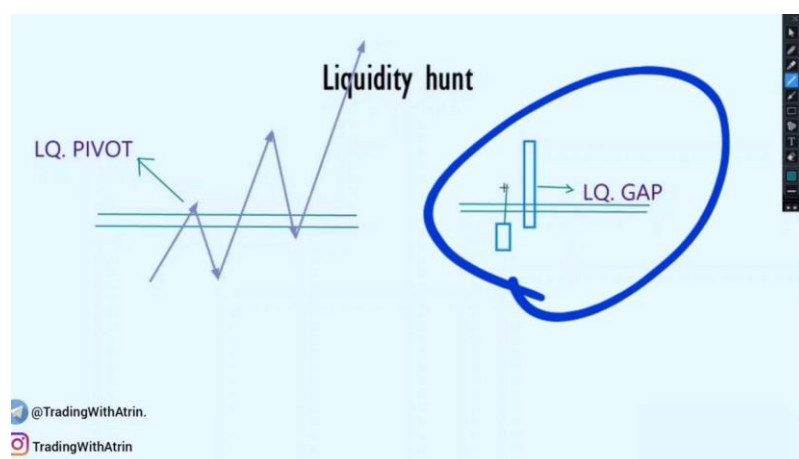
✓ لیکوئیتی هانت

(1) یعنی ما یک پیوت داریم ، قیمت خودشو به طرف دیگر پیوت میرسونه ولی نمیتونه خودشو تثبیت کنه و برمیگرده. ما به این میگیم لیکوئیتی هانت.

قیمت خودشو که به طرف دیگر پیوت می‌رسونه نقدینگی و سفارشات رو با خودش جمع می‌کنه. حالا این پیوت در تایم فریم بالاتر چه پیوتی حساب میشه؟ به این نوع پیوت LQ.PIVOT می‌گیم که این LQ پیوتها خودشون انواع دارن، که یکیشون cleaning pivot بود و یکیشون creating order pivot.



✓ (2) مدل احتمالی برگشت قیمت (در تایم فریم پایینتر) بعد از جمع کردن نقدینگی در آنطرف پیوت، بازگشت و دوباره شکست پیوت و ادامه حرکت در آنسوی پیوت.



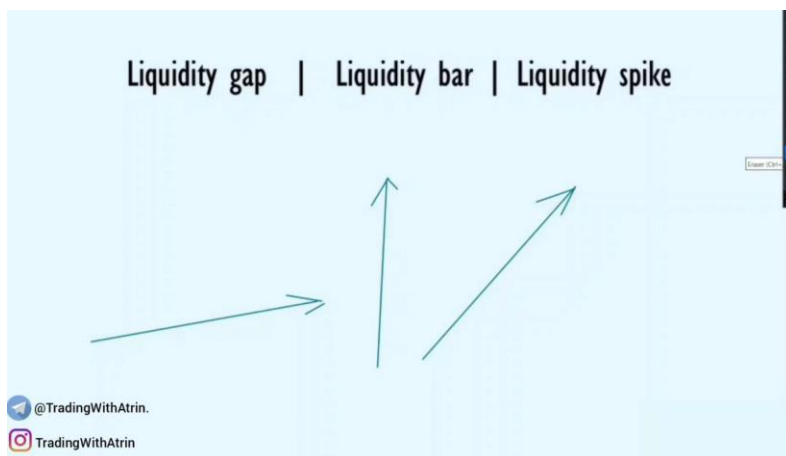
✓ (3) نمونه دیده شدن لیکوئیتی هانت در تایم فریم بالاتر (سمت راست).

□ حالا در دل اون کندل بلند یک کینکی هست، یک نقطه تصمیم گیری هست که (رالی بیس رالی) اونجا خواهیم داشت. (حدودا تا 50% کندل بریک اوت قیمت در تایم فریم پایینتر پولبک میزنه که میشه تا حدودی با سایه کندل قبلی جاشو پیشبینی کرد). به این محدوده در دل کندل بلند بریک اوت LQ GAP می‌گیم.

□ مفصل درباره بحث شادوها صحبت خواهیم کرد یک جلسه. چون موارد تکمیلی لیکوئیتی هانت میره تو مبحث شادوها و انواع شادوها و اینکه ما از هر کدوم چه دیدگاهی می‌گیریم و روند رو برای ما چگونه آشکار می‌کنند.

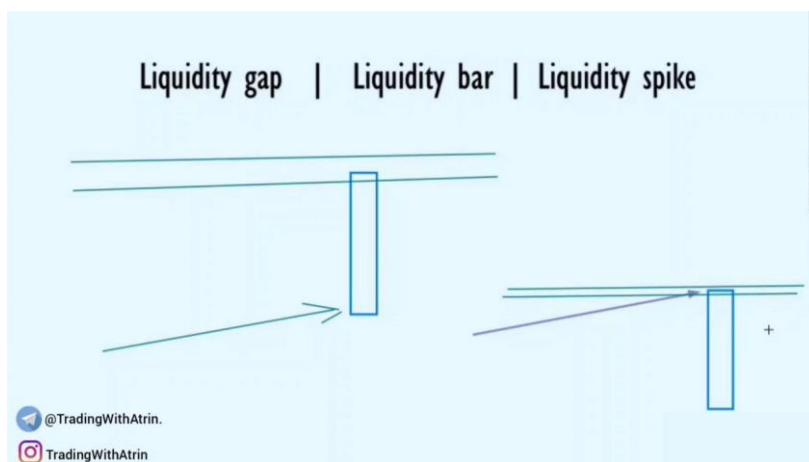


✓ (4) حالا clean شدن این LQ GAP هم مهم هست چون قیمت ممکنه از همون LQ GAP یا کینک مورد نظر حرکت کنه، ممکن هم هست بیاد پایینتر و از پایینتر حرکت کنه. □ بعدا دربارش صحبت خواهیم کرد.



(1) قیمت به انواع مختلفی حرکت میکنه که مدل حرکت سمت چپ رو میگیریم (فشرده‌گی compression) انواع حرکت‌ها رو بعدا با مباحث ریاضی و زوایا دربارش صحبت خواهیم کرد.

✓ (2) تنها راه‌هایی از حرکت compression کندلی هست که ما بهش میگیریم لیکوئیدیتی بار. این کندل کندلی هست که پیروزیه یک طرف رو به ما نشون میده (یا خریداران یا فروشندگان).



خب حالا این‌هایی از حرکت compression بستگی داره به اینکه قیمت به جایی خورده یا نزدیک یک جای مهمی شده. (در عکس قسمت سمت چپ) قیمت نزدیک ناحیه ای شده که به علت خاصیت مگنتی اون ناحیه با کندل لیکوئیدیتی بار به اون ناحیه برخورد کرده. ما به این خاصیت مگنتی میگیریم لیکوئیدیتی اسپایک چون قیمت با به اسپایکی خودشو به اون ناحیه رسونده.

CPM Episode 10

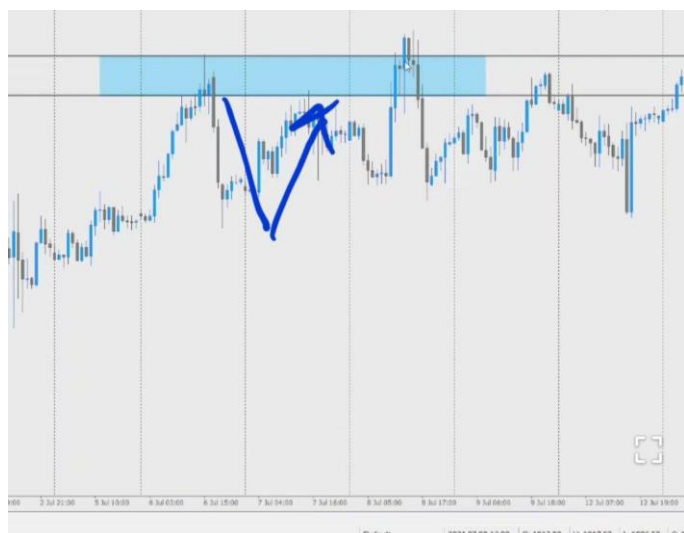
Reaction to Levels on chart/ Examples



✓ مشخص کردن یک پیوت در تایم H1.



✓ یک تایم فریم بالاتر میریم و میبینیم لگ تشکیل دهنده پیوت مربوط به تایم فریم H4 هست.



✓ محدوده پیوت و با توجه به آموزه های اپیزودهای قبلی (در تایم فریم H1 رسم میکنیم)، حالا اینکه قیمت به کجا واکنش داده decision candle یا FPB و دربارش صحبت کردیم قبلا.
ملاحظه میکنیم که اولین واکنش قیمت به پیوت Return یا بازگشت اتفاق افتاده.



✓ در محدوده دایره بنفش ما breakout داریم؟
چون پیوتی که کشیدیم مربوط به تایم فریم H4 هست دوباره تایم فریم و به H4 تغییر میدیم.



✓ در تایم فریم H4 میبینیم که کندل درست حسابی که ترجیحا لانگ بار هم باشه پیوت رو نشکسته پس بریک اوت منتفی میشه و به این حالت میگیم Lq هانت.

حالا اینکه Lq هانت از نوع creating order هست یا cleaning یا ترکیبی از هر دوش مفصل دربارش حرف میزنیم.

در اصل ما اینجا هم یک بازگشتی داشتیم ولی یه سایه بالاتر از محدوده پیوت زده شده و بعد قیمت برگشت داشته.



✓ در اینجا پیوت چهار ساعته ما توسط یک کندل چهار ساعته بریک شده و ما بریک اوت داریم ولی قیمت به ناحیه مهم دیگه ای برخورد کرده.



✓ برای اینکه بفهمیم قیمت به کجا برخورد داشته بعد از بریک اوت باید به big picture نگاه کنیم.

در محدوده بنفش و قبلش ما (دراپ بیس دراپ) داریم و به اون کندل بزرگ نزولی می‌گیم لیکوئیتی بار. به محدوده مستطیل بنفش هم می‌گیم لیکوئیتی گپ. که به منطقه مهم هست برامون.

در مورد اینکه لیکوئیتی بار چی هست و لیکوئیتی گپ چی هست و اینکه لیکوئیتی گپ درون لیکوئیتی بار درست میشه و اینکه مثال این عکس لیکوئیتی اسپایک هست جلسه قبل بحث کردیم. □



✓ بررسی یک پیوت H4 زیر کندل لیکوئیتی اسپایک. میبینیم که به بازگشت داشتیم بعد از رسیدن قیمت به پیوت. (فلش سبز). بعد از اولین بریک اوت (خط قرمز) قیمت چندین بار این سطح و تست کرده و دوباره صعود کرده. این نشون میده که این سطح مهم هست.



✓ وقتی به گذشته نگاه میکنیم میبینیم که این سطح قیمت رو از به رنج به به رنج دیگه تغییر داده و این به تاییدیه دیگه بر اهمیت این سطح هست.



✓ در ادامه بررسی چارت در گذشته میبینیم که قیمت وقتی تغییر رنج داده با یه کندل بریک اوت اون سطح مهم رو بریک کرده. (دایره قرمز).

سوال اینجاس که چرا قیمت به سطح پولبک کلاسیک نزده و از محدوده (دایره سبز) بالا رفته؟
دلیلش میتونه واکنش به یه کینک یا یه لیکوئیتی گپ باشه.



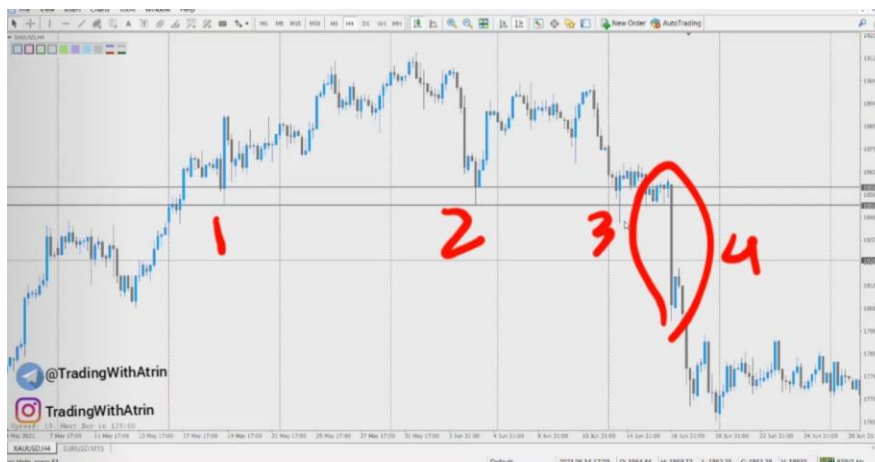
✓ مشخص کردن محدوده برای پیدا کردن دلیل واکنش قیمت



✓ باز هم در بررسی چارت گذشته میبینیم واکنش به اون سطح مهم رو داشتیم. به این میگیم

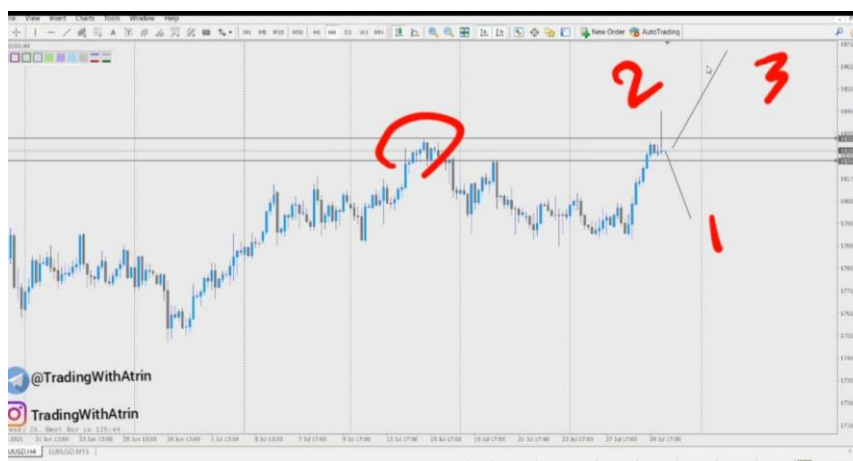
Structure Price Levels

و در ارتباط با این سطوح یا پیوت ها باید آپدیت بشن. (باید مشخص کردن محدوده پیوتی نسبت به آخرین پیوتها یا واکنشها آپدیت بشن).



✓ درباره اون کندل بلند لیکوئیتی بار (4) که تو چند عکس قبل دربارش حرف زدیم. می‌خواهیم ببینیم خود این کندل هم بریک اوت بوده؟

وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم پیوت (1) در محدوده (2) به بازگشت داشته ، در محدوده (3) با به سایه clean کرده. قبل از اینکه اون کندل بلند بزنه و بریک کنه از کجا میتونیم با توجه به سایه (3) که clean کرده بفهمیم که ممکنه بریک اتفاق بیفته؟ از رو big picture و شکل کندل‌های بلند نزولی.



✓ (1) مشخص کردن محدوده پیوت در تایم فریم H4 . در نظر گرفتن سه احتمال ممکن در لایو چارت.

(1) برگشت به پایین

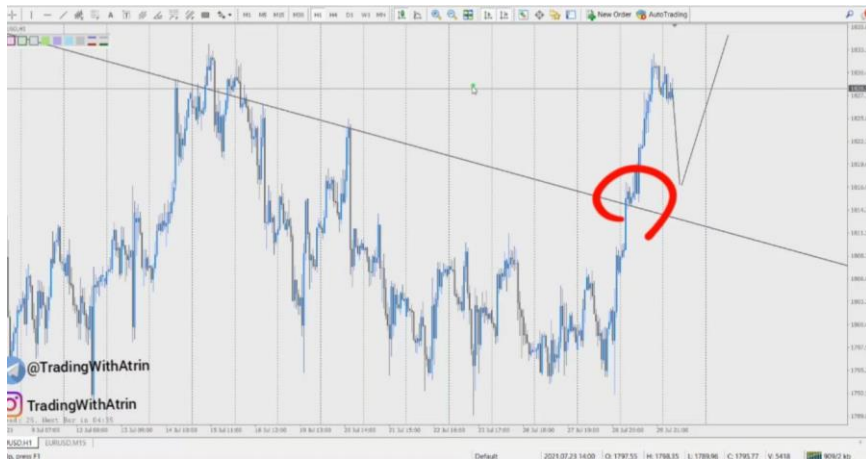
(2) سایه زدن به سمت بالا و بعد برگشت به پایین

(3) بریک اوت و صعود.



✓ (2) احتمال بریک اوت بیشتر هست چون خط روند به سمت بالا شکسته شده.

☞ (خط روند رو در تایم فریم بالاتر D1 کشیدیم). بررسی احتمالات در big picture.



✓ (3) بررسی در تایم فریم H1 و احتمال پولبک به خط روند و دیدن کینک و صعود.

"" دوستان برای تریدر شدن تا میتونیم باید سناریو بچینیم و از در نظر گرفتن قطعیات پرهیز کنیم ""
//آترین



✓ مثالی از شکست خط روند و شکست پیوت

در این حالت احتمال ادامه حرکت (در این مثال صعودی) وجود دارد. (بعد از بسته شدن کندل بریک اوت (لانگ بار) ورود میکنیم).



✓ مثالی از شکست خط روند و شکسته نشدن پیوت



□ مثالی از

GTL (geometrical trendline)

بعدا یا در CPM یا CPM PRO درباره اینگونه از ترند لاینها صحبت خواهیم کرد. (باید درباره خطوط مورب و خطوط روند مفصل صحبت داشته باشیم).



✓ 1) مثال یک ترند لاین برای تایم فریم H1.

چرا ترند لاین برای H1 هست؟ چون پیوتها یکساعته هستند.

بعد از بریک اوت شدن ترند لاین (به وسیله کندل بریک اوت) در دو حالت میشه برای پوزیشن فروش وارد شد. اول) با بسته شدن کندل بریک اوت.

دوم) بعد از پولبک .



✓ 2) رسم دوباره ترند لاین قبلی به روش GTL.

بعد از شکست خط روند و گرفتن اردر فروش و حرکت دوباره قیمت به سمت بالا به روش GTL ترند لاین را رسم کردیم.

نکته: به روش کشیدن خط روند جدید و در نظر گرفتن سایه ها برای تماس دادن با خط روند دقت کنید. در CPM PRO درباره هندسه، زوایا، شیب حرکت، شیب پیوتها و زوایای حرکتی مفصل صحبت خواهیم کرد.



✓ تقارن عالی خط روند به روش درست GTL با 🕯 decision candle



✓ مثال از یک LQ اسپایک.

□ همپوشانی سواپ زون (2) با: پنجاه درصد کندل اسپایک.
و در ادامه واکنش قیمت (3) با سواپ زون و پنجاه درصد اسپایک.



✓ دو مثال از دو کندل لانگبار و ریتریس قیمت تا نیمه کندل.



✓ دو مثال از دو کندل لانگبار و اصلاح قیمت تا نیمه کندل. کندل‌های لانگبار نشان دهنده وارد کردن نیروی زیادی بوده اند که باید به اصلاحی داشته باشند. (رجوع به نظریه بنیادی "داو" در بازار و اساس طرح تکنیکال)



✓ مثال از یه حرکت شارپ (1) که LQ نبوده.

واکنش قیمت (2) و زدن سایه به محدوده (1) که نشون دهنده clean شدن محدوده (1) هست. انتظار ما از (3) که به سمت بالا صعود کنه به خاطر عمل clean کردن در (2).



✓ زوم شده ناحیه حرکت شارپی (1) برای دیدن سایه ها و نحوه کشیدن خطوط.

✓ برای سناریو چیدن: قیمت از کدوم ناحیه ، کدوم سطح ، کدوم تایم فریم اومده و به کدوم سطح ، کدوم ناحیه رسیده و همچنین با چه آرایشی اومده یعنی شارپ اومده، حالت CP اومده ، کمپرس اومده حالت یک روند سالم اومده و با چه زاویه ای اومده. همچنین آرایشی که هنگام برخورد با سطح رخ میده هم برامون مهمه.

چهار نکته برای سناریو چیدن:

- (1) تایم فریم مبدأ
- (2) تایم فریم مقصد
- (3) آرایش قیمتی به سمت مقصد
- (4) آرایش قیمتی بعد از رسیدن به سطح یا مقصد



۵ نکات مهم S&D آترین

فیلپ با سواب زون:

سطح یا ناحیه ای که مثلاً در این مثال : ما دیدگاه buy داشتیم چون قبلاً قیمت رو به بالا پرت کرده بوده ، ولی اونجا رو بریک کرده و وقتی دوباره قیمت بهش برگردید دیدگاه sell خواهیم داشت. به این ناحیه change of polarity هم می‌گیم.

Trend conspiracy

توطئه ی روند

روند: انتظار حرکتی، دیدگاه حرکتی

جنگ بیس ها
قیمت از کدام ناحیه آمده و به کدام ناحیه
اینگلف یا نفوذ: دیدگاه حرکتی
اساس تحلیل: فهم روند

توطئه روند:

آترین تعریف روند و به سبک کلاسیک رو توطئه big boys برای خالی کردن جیب ما میدونه و می‌گه برای فهم روند به سبک s&d باید از این موارد اطلاع داشته باشیم.

جنگ بیسها
مبدا و مقصد قیمت
اینگلف یا نفوذ

فرق تحلیلگر و تریدر:

تحلیلگر واقعا برایش مهمه که تحلیل‌هاش درست در بیاد اما تریدر برایش سود کردن مهمه، یعنی برایش پیش‌بینی بازار مهم نیست و هر طرف که بازار بره اون هم جهتش و عوض میکنه و تمام تلاشش اینه که اون حرکت و بگیره و اصلا تعصبی رو تحلیلش نداره.

سوال اینجا اینه که تریدر نباید تحلیل کنه؟ چرا باید تحلیل کنه ولی فرقی با تحلیلگر اینه که به سرعت تحلیلش و عوض میکنه و به سرعت سناریوهای مختلف رو تو ذهنش می‌سازه و از دل اون‌ها سود می‌سازه، این یکی از مهمترین نکاتی هست که دوستان بهش توجه نمیکنن.

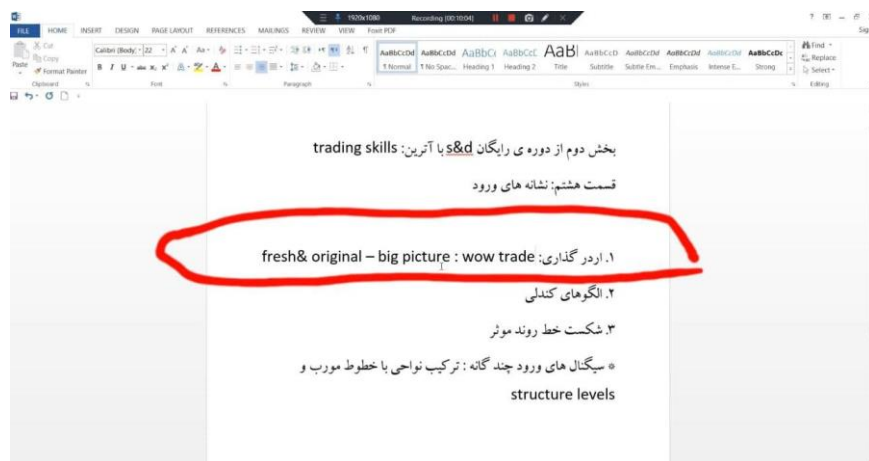
مثلا انتظار دارن از یک سطحی یا ناحیه ای قیمت برگرده بعد وقتی اون ناحیه یا سطح شکسته میشه به حس شکستی بهشون دست میده و چون تحلیلشون درست نبوده ناراحتن. ما نباید اینگونه باشیم و باید ادامه حرکت و بگیریم مثلا بعد از شکست و پولبک ادامه حرکت و بگیریم. این یعنی چه قیمت برگرده چه بشکنه ما سود میکنیم و چه اهمیتی داره کدومش اتفاق میفته؟



در ادامه توضیح سوآپ زون:

در اینجا با وجود اینکه قیمت دو بار زون رو قطع کرده باز وقتی بهش برسه ما دیدگاه sell خواهیم داشت.

یعنی بار اول وقتی ناحیه بریک شده به سمت بالا دیدگاه ما وقتی قیمت به اون ناحیه برمیگشته buy بوده، ولی چون برای بار دوم به سمت پایین بریک شده دیدگاه اول ما که sell بوده نسبت به این ناحیه به قوت خودش باقیه.



توضیح wow trade آلفونسو:

با توجه به big picture قیمت در یک تایم فریم بالا ناحیه ای درست کرده که باعث حمایت ناحیه ای در تایم فریم پایینتر میشه.

مثلا در مثال زیر یک ناحیه دیمند در تایم H4 درست شده که به نوبه خودش باعث ایجاد یه ناحیه دیمند در تایم فریم H1 میشه.

ولی اون ناحیه جدید باید دارای شروطی باشه:

1) اینکه fresh باشه یعنی تازه درست شده باشه و قیمت تا حالا بهش واکنش نداده باشه.

2) اورجینال باشه یعنی تاثیر گرفته از ناحیه دیگری نباشه.

این مناطق جاهای خیلی خوبی برای ترید هستند برای همین بهش میگن wow trade.



دیمند زون H4



ایجاد بیس در تایم فریم H1 و بالا رفتن قیمت به محدوده 3. اینجا ما متوجه میشیم که 1 و 2 اینگلف شدن یعنی اردری برای فروش وجود نداره. وقتی قیمت به محدوده 3 رسید صبر میکنیم که تو پولیک وارد پوزیشن خرید بشیم.

نتیجه رو هم که تو عکس می بینید.



نکات مهم S&D آترین

الگوی اینسایدبار که یکی از قدرتمندترین الگوهای کندلی هست. (فولر) مطرحش کرده.
(کریس لیت) هم در معرفی دیگر الگوهای کندلی در عرضه و تقاضا خوب هست.
عکس تایم فریم H4



همون اینسایدبار بار در H4 / اینجا در M15



استفاده از سیگنالهای چندگانه برای ورود به پوزیشن:

در اینجا بعد از شکست خط روند منتظر تاییدیه کندلی برای ورود به پوزیشن می‌مانیم. الگوی ستاره عصرگاهی زده شده (در این مثال) پوزیشن سل و فعال می‌کنیم.

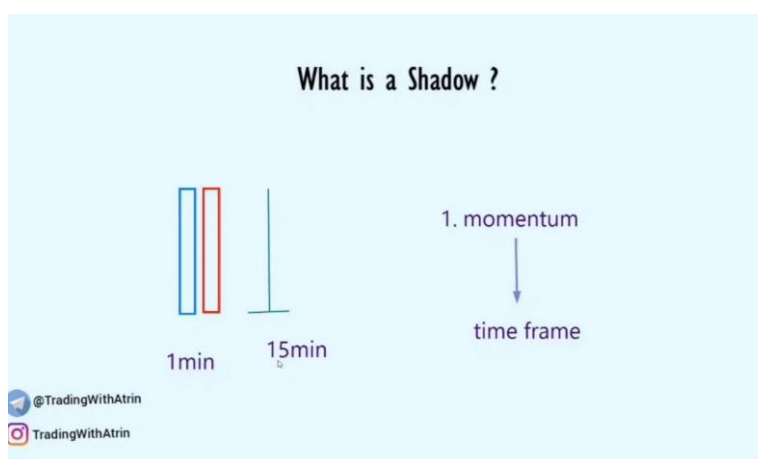
CPM Episode 11

Shadows | Types | Causes

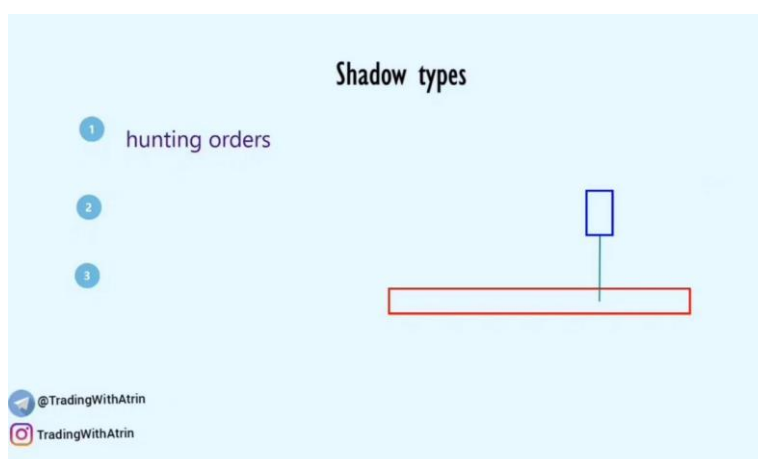
☑ دیدگاه حرکتی (Trading perspective)

CLS ☑

LQS ☑



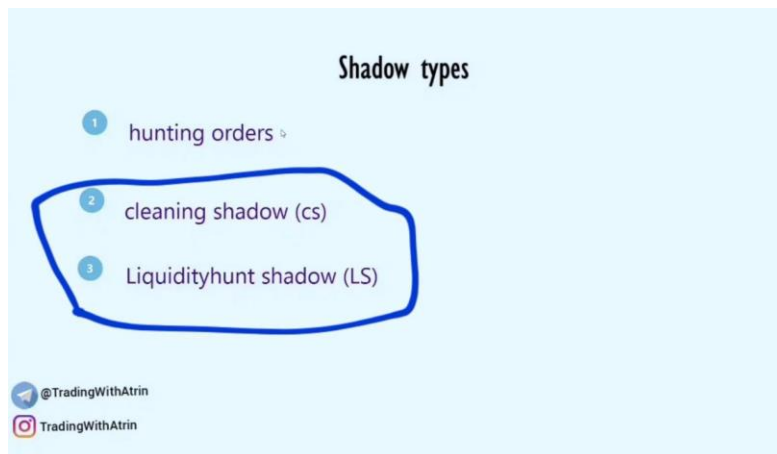
✓ **شدها** همون پیوتها هستند در تایم فریم بالاتر. علت اینکه ما شدو رو در تایم فریم بالاتر میبینیم مومنتوم هست. یعنی فرصت اینکه اون تغییرات قیمتی، به صورت کندل نمایان بشه فراهم نشده پس شدو میزنه. در واقع رفت و آمد سریع قیمت در تایم فریم پایینتر خودشو به صورت شدو در تایم فریم بالاتر نشون میده.



✓ **انواع شدو**

(1) هانتینگ اردر شدو: شدویی هست که سفارشات یک ناحیه رو جمع کرده.

مثل عکس که یک کندل بین بار سفارشات ناحیه پایین را جمع کرده.

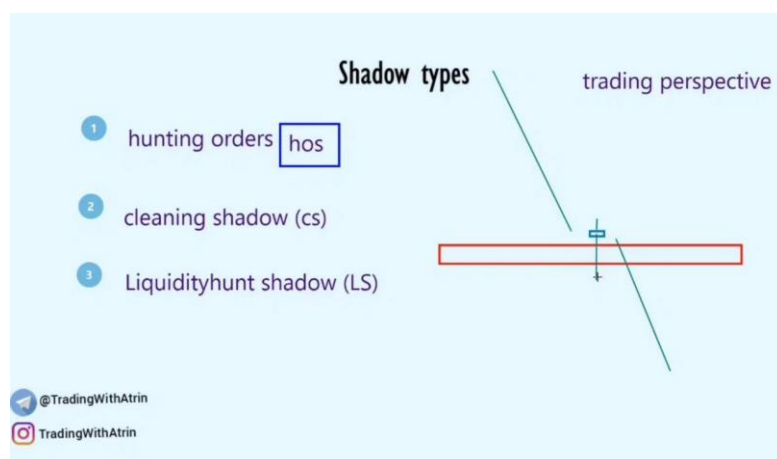


Cleaning Shadow CS (2)

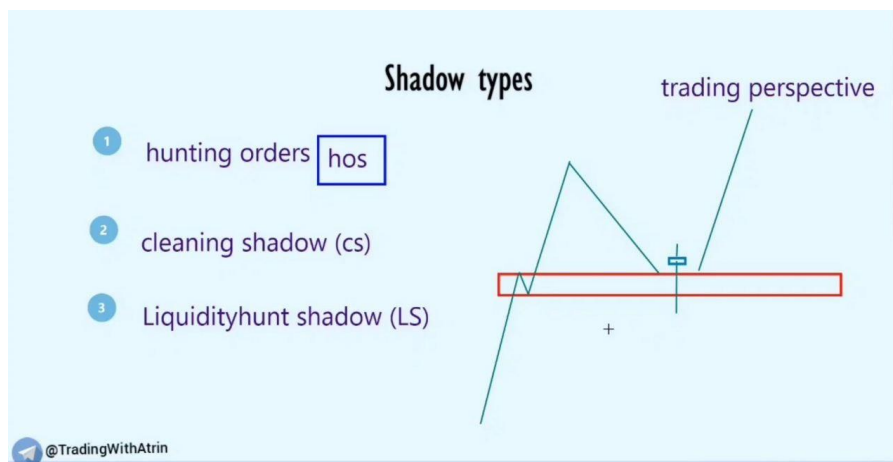
Liquidityhunt Shadow LS (3)

برای اینکه این دو نوع شدو رو درک کنیم احتیاج داریم trading perspective داشته باشیم.

یعنی دیدگاه حرکتی رو بدونیم. دیدگاه حرکتی از پیوت‌های تایم‌های بالا گرفته میشه، (از نواحی عرضه و تقاضای بالا، و SPL های نواحیه بالا).

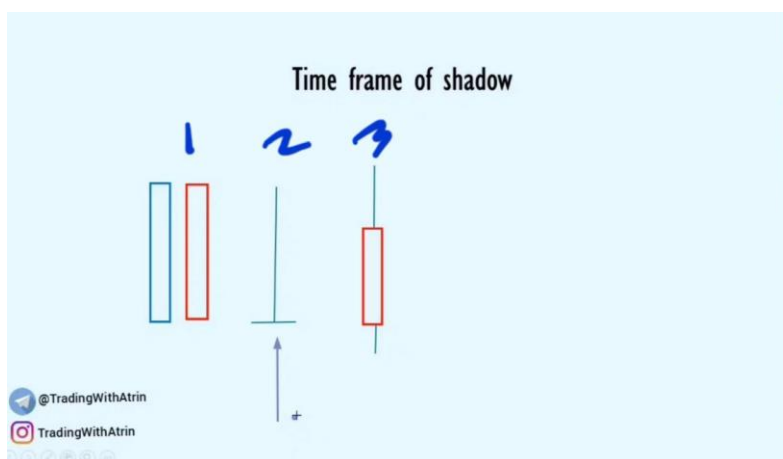


✓ نوع دوم شدو که cleaning shadow هست به این معنا هست که با توجه به دیدگاه حرکتی ما مثلاً قیمت از یک ناحیه قوی در تایم فریم بالاتر به یک ناحیه در تایم فریم پایینتر رسیده. همونطور که در عکس میبینم با یک شدو درون ناحیه نفوذ کرده و اون ناحیه دیگه clean شده. در واقع پیوت تسویه درست شده. انتظاری که در این حالت داریم این هست که قیمت بعد از یه ریتریس برگرده و از ناحیه عبور کنه و به تارگت خودش برسه. (تارگت رو با توجه به دیدگاه حرکتی از ناحیه تایم فریم بالاتر گرفتیم. از مبدأ حرکت).



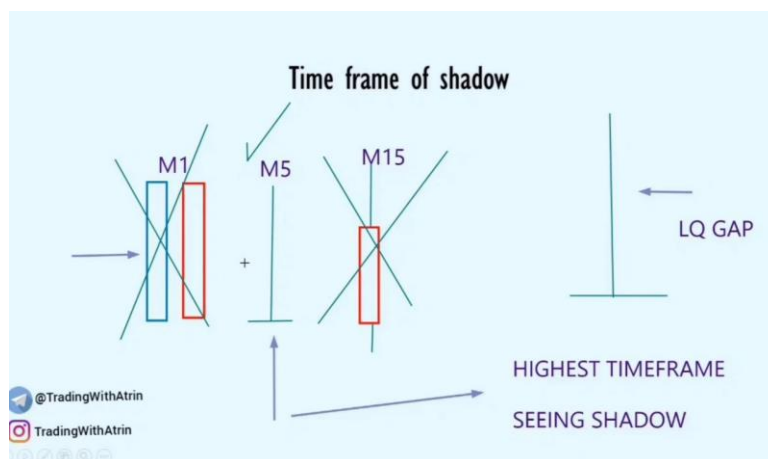
✓ نوع سوم شدو هم که liquidityhunt shadow هست به این معناست که مثلاً در این عکس دیدگاه حرکتی ما صعودیه و قیمت به یک ناحیه ای میرسه (در عکس کندل با سایه) و سفارشات اون ناحیه رو جمع میکنه و با قدرت بیشتر مسیر صعودی خودش رو ادامه میده.

دلیل این لیکوئیتی هانت اینه که قیمت دوست داره جاهایی بره که قراردادهای بیشتری بسته بشه.



✓ تایم فریم شدو:

در اینجا سه تا تایم فریم داریم که شدو مطعلق به تایم فریم وسط هست.



✓ برای پیدا کردن شدو به بالاترین تایم فریمی که اون شدو متعلق بهش هست میریم.

این چه کمکی بهمون میکنه؟ به ما دیدگاه حرکتی میده.

چطوری؟

ما مبحثی داشتیم به اسم لیکوئیتی گپ (LQ GAP) که به کندل‌های لانگبار و شادوهای بلند مربوط بود. یعنی درون اون شادو به گپی هست که ما در تایم فریم‌های پایینتر پیداش میکنیم (اما) انتظاری که از اون گپ داریم فقط مربوط به همون تایم فریم اصلیه که مربوط به شادو هست نه تایم فریم کمتر و نه تایم فریم بیشتر. توضیح بیشتر: درون اون شادو بلند به کینکی (گپی) هست که قیمت وقتی به همون محدوده برسه ما ازش دیدگاه حرکتی میگیریم. یعنی ممکنه ردش کنه یا بهش بخوره برگرده. ولی انتظاری که از اون رد کردن یا برگشتن داریم فقط برای تایم فریم اون شادو هست.

CPM Episode 12

Shadows Examples | Types | causes examples

☑ دیدگاه حرکتی Trading perspective



✓ پیدا کردن تایم فریم شادو:

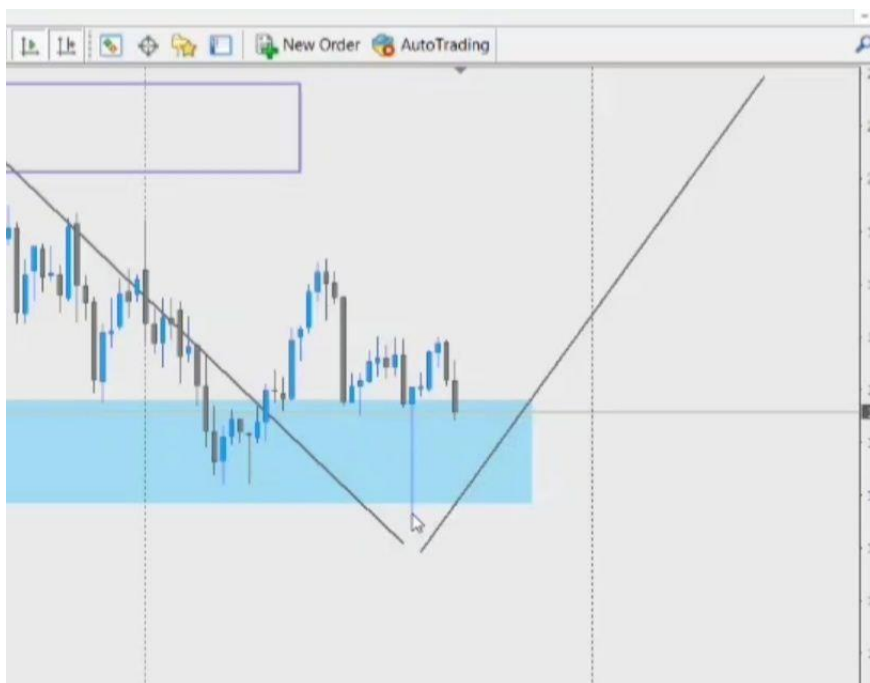
این شادو رو تو تایم فریم دیلی میبینیم و علامت میزنیم.



✔ تایم فریمها رو بالا می‌بریم و میبینیم در تایم فریم مانتهلی به این صورت دیده میشه پس این شدو مربوط به تایم فریم ماهانه هست. میتونیم تایم فریمهای مختلف دیگه هم اضافه کنیم که در صورت لزوم بتونیم تایم فریمهای شدوها رو با این روش پیدا کنیم.



✔ برای بررسی بیشتر شدو، میبینیم که در تایم فریم هفتگی W1 به منطقه تقاضا داریم. با توجه به دیدگاه حرکتی ما یک روند صعودی داریم که از منطقه 1 آمده و به منطقه 3 برخورد داشته. احتمال میدیم که الان در ریتریس (اصلاح) موج ایمپالس صعودی هستیم. پس ممکنه که این شدو یک liquidity hunt shadow باشه و قیمت بعد از بالا اومدن از منطقه تقاضا به روند صعودی اصلی خودش ادامه بده. ممکن هم هست که این شدو به cleaning shadow باشه و قیمت از منطقه تقاضا 2 پایینتر بیاد. ((اما با توجه به لگ ایمپالس به نظر میاد که ما الان در لگ ریتریس هستیم این بهمون کمک میکنه تا حدودی بتونیم دیدگاه داشته باشیم)).

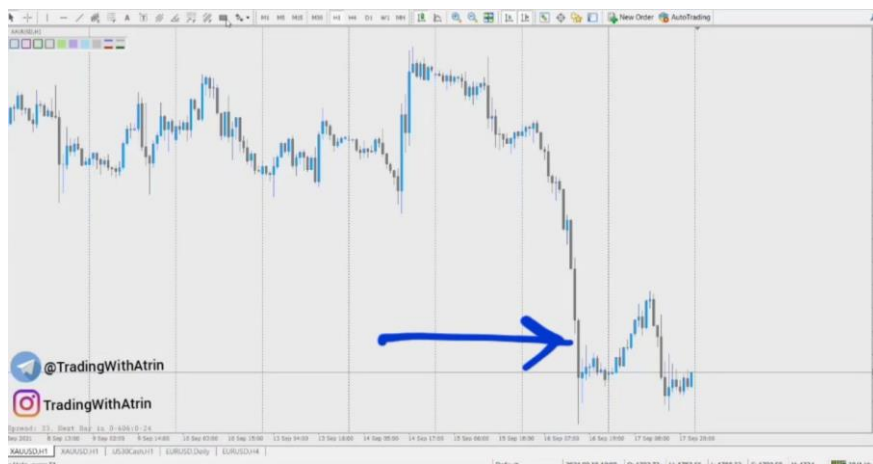


✓ نکته ای که وجود داره اینه که ما حال حاضر و در نظر میگیریم و با توجه به این نفوذی که در ناحیه صورت گرفته (با توجه به شدو بلند) دیدگاهمون اینطوری هست که قیمت تا نواحی پایینتر میاد و بعد از اونجا به صعود (با توجه به دیدگاه بلند مدت که روند صعودی هست) ادامه میده. یعنی در کوتاه مدت روند نزولی و در بلند مدت روند صعودی دیدگاه ما هست.



✓ چیزی که اینجا برای آخرین مهم هست اینه که تو شدو بلند با توجه به توضیحاتی که درباره ((LQ GAP)) داده شد به کینکی هست که واکنش قیمت به اون گپ یا کینک مهم هست.

برای پیدا کردن اون کینک از کندلهای Footprint (شماره 1 مشخص شده میتونیم استفاده کنیم).
نکته مهم: درباره صعود بعد از پایین آمدن از محدوده آبی یا نزول بیشتر، بعد از پایین آمدن از محدوده آبی یا هر اتفاق دیگه ما هیچ پیشبینی ای نمیکنیم و فقط سناریو میچنینیم.



✓ مثال بعدی

یه کندل با شلو بلند در تایم فریم H1 پیدا میکنیم. با توجه به اندازه نرمال بقیع کندلها در H1 و چک کردن تایم فریمهای H4 و M30 برداشت ما این هست که این کندل متعلق به تایم فریم H1 هست.

درست کندل بقلی این کندل تا نیمه های سایه کندل مورد نظر سایه زده. برای بررسی بیشتر محدوده اون سایه رو مشخص میکنیم.



✓ محدوده سایه کندل بقلی رو با سایه مشترک کندل مورد نظر علامت میزنیم.



✓ در تایم فریم M1 میبینیم که اون محدوده سایه مشترک کندل مورد نظر و کندل قبلیش به محدوده دیمند قوی درست کرده. (1)

از آرایش کندلها در محدوده (2) متوجه میشیم که به MNH درست شده. یعنی شیب کندلها رو به بالاست و نوید به صعود رو میده.

پیوت بعد از MNH به پیوت cleaning هست (3) که بازم راه و برای صعود بیشتر باز کرده.

قیمت تا محدوده 4 که به سوپلای زون هست بالا رفته و ازونجا نزولی شده.

(همه این دیدگاهها تا محدوده سوپلای زون رو از شدو بلند گرفتیم).



✓ نمونه هایی از شدوها

وقتی تایم فریمها روچنج میکنیم می بینیم با توجه به اندازه کندلها این شدو متعلق به تایم فریم H1 هست. همونطور که می بینیم هنوز قیمت نیومده 50% این شدو رو ببینه.



✓ اینجا می بینیم که این شدو یه لیکوئیتی هانت شدو هست و برای جمع آوری اردرها زده شده.



✓ این هم همون شدو ویکی بود که گفتیم در کوتاه مدت cleaning و در بلند مدت liquidity hunt شدو هست. (یعنی میتونه بشه).

نکته ☞ همینطوری با بررسی شدوها و تشخیص انواعشون میتونیم خوانش قیمت و انجام بدیم.



✓ در اینجا (تایم فریم D1 ما سه تا شدو داریم که بررسیشون میکنیم.
 سایه 2 سایه 1 رو کلین کرده. سایه 3 میانه سایه 2 رو دیده.
 حالا تایم فریم و برای بررسی بیشتر پایین می‌بریم.



✓ همون شدوها در تایم فریم H4
 کلین شدن شدو 1 مشخصه. شدو 3 که تا 50% شدو 2 اومده بود مشخصه.
 نکته: Footprint شدو (1) در این تایم فریم با حد پایین اومدن شدو 3 برابر هست.
 نتیجه رو هم که در چند کندل بعد و ریزش میبینیم.

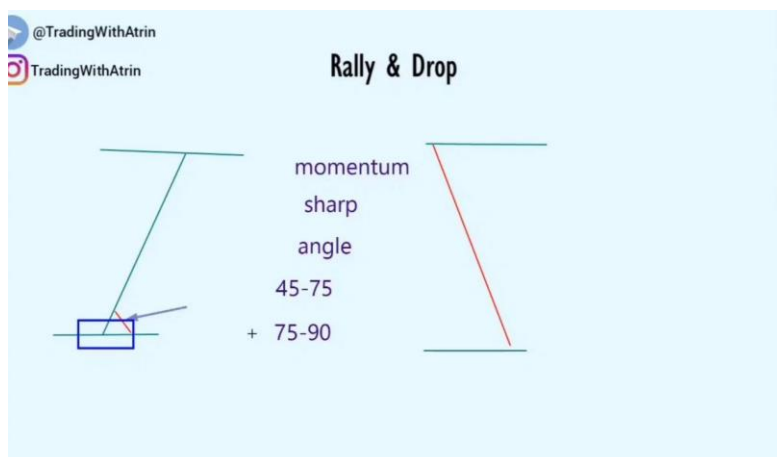
CPM Episode 13

Supply&Demand | LQ pattern | Decision Candle | Kink

✔ پرتکرار ترین ساختار مارکت **LQ PATTERN** است که آرایشی مشابه سر و شانه ی کلاسیک دارد اما با احتمال خوبی می‌دانیم این سر و شانه بعد از لیکویدیتی هانت دو طرفه به کدام سمت شکسته می‌شود!

✔ دیسیژن کندل، ناحیه ای متفاوت برای اولین بار تقدیم عزیزانم ♥

(برای شرح کامل DC & KINK قسمت بعدی را دنبال کنید.)



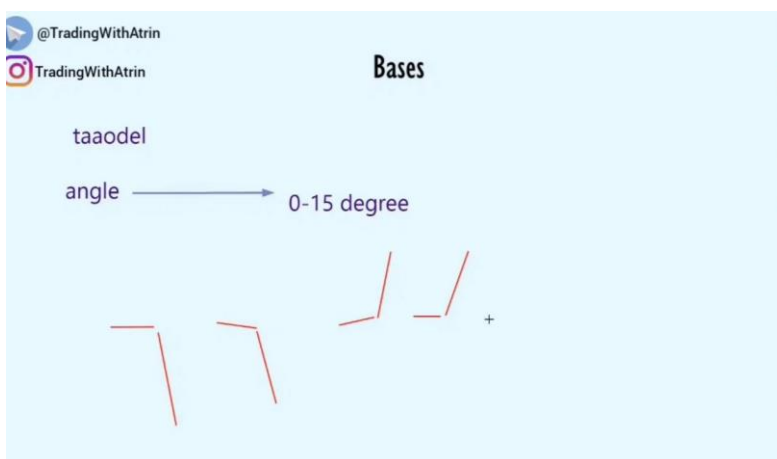
✔ حرکت رالی و دراپ:

تفاوت حرکت رالی و دراپ با حرکت ترند معمولی در

(1) مومنتوم

(2) زاویه ای که اون حرکت با خط افقی ایجاد می‌کند هست. (این زاویه بین 45 تا 75 درجه هست).

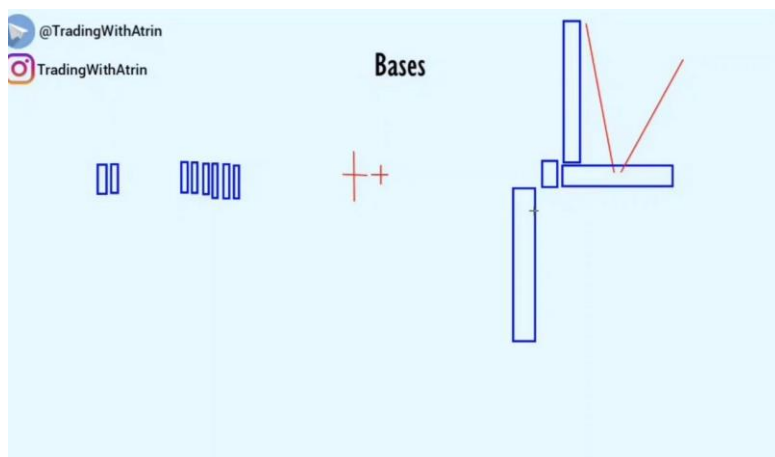
اگر زاویه حرکت با خط افقی بیشتر از 75 درجه باشد به حرکت (پل) می‌گیم که با یک یا دو کندل این حرکت شدید انجام میشه.



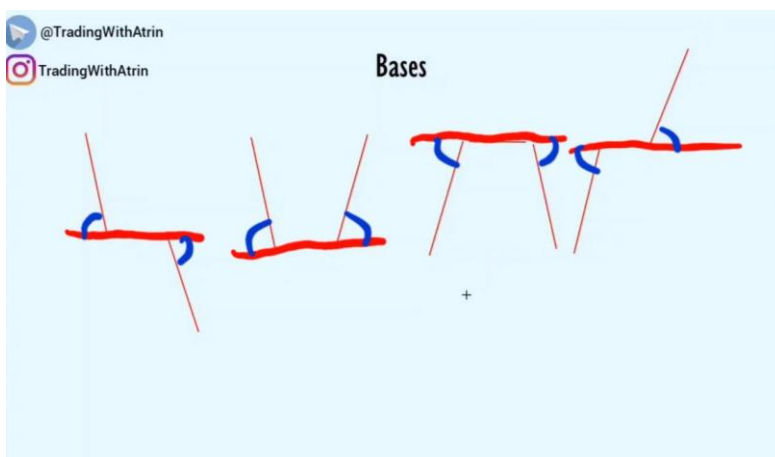
✔ بیس:

محدوده تعادل بین خریداران و فروشندگان است.

زاویه بین یک بیس و حرکت بعد از بیس از 0 تا 15 درجه هست.



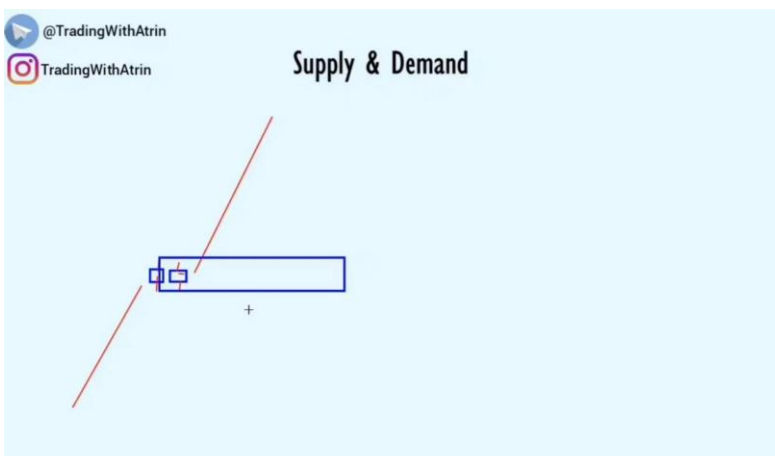
✓ یک بیس در یک تایم فریم خاص از یک تا حد اکثر شش کندل هست. اگر تعداد کندلها بیشتر از شش عدد باشد پس در تایم فریم درست به بیس نگاه نمیکنیم و باید تایم فریم را عوض کنیم.



✓ چهار نمونه حرکت رالی یا دراپ از بیس:

- (1) دراپ بیس دراپ
- (2) دراپ بیس رالی
- (3) رالی بیس دراپ
- (4) رالی بیس رالی

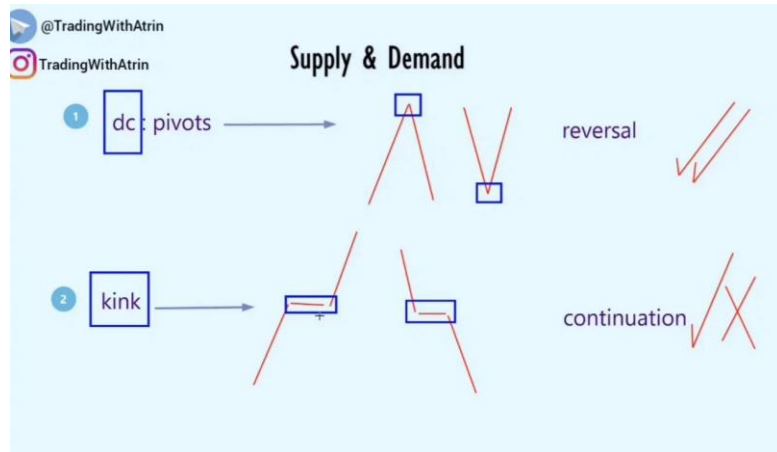
به زوایای بین حرکات و بیس ها باید در مبحث عرضه و تقاضا دقت کنیم و اگر زوایای ایجاد شده بین 0 تا 15 درجه نباشد نباید انتظار واکنش قیمت به این نواحی هنگام بازگشتش به اون نواحی و داشته باشیم.



✓ نواحی Supply & Demand

مثلا ما به بیسی داریم که از دو تا کندل دوجی درست شده. از بالاترین شدو تا پایینترین شدو میشه ناحیه ساپلای دیمند.

حالا این نواحی ساپلای دیمند انواع دارن 📌



✓ دو نمونه از بیسها یا همون نواحی ساپلای دیمند:

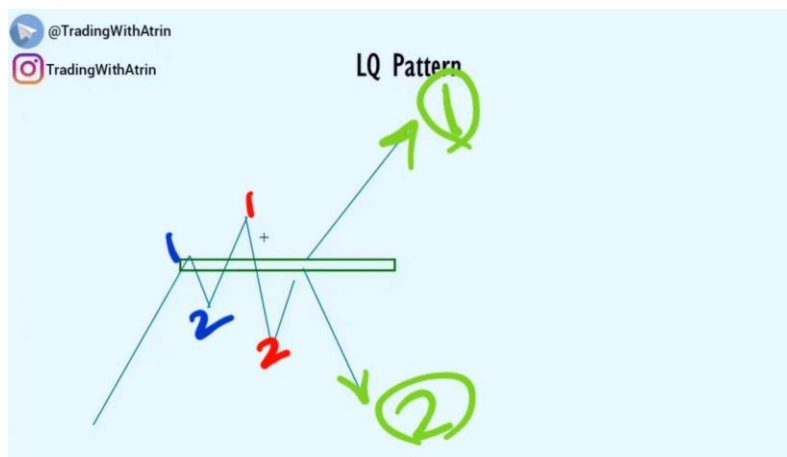
1 DC یا Pivot 2 Kink

1) دی سی ها همون Decision candle هست که reversal هستن یعنی قیمت بعد از رسیدن بهشون برگشته.

2) کینک ها بیسهای هستن که قیمت بعد از برخورد بهشون به مکسی داشته و بعد به حرکت خودش ادامه داده در اصل continuation هستن.

از لحاظ قدرت برگردوندن قیمت dc ها قویترین.

نکته مهم: نباید dc ها رو با مبحث ((پیوتها)) قاطی کنیم چون اینجا برامون زاویه حرکتی که دربارش توضیح دادیم و اینکه قیمت بعد یا قبل از برخورد به dc کندل تصمیم گیری (به صورت (رالی و دراپ) حرکت کرده باشه مهمه.



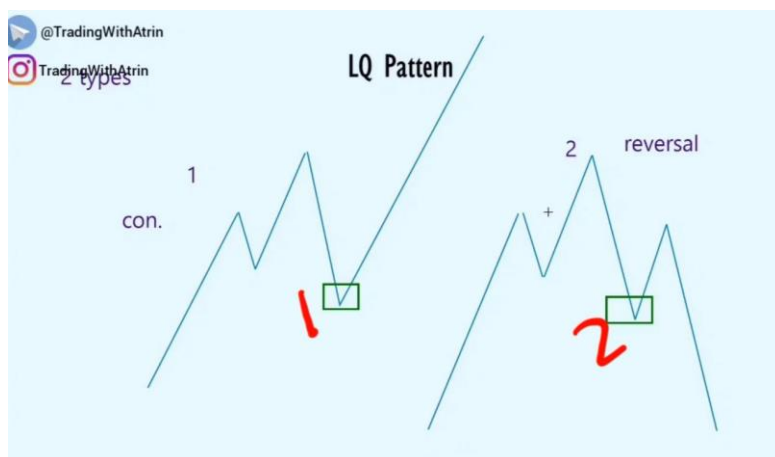
✓ پترن LQ هانت:

قیمت اومده بالا و قله (آبی 1) رو ساخته بعد رفته پایین دره (آبی 2) رو ساخته بعد توسط لیکوئیتی هانت دو طرفه (قرمز 2 و 1) که توضیح دادیم برای جمع کردن نقدینگی در مارکت هست مواجه میشه.

بعد از لیکوئیتی هانت قیمت به سطح تصمیم گیری برمیگرده و یکی از دو راه (سبز 1 یا 2) رو انتخاب میکنه و به حرکت خودش ادامه میده.

نکته اینکه کدوم یکی از این راه های بالا یا پایین رفتن، درصد وقوعش بیشتره بستگی به (trading perspective) یا همون (big picture) داره. یعنی با توجه به بررسی چارت در تایم فریمهای بالاتر درصد اتفاق افتادن هردوی اینها بعد از LQ هانت و تخمین میزنیم.

یک راه دیگه هم اینه که وقتی قیمت بعد از LQ هانت به سطح برگشت به تایم فریمهای پایینتر بریم و با بررسی کندل به کندل و شکست خطوط روند در اون تایم فریم پایین، یکی از حالات بالا رفتن، یا پایین اومدن قیمت و براش سناریو بچنینیم.



✓ لیکوئیتی هانت در تحلیل تکنیکال کلاسیک هم هست که به صورت سروشانه ادامه دهنده یا سروشانه بازگشتی مطرح میشه.

چیزی که مهمه پیوتهای (1و2) هستند.

در این مثال اگر Big picture به ما روند صعودی و در تایم فریم بالاتر نشون میده و trading perspective ممکنه شامل چیزهای مختلف باشه به ما میگه که روند صعودی خواهد بود پس پیوت (1) creating order خواهیم داشت.

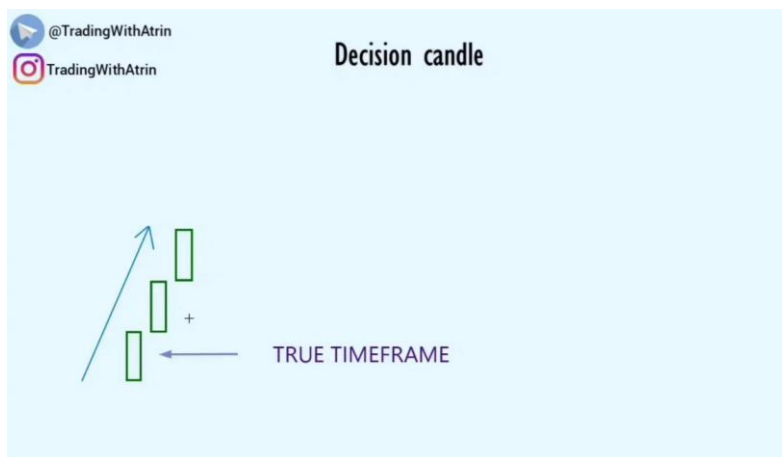
ولی اگر Big picture و Trading perspective به ما نوید ریزش و روند نزولی و میداد پس (2) cleaning pivot خواهیم داشت.

CPM Episode 14

Decision Candle Types | Kink Types | Spikes

♦ انواع دیسیژن کندل ها و کینک ها (بیس های ادامه دهنده) بر اساس جمع آوری سفارشات (Causes)

♦ ساختار اسپایک ها

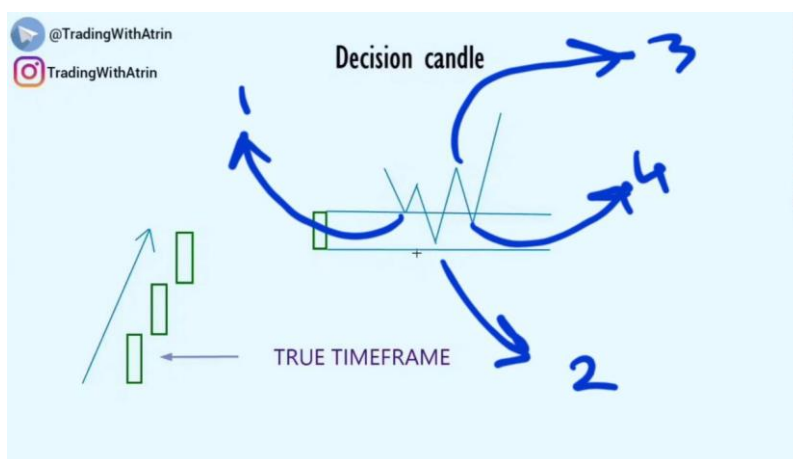


✓ دسیژن کندل:

دسیژن کندل ، کندل اول از یک Leg هست. مهم اینه که تایم فریم درست یک لگ رو پیدا کنیم تا بتونیم دسیژن کندل و به درستی تشخیص بدیم.

(برای پیدا کردن تایم فریم درست Leg به مبحث لگها رجوع کنید).

محدوده ای که دسیژن کندل داره برای ما مهم هست. چون وقتی قیمت به دسیژن کندل میرسه برای سناریو چیدن در ترید خیلی محدوده خوبی هست.



✓ محدوده دسیژن کندل که از بالا تا پایینش هست و مشخص میکنیم.

نکته 1: این محدوده قاعدتا محدوده بزرگی هست.

1) وقتی قیمت به بالای این محدوده میرسه ما انتظار یه پیوت liquidation یا پیوت تسویه رو داریم.

2) بعد، بازگشت و دوباره نفوذ به محدوده دسیژن کندل و برخورد به FPB.

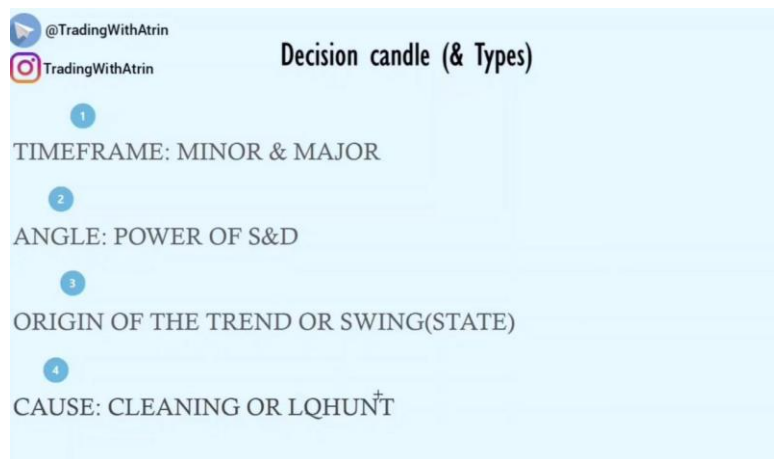
3) بعد از اون یه پیوت cleaning.

4) بعد یه پیوت continuation.

نکته 2 : برای بررسی این محدوده ها و پیدا کردن دیدگاه باید به تایم فریمهای پایینتر بریم.

نکته 3: اگر قیمت بعد از نفوذ به محدوده دسیژن کندل قصد گذار از محدوده رو داشت و نخواست برگرده هم که مربوط به این عکس نیست.

نکته 4: محدوده ابتدا، اواسط و انتهای این کندل و رفتار قیمت با این سه ناحیه برای ما مهم هست چون دیدگاه حرکت قیمت رو از رفتار قیمت با این نواحی میگیریم. (با توجه به trading perspective و باقی موارد مسائلی که تو cpm توضیح داده شده).



✓ انواع دسیژن کندلها و اهمیت و جایگاهی که دارند:

1) بر اساس تایم فریمشون. (مبنای کار ما بر اساس تایم فریم هست).

همونطور که گفتیم دسیژن کندلها حالت پیوتی دارن و Reversal هستند ، یعنی قیمت بعد از برخورد بهشون بازگشت میکنه (البته احتمال زیاد این اتفاق میفته). خب قدرت دسیژن کندلها مربوط به تایم فریمشون هست و اینکه هر چه تایم فریم اون دسیژن کندل بالاتر باشه قدرتش هم بیشتره.

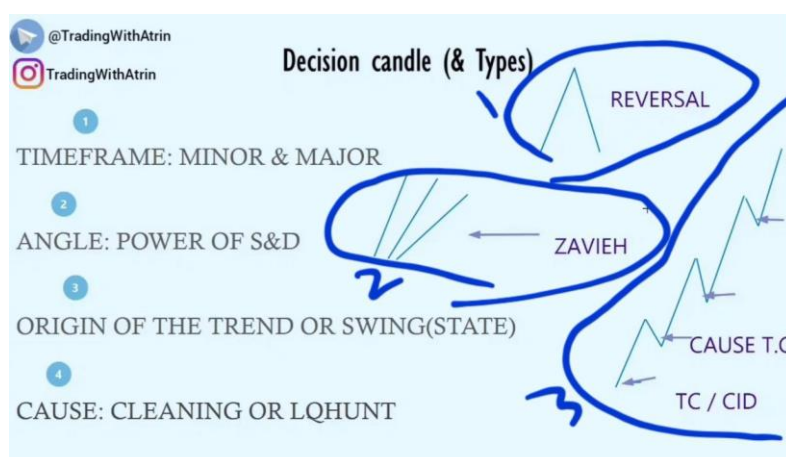
2) بر اساس زاویه لگشون. یعنی زاویه اون Leg که دسیژن کندل درش هست تعیین کننده درجه قدرت اون دسیژن کندل هست. (هر چقدر زاویه لگ کمتر باشه قدرت اون دسیژن کندل بیشتره).

3) بر اساس اینکه در ترند یا سویینگ جایگاه اون دسیژن کندل کجاس. مثلاً ما یه سویینگ داریم که شامل لگهای ایمپالسیو هست. کدوم یکی از دسیژن کندلهایی که تو اون لگها هست برای ما مهمه؟

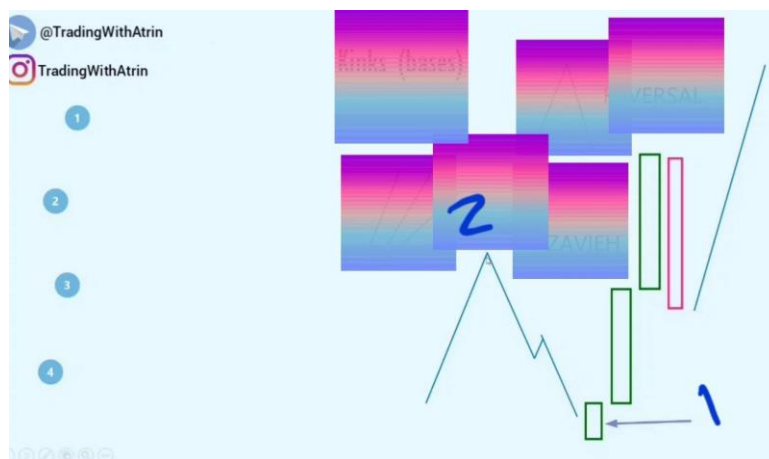
اول) دسیژنی که منشأ حرکت بوده تو پیوت FPB

دوم) دسیژن اصلی که قبل از (دسیژن منشأ حرکت بوده). دسیژن کندلی که قبل از دسیژن منشأ حرکت هست در اصل تو TC یا CID هست.

نکته: حالا خود اون سویینگ با همه اون لگها و دسیژن کندلها و کندلهای دیگه اش میتونه خودش یه دسیژن کندل تو یه تایم فریم بزرگتر باشه.



✓ توضیحات آترین در مورد دسیژن کندلها رو موارد 1,2,3 👉👉👉



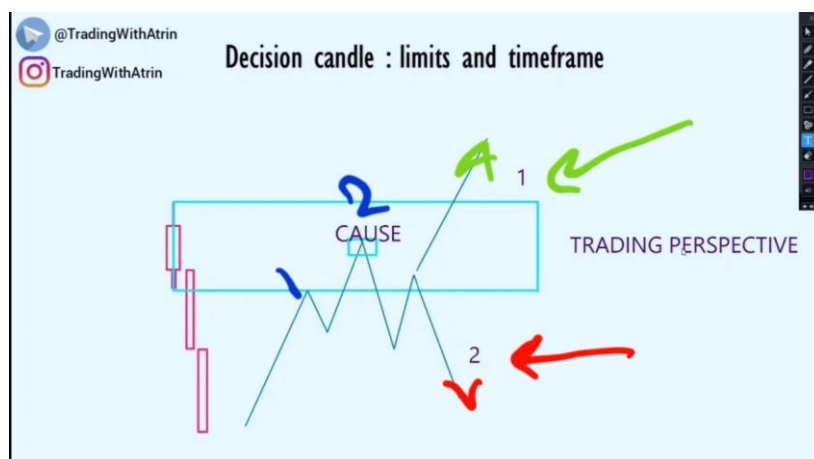
✓ ادامه دسیژن کندلها مورد 4) اینکه دسیژن کندل با پیوت قبلی چه کرده:

- دسیژن کندل در عکس (1)👈
- پیوت قبلی در عکس (2)

اول) اینکه پیوت قبلی خودشو clean کرده؟
دوم) اینکه پیوت قبلی خودشو breakout کرده؟
سوم) اینکه پیوت قبلی خودشو liquidityhunt کرده؟

خب حالا فرق اینا چیه؟ وقتی دسیژن کندل باعث کلین شدن پیوت قبلی یا بریک اوت شدن پیوت قبلی میشه نتیجه میگیریم که اون دسیژن کندل قوی هست ، ولی وقتی پیوت قبلی خودشو لیکوئیتی هانت میکنه نتیجه میگیریم که اون دسیژن کندل قوی نیست. Lq هانت شدن پیوت قبلی احتمال اینو میده که اون دسیژن کندل نقش Reversal نداره و قیمت در جهت قبلی ممکنه به حرکت خودش ادامه بده.

نکته: وقتی دسیژن کندل پیوت قبلی خودشو بریک اوت میکنه احتمال داره دیگه قیمت به محدوده دسیژن کندل به بازگشتی هم نداشته باشه و (بدون اینکه محدوده دسیژن کندل و بینه) حرکت کنه.

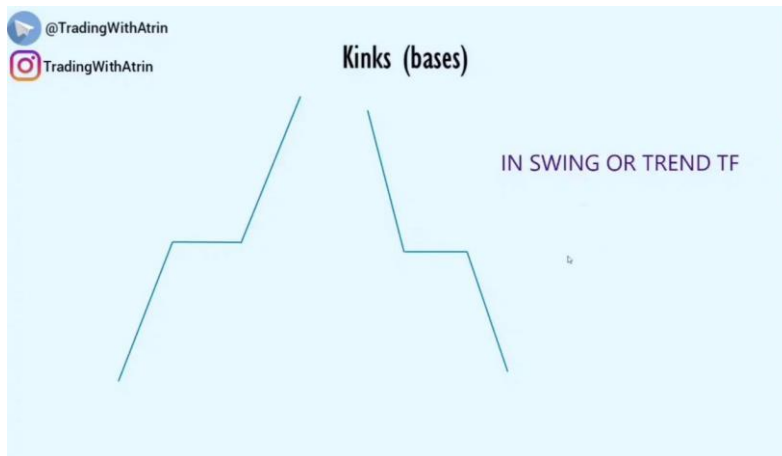


✓ دسیژن کندل ، تایم فریم و حدودش:

خیلی مهم هست که تایم فریم دسیژن کندل بر اساس لگی که درش هست درست انتخاب بشه. وقتی تایم فریم دسیژن کندل مشخص شد پیوت تسویه 1 رو به ما میده. (یعنی با احتمال بالا این پیوت تسویه و میده). بعد تو محدوده دسیژن کندل پیوتی درست میشه که باید ببینیم باعث کلین شدن FPB شده یا نشده.

اگر FPB و کلین کرده پس سناریو 1 محتمل هست، اگر FPB و کلین نکرده سناریو 2 محتمل هست. (اینا بستگی به trading perspective هم داره یعنی با توجه به big picture و رفتاری که پیوت 2 با FPB میکنه یکی از سناریوها احتمال وقوعش بیشتر میشه).

نکته: متا تریدر ممکنه تایم فریم مربوط به لگ رو با توجه به تعداد تایم فریم های محدودی که داره نتونه به ما بده. وقتی تایم فریم لگ رو نتونیم پیدا کنیم تایم فریم دسیژن کندل هم اشتباه در میاد و الی آخر...

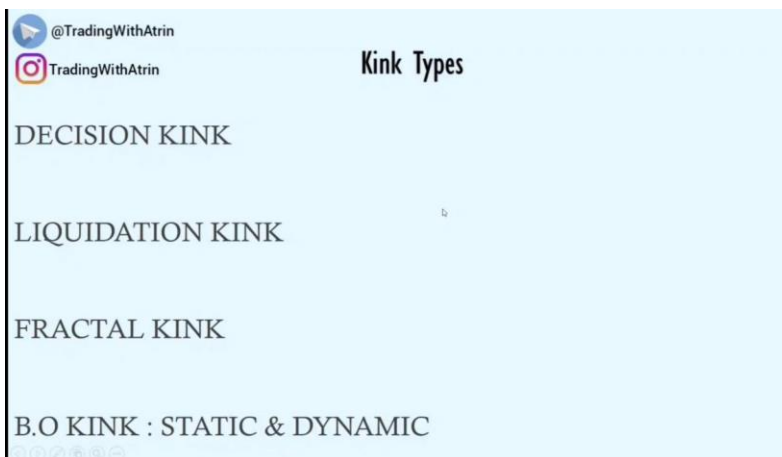


✓ گره ها یا Kinks

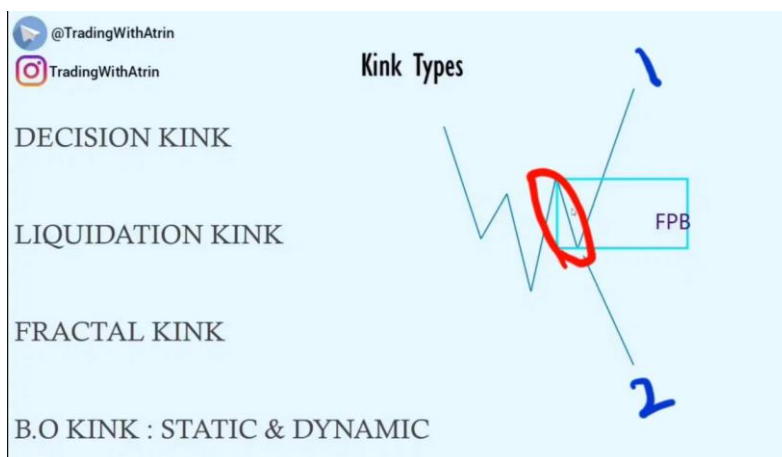
همونطور که گفتیم همون بیسها هستند ولی حالت ادامه دهنده دارن.

- (1) رالی بیس رالی
- (2) دراپ بیس دراپ

حالا اینها انواعی دارن، زوایاشون، تایم فریمشون فرق میکنه و نکته مهم اینه که کینکها رو باید تو تایم فریم درستش ببینیم. (ما کینکها رو در تایم فریم سوینگ یا ترند نگاه میکنیم).

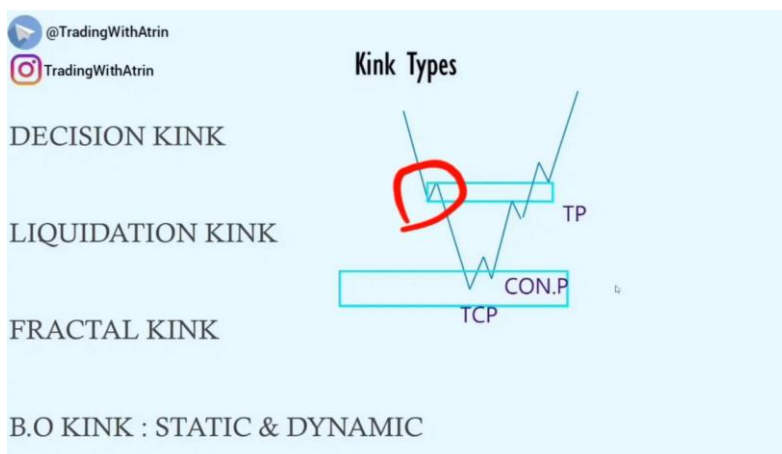


✓ انواع کینک



✓ (1) کینک تصمیم گیری یا Decision kink

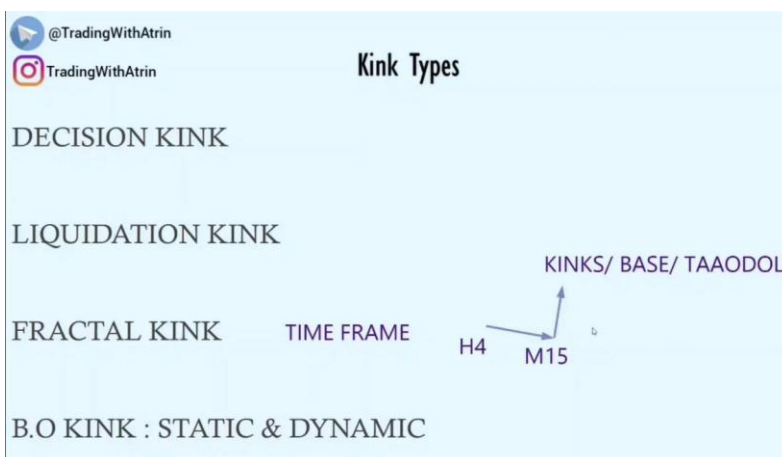
وقتی به TCP داریم به کینکی درست میشه (محدودده قرمز) که تصمیم گیری میشه برای اینکه حالت 1 یا 2 اتفاق بیفته. اینجا متوجه میشیم که FPB ها به نوعی خودشون به کینک هستن. پیوتی هم که تشکیل میدن پیوت FPB یا پیوت Continuation هست.



✓ (2) کینک تسویه یا Liquidation kink

کینکی هست که کسای که تو TCP یا (, FPB پیوت ادامه دهنده) وارد شدن تارگنشون اونجا (یعنی در کینک تسویه میخوره).

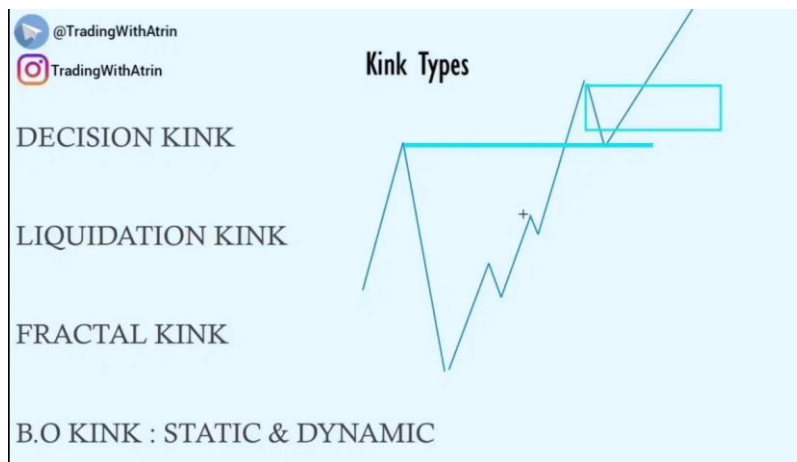
حالا قبل از اینکه TCP درست بشه قیمت تو کینک تسویه به استراحتی داشته و روحش هم خبر نداشته قراره بعدا کینک تسویه بشه.



✓ (3) کینک فرکنالی یا Fractal kink

مثلا به حرکتی داریم که اصلش مال H4 هست بعد سر راهش تو تایم فریم M15 به کینکهایی به بیسهای به تعادلهایی درست میکنه که هدفش تکمیل حرکت اصلیه که مال تایم فریم H4 هست.

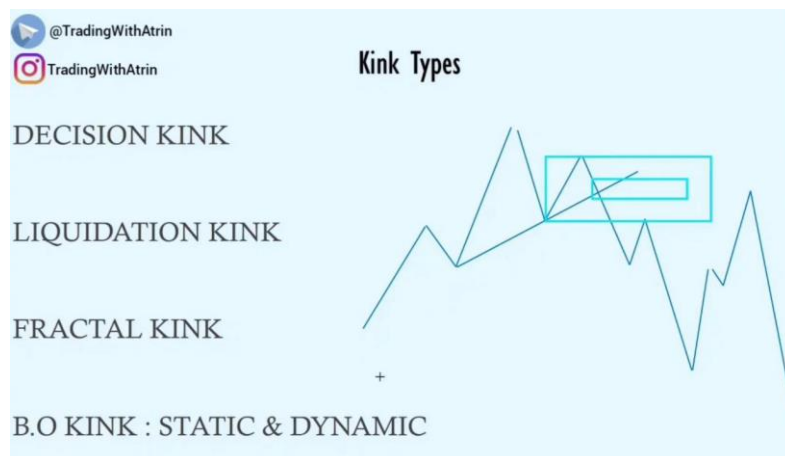
تشکیل اون کینکها یا بیسها تو M15 به هدف تکمیل کندلهای تایم فریم بالاتر مثل H1 یا H4 هست برای ادامه حرکت تایم فریم H4 که مثال زدیم.



✓ (4) کینک Breakout نوع استاتیک:

(سطوح رو میشکونه برای همین استاتیک بهش میگیریم).

نوع استاتیک اون کینکی هست که بعد از بریک اوت تشکیل شده (تو محدوده مستطیل) و ادامه حرکت رو رقم زده.



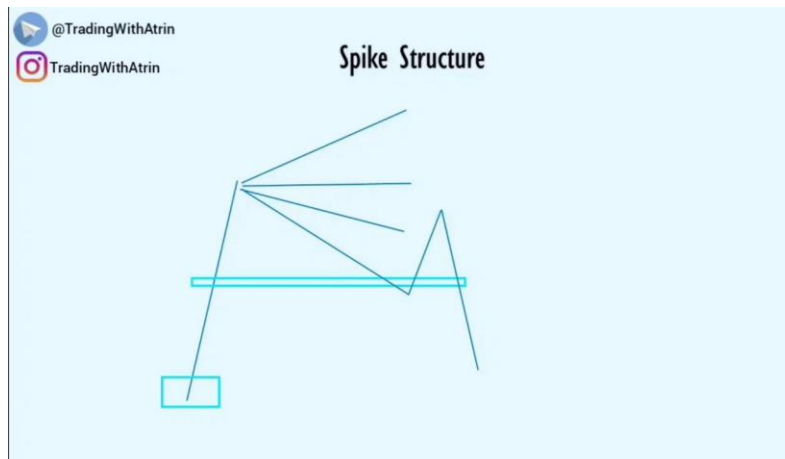
✓ (4) کینک Breakout نوع داینامیک:

(خط روند و میشکونه برای همین داینامیک میگیریم).

این نوع اهمیتش از استاتیک بیشتره چون اپنا باعث trend changing شدن. تو عکس محدوده مستطیل بزرگ هست و مستطیل کوچیکه بهینه شدش تو تایم فریم پایینتره.

✓ نکته:

کینکهای دسیژن و بریک اوت مهم هستن ولی در اصل همه کینکها مهمن چون انتظار حرکتی به ما میدن.



اسپایک: Spike structure ✓

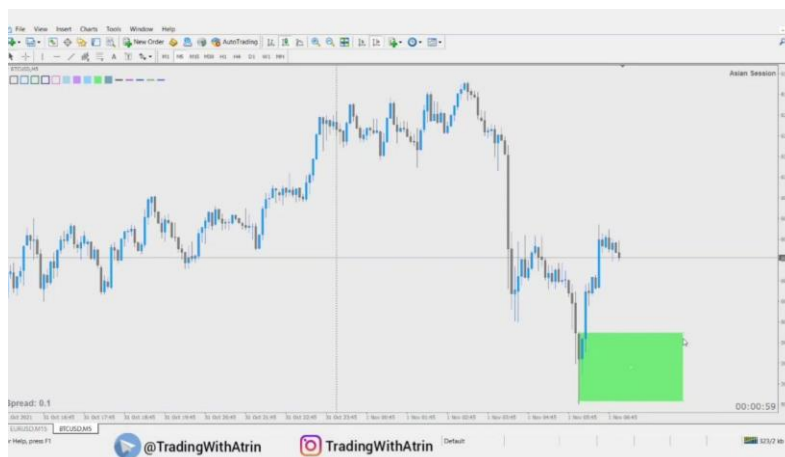
اسپایکها حرکات شارپی هستند که در انتهای حرکتشون به جایی برخورد میکنن و معمولاً بعد از برخورد، حرکت از شارپ به رنج تبریک میشه.

بین حرکات اسپایک به کینگی هست که کلین شدن یا نشدنش همونطور که در عکس میبینید برای ما مهمه. ((گفتیم که اسپایکها به یک جایی یا ناحیه ای میخورن که باز کجای اون ناحیه برخورد صورت گرفته باشه برای ما مهمه چون به نسبت نفوذ اسپایک در ناحیه واکنشش بعد از برخورد میتونه متفاوت باشه)).

CPM Episode 15

Decision Candle | Kink | Examples on chart

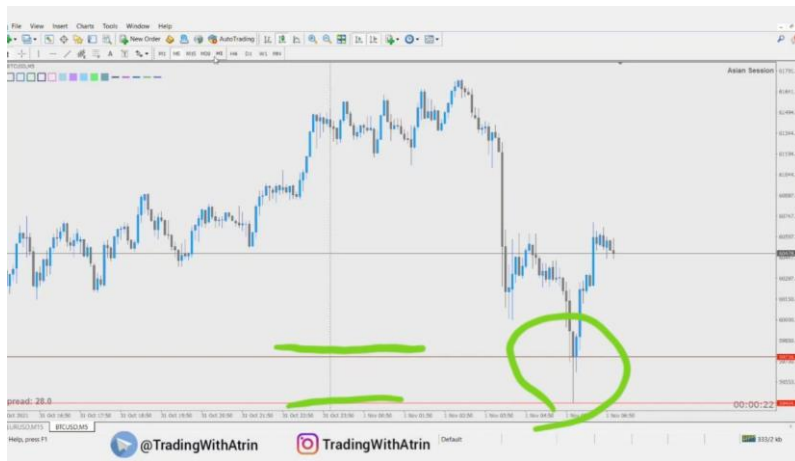
❖ دسیژن کندل ها و کینک ها (مثال ها بر روی چارت لایو بیتکوین)



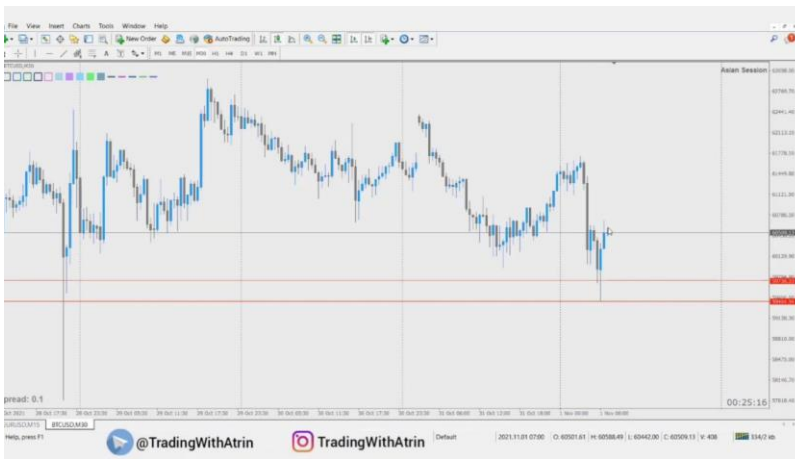
دسیژن کندلها: ✓

یک پیوت در تایم فریم پنج دقیقه مشخص میکنیم.

ما گفتیم که دسیژن کندلها جایی هستند که ما به پیوت داریم ، (جایی که یک قله یا دره باشه). و همینطور گفتیم که تایم فریم دسیژن کندل بر اساس تایم فریم پیوت تعیین میشه.



✓ خب محدوده پیوتیمون و در تایم فریم پنج دقیقه مشخص میکنیم و میبینیم که این لانگ شدو مال این تایم فریم نیست پس تایم فریم و بالاتر میبریم.



✓ تایم فریم سی دقیقه نشون میده این لانگ شدو مربوط به این تایم فریم هست. از کندلها و حرکتی که شروع شده متوجه میشیم که این حرکت ادامه دار هست و از محدوده های بالاتر نزول خواهد کرد.



✓ دوباره به تایم فریم پنج دقیقه برمیگردیم و به خط روند میکشیم. مشخصه که میخواد به خط روند به پولبک بزنه و خودشو به نواحی بالاتر برسونه و ازونجا ریزشش و شروع کنه.



✓ نکته ای که خیلی مهم هست رسم درست نواحیه. الان دسیژن کندلی که داریم اینجا مال تایم فریم پنج دقیقه هست. محدودش و مشخص میکنیم بعد میریم تایم فریم پایینتر بهینش میکنیم.



✓ تو تایم فریم یک دقیقه (تو دل دسیژن کندل) یه کندل جنگ پیدا میکنیم و محدودش و مشخص میکنیم.

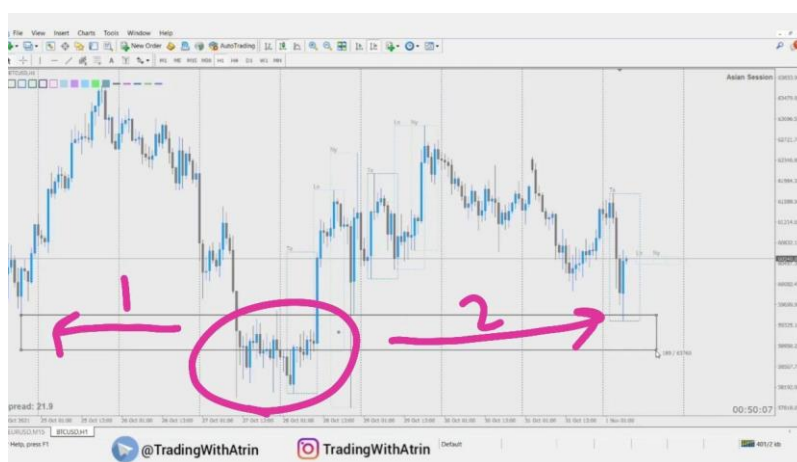


✓ خب همینجا تو تایم فریم یک دقیقه یه خط روند رسم میکنیم و برای گرفتن پوزیشن فروش این حرکت، میبینیم که خط روند شکسته شده و محدوده های تارگت یک و دو رو مشخص میکنیم. بعد از رسیدن به تارگت دو احتمالا به لبه های محدوده سبز رنگ هم خواهد رسید.

نکته: تو فیوچرز، ارزهای دیجیتال با این روش میتونیم اسکالپهای خوبی انجام بدیم.



✓ در رابطه با FPB باید در نظر داشته باشیم ناحیه ای که باعث شکست اون خط روند شده کجاست؟ چون تایم فریم خیلی پایینه محدوده اون کندل که مشخص کردیم و به عنوان FPB در نظر میگیریم و این ناحیه برامون خیلی مهمه.

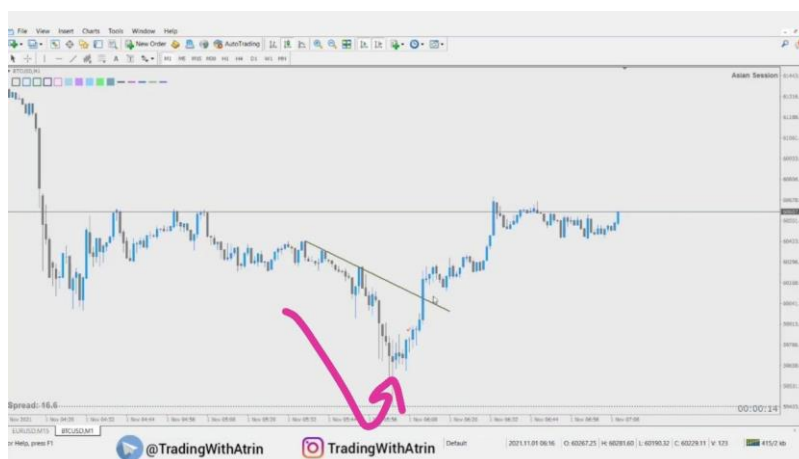


✓ در این ساختار ما به (لانگ شدو، به بیس، به کندل جنگ) داریم و با محدوده و سایه سمت چپ (1) بهینش میکنیم. ما SPL ها رو مختصر توضیح دادیم. (محدوده بهینه شده مستطیل شکل از 1 تا 2 یک SPL هست).

این کارها رو تو تایم فریم یک ساعته انجام دادیم حالا در تایم فریم پنج دقیقه در محدوده (2) برنامه ریزی میکنیم برای ترید.



✓ بزرگ شده محدوده عکس قبلی



✓ خب اینجا تو تایم فریم پنج دقیقه اگه بخوایم پوزیشن بای بگیریم بعد از بسته شدن یه کندل صعودی بالای (کندل جنگ) که درست شده ، میتونیم ورود کنیم. برای محکم کاری بیشتر میتونیم وقتی خط روند بالا شکسته شد ورود کنیم.



✓ تارگتهای این پوزیشن خریدمون هم میتونه اول (1) بعد محدوده سواپ زون (2) بعد هم منشأ حرکت ریزشی (3) باشه.

✓ به بحث تریدینگ اسکالز هم میرسیم و اینکه چقدر مهمه با چند پوزیشن وارد بشیم و ریسکمون و مدیریت کنیم. تریدرهای بزرگ هرگز اجازه نمیدن که بازار سودهاشونو ازشون پس بگیره اما تریدرهای کوچیک اینقدر تعلل میکنن و اینقدر طمع و ترس میاد سراغشون که حتی پوزیشنهای با تحلیل درست رو با ضرر میبندن و این افتضاحه.

یه تریدر حرفه ای حتی اگر غلط تحلیل بکنه، ممکنه با سود کم یا ضرر کم از معامله خارج بشه و این معجزه تریدرهای بزرگه که هیچ وقت ضررهای بزرگ ندارن به خاطر مدیریت پوزیشن درست.

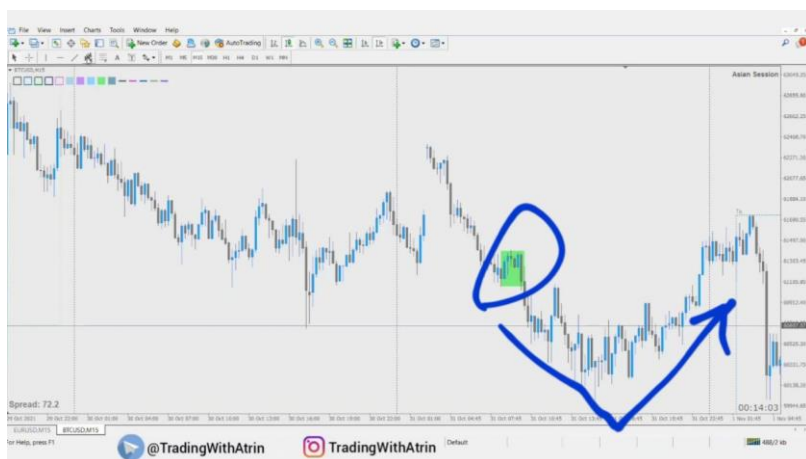


✓ در مورد کینکها به مثال میزنیم:

سمت چپ مستطیل به کینک داریم که در محدوده 1 کلین شده و نشون میده که میخواد بالاتر بره. در محدوده 1 و 2 (رنگ بنفش) میبینیم که LQ هانت رخ داده.

نکته مهم درباره استاپ گذاری: در گرفتن پوزیشن، ما باید استاپ رو جایی بگذاریم که اگر استاپمون خورد کلاً تحلیلمون feil بشه و با خوردن استاپ بتونیم در جهت درست (در جهات خلاف تحلیل اولمون) وارد پوزیشن جدید بشیم. این به این معناست که اولاً استاپ باید جای مطمئنی قرار بگیره و وقتی زده شد feil شدن تحلیل رو ثابت کنه.

⚠ استاپ نباید جایی باشه که با یه شدو زده بشه و بعد قیمت در جهت تحلیل درست دوباره حرکت کنه. استاپ باید جاش مطمئن باشه (:



✓ مثال بعدی

ما اینجا به کینک داریم ، یه حرکت نزولی و بعد صعود. حالا میخوایم ببینیم چطوری میشه پوزیشن خرید و اینجا گرفت.



اینجا به کندل منشأ داریم که علامتش میزنیم تا به اونجا که مد نظرمون هست.



در محدوده مستطیل قرمز رنگ ما انتظار changing direction داریم. با کشیدن خط روند و شکست خط روند همیشه وارد پوزیشن خرید شد.

نکته: کشیدن خطوط روند و شکستشون برای ما به معنیه ایجاد نواحیه ساپلای دیمند جدید هست.



اینجا دسیژن کندل مشخص شده که می بینیم واکنش به دسیژن کندل و دوباره صعود.

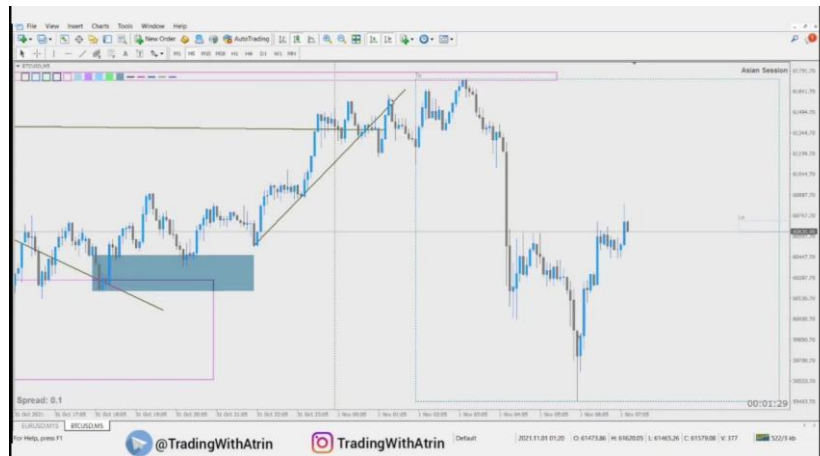


✓ خب اینجا پوزیشن خرید و تا محدوده کینک که از اول در نظر داشتیم و نگه داشتیم. بعد میبینیم که محدوده رو رد کرده به سمت بالا. کاری که میکنیم اینه که میایم تو تایم فریمهای پایین و وقتی نشانه های صعود دوباره دیدیم دوباره پوزیشن خرید میگیریم تا محدوده مستطیل قرمز رنگ که منشأش اون گپ هست. ما گفتیم که با گپها مثل کندل ها برخورد می کنیم. (کندلهایی با مومنتوم بالا). محدوده مستطیل قرمز به سوآپ زون و SPL هم هست.

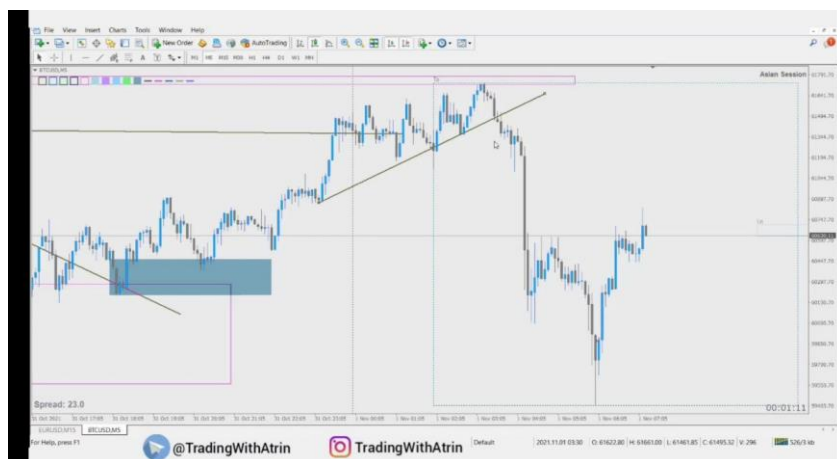
یادآوری ↵

اس پی ال : SPL محدوده هایی هستند که قیمت بینشون حرکت میکنه. این محدوده ها میتونن افقی یا مورب باشن.

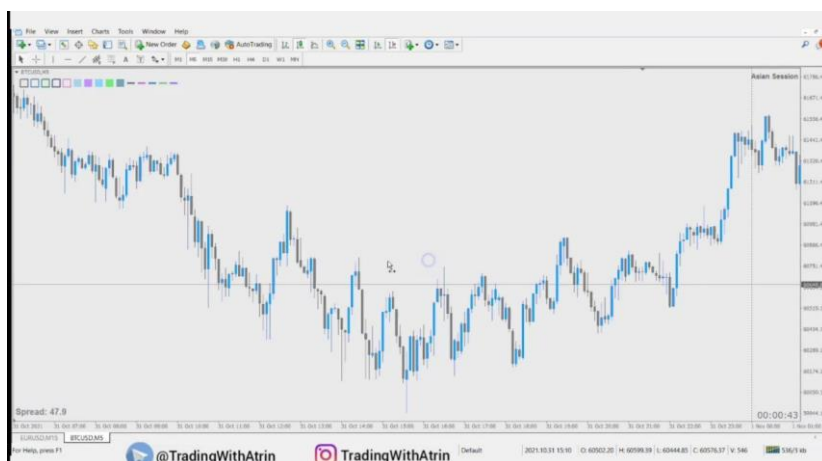
سوآپ زون: محدوده ای که (مثلا) وقتی قیمت بهش می خورده ریزش میکرده تا وقتی که ردش میکنه. وقتی ردش میکنه رفتارش تغییر میکنه و وقتی به همون محدوده برخورد میکنه صعود میکنه.



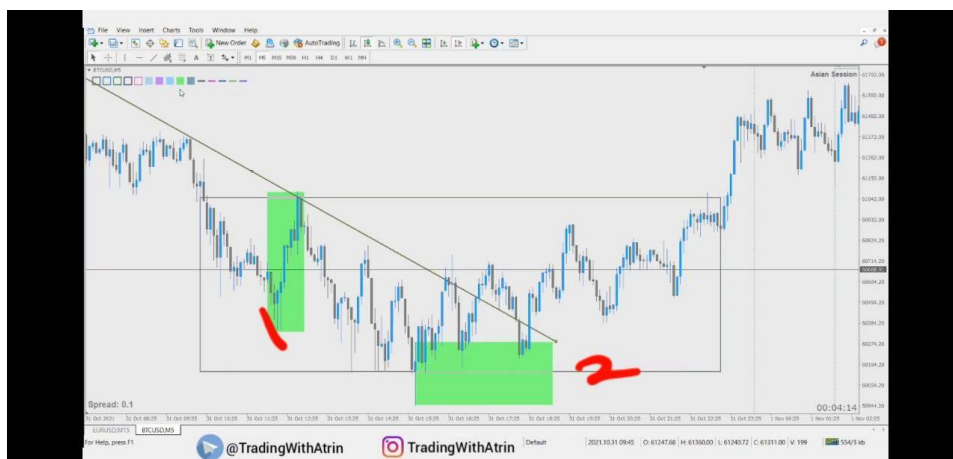
✓ بعد از پوزیشن یا پوزیشنهای خرید با کشیدن اون خط روند تهاجمی میشه وارد پوزیشن فروش شد. (خط روند تهاجمی یعنی خط روندی با شیب زیاد). احتمال داشت که اگر با اون خط روند می فروختیم استاپمون می خورد. ولی گفتیم که خط روند و سعی میکنیم با شیب کمتر بکشیم که اطمینان بیشتری داره.



✓ اینم خط روند غیر تهاجمی و خلیم عالی :



✓ نکاتی درباره changing direction

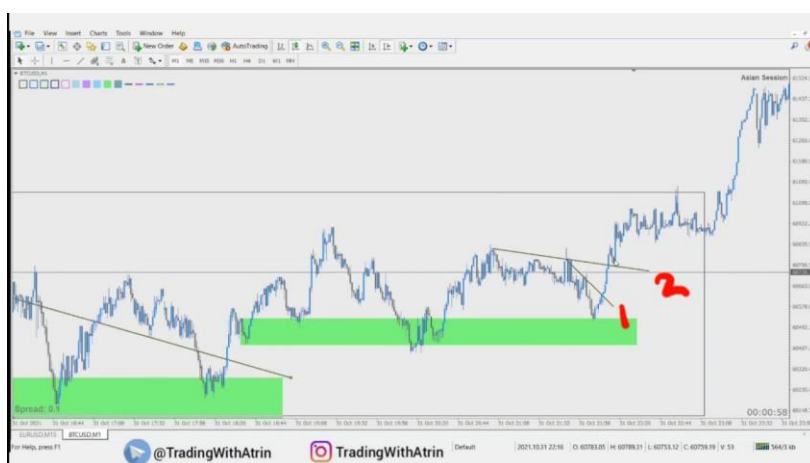


✓ اینجا میبینیم که قیمت تو یه باکسی گیرکرده. در محدوده سبز 1 نشانه هایی از تمایل خریداران برای خرید میبینیم. یعنی یواش یواش خریداران بعد از یه روند نزولی اینجا رو دارن برای خرید میپسندن. ولی ما به این توجه چندانی نمیکنیم چون خط روند هم شکسته نشده.

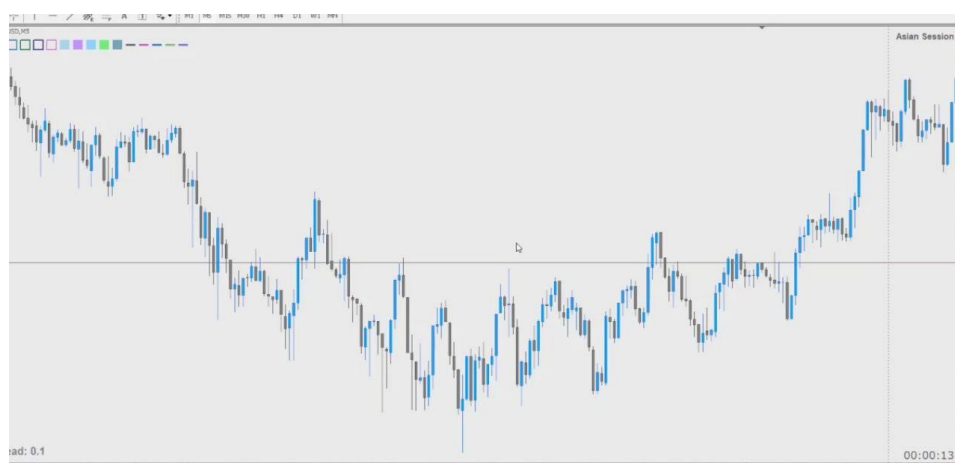
محدوده کندل جنگ 2 رو میبینیم و متوجه میشیم که داره کار میکنه. خط روند هم که شکسته شده و نشون دهنده اینه که یه changing direction یا CID میخواد اتفاق بیفته.



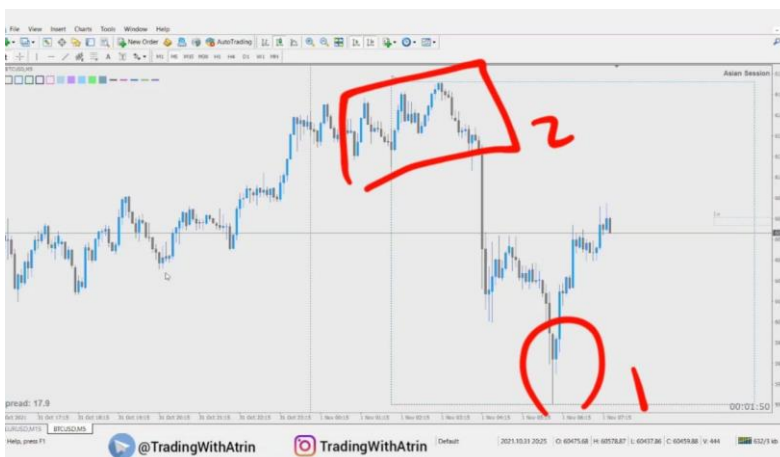
✓ خب بعد از شکست خط روند ما تومحدوده 1 به دسیژن کندل داریم که خیلی مهمه (چون منشأ بی اعتبار کردن تمام ریزشها و محدوده های قبل از خودش بوده) عملا عدم وجود سفارش فروش با دیدن این محدوده 1 بهمون ثابت میشه. بعدش همکه تومحدوده 2 به LQ هانت شده. در نهایت محدوده 3 برای ما خیلی مهمه و میشه اونجا وارد پوزیشن خرید شد.



✓ با شکست خط روند تهاجمی 1 یا غیر تهاجمی 2 میشد وارد پوزیشن خرید شد.



✓ به طور کلی نباید به یک چیز ثابت برای تحلیل وابسته بود و باید انعطاف داشت. مثلا در این باکس که بررسیش کردیم به پیوتها اهمیت ندادیم چون پیوتها جایی که یک (تک قله یا تک دره) باشه اهمیت دارن. در این مثال (باکس) از نشانه های دیگه ای از جمله دسیژن کندلها، کینکها، کلین شدن کینکها و ... استفاده کردیم.



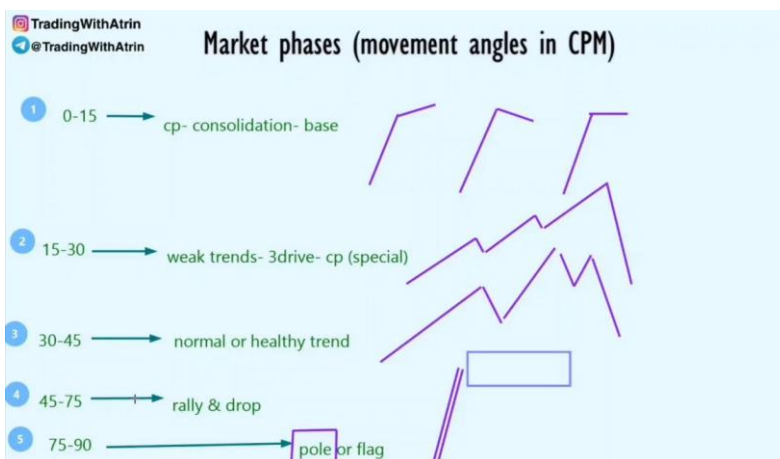
✓ مثلاً آترین در محدوده 1 از پیوت و دسیژن کندل برای تحلیل استفاده میکنه.

در محدوده 2 از LQ هانت (قله سومی ، قله دومی و LQ هانت کرده و بعد ریزش) ، و از FPB که در اصل دسیژن کینک هست استفاده کرده. موقع بازگشت قیمت به محدوده FPB منتظر اتفاقات خوب هستیم و الا آخر...

CPM Episode 16

Market phases | Market cycles

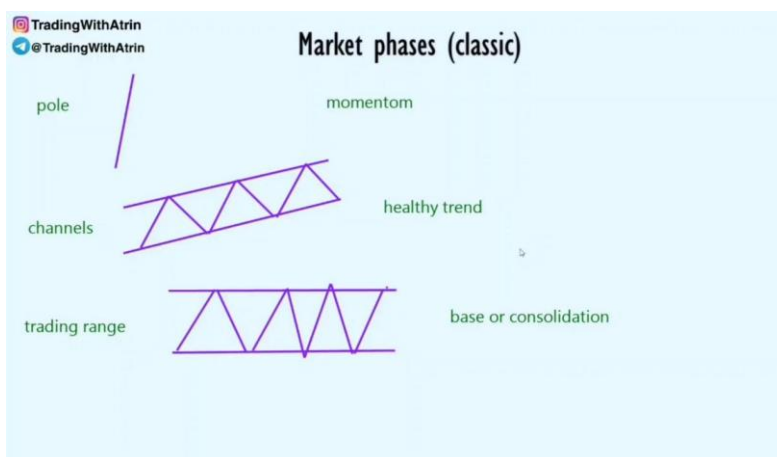
♥ سیکل های مارکت و فازهای حرکتی بازار



✓ فازهای مارکت یا سیکل ها از دید زوایا

- 1) Consolidation یا cp یا Base
0-15 degree
- 2) Weak trends , three drive
15-30 degree (پنج موجیهای الیوت)
- 3) Normal or healthy trend
15-30 degree
- 4) Rally & drap
45-75 degree

5) Pole or flag
75-90 degree

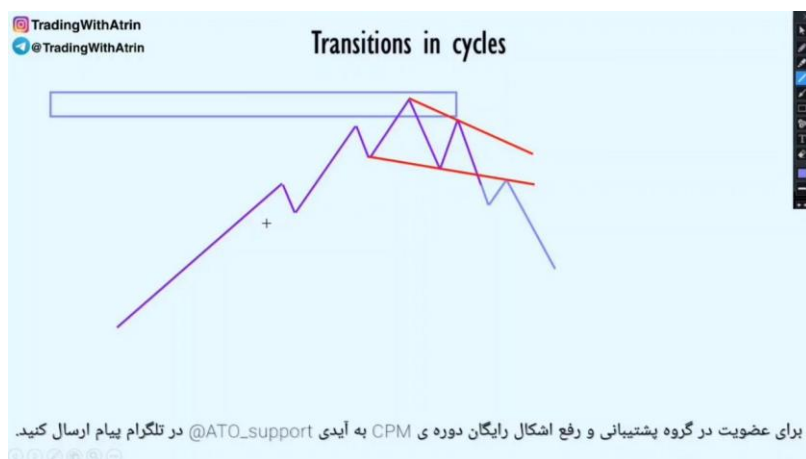


✓ فازهای مارکت یا سایکلها از دید تحلیل تکنیکال کلاسیک

(1 Pole = مومنتوم بالا)

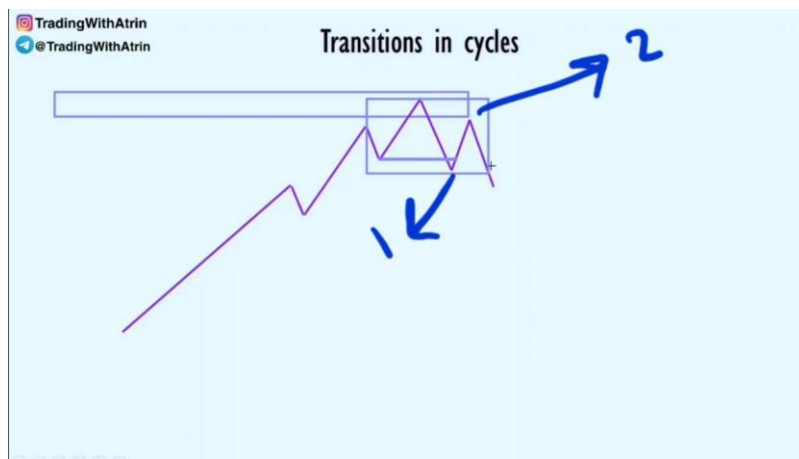
(2 Channels = Healthy trend)

(3 Trading range = base or consolidation)



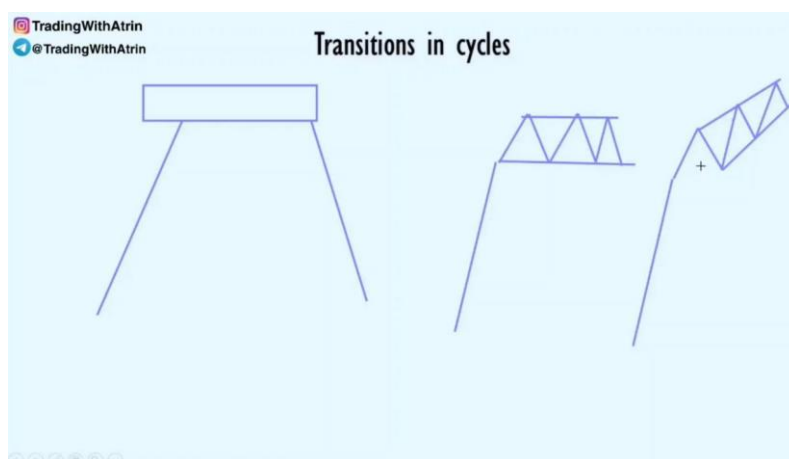
✓ تبدیل سایکل ها به یکدیگر

در این مثال ما به ترند معمولی یا healthy trend داشتیم و بعد خورده به یه جایی و وارد یه channel شده و نهایتاً ریخته.



✓ یا اینجا از یه healthy trend وارد یه consolidation شده.

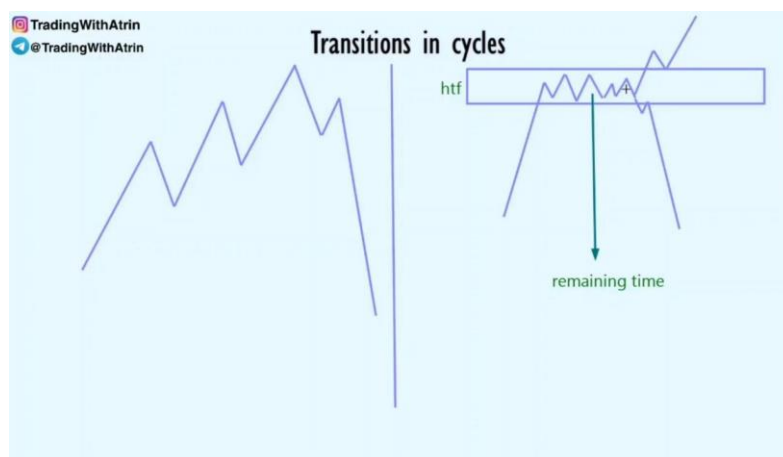
در ناحیه (1) Iq هانت شده بعد در ناحیه (2) به FPB خورده و ریخته.



✓ در تبدیل سایکلها معمولا رالیهها یا دراپها به بیسها تبدیل میشن.

فلگها یا پلها هم یا رنج میشن یا وارد کانال میشن. (گفتیم که consolidation یا base همون رنج هست در تحایل کلاسیک).

نکته: وقتی به حرکت با مومنتوم داریم نباید انتظار به حرکت دیگه با مومنتوم بعدش داشته باشیم چون قیمت باید ATR خودشو اصلاح کنه و خودشو به میانگین نزدیک کنه.



✓ نکته ای که هست اینه که ما باید نواحی رو بشناسیم و انتظار نوع حرکتی که بعد از رسیدن قیمت به یک ناحیه خاص رو داریم رو از قبل بررسی کنیم.

👉 در مثال سمت چپ ما tre drive یا همون پنج موجیهای الیوت و داریم که بعد از اتمامشون انتظار به حرکت به سمت پایین با مومنتوم بالا رو داریم.

👉 در مثال سمت راست وقتی به حرکت با مومنتوم بالا داریم بعدش به یه ناحیه ای میخوره قیمت که تایم فریم اون ناحیه برای ما مهمه. این حرکت با مومنتوم بالا رالی هست که به بیس تبدیل شده. معمولاً طلا حرکاتش اینگونه هست و خیلی کم تو یه healthy trend میفته.

گفتیم که تایم فریم اون ناحیه ای که قیمت بعد از حرکت رالی بهش خورده مهمه چون اگر اون ناحیه از نوع htf یا higher time-frame باشه پس remaining time یا زمان ماندگاری قیمت در اون ناحیه هم بالاتر میره.

نکته: گفتیم که big picture خیلی مهم هست و اینکه قیمت از چه ناحیه ای با چه تایم فریمی اومده و به ناحیه مورد نظر ما رسیده تا انتظار زمانی رو پر کنه و مقصد احتمالی بعدیش کجاست.

CPM Episode 17

Market phases examples | Market cycles examples

🔹 سیکل های مارکت و فازهای حرکتی بازار (مثال ها روی چارت)



✓ بررسی زمان در trading cycles

(1) در تایم فریم H1 حدود ۱۷ تا ۲۲ کندل رنج بوده.



✓ بررسی زمان در trading cycles

(2) در تایم فریم H1 حدود ۱۷ تا ۲۲ کندل رنج بوده.



✓ بررسی زمان در trading cycles

(3) در تایم فریم H1 حدود ۱۷ تا ۲۲ کندل رنج بوده.



✓ بررسی مسافت در trading cycles

در تایم فریم H1 قبل و بعد از رنج حدودا یک مقدار حرکت داشته چارت.

بدین صورت میتونیم حدودا رفتار یه چارت رو از لحاظ زمانی و مسافتی در سایکلهای متفاوت بررسی کنیم.



✓ بررسی چارت یورو و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلهای

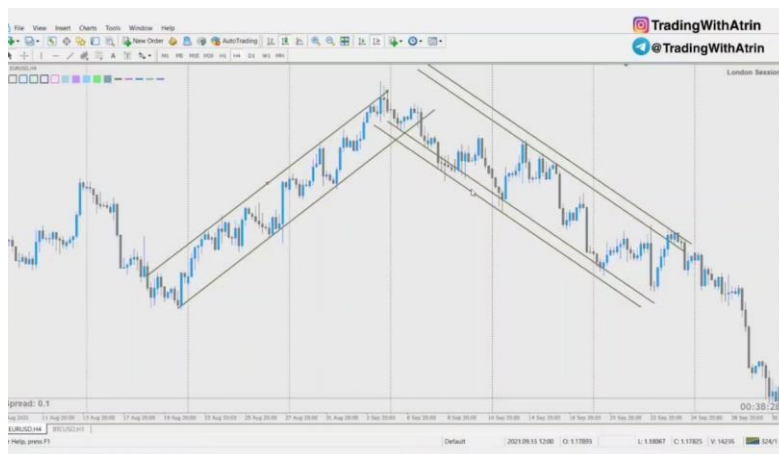
در این مثال دو تا فاز اسپایک داریم و دو تا channel. با برخورد قیمت با سقف کانال دوم میتونه واکنش داشته باشیم.



✓ بررسی چارت یورو و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلها. مثال دیگر

کانال در محدوده (1) و داریم که میتونیم در کفهای کانال بخریم و در سقفهای کانال بفروشیم. (چون کانال نزولی هست خرید و باید با احتیاط انجام بدیم). بعد از شکست کانال در محدوده خط روند (2) میشه وارد پوزیشن خرید شد تا تارگت (3).

محدوده قرمز (4) هم یه فاز رنج هست که در تایم فریمهای پایین میشه به صورت اسکالپی در کفها خرید و در سقفهای فروخت.



✓ بررسی چارت یورو و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلها. مثال دیگر

مثال دو کانال و تبدیل فاز کانال اول به کانال دوم.



✓ بررسی چارت یورو و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلها. مثال دیگر

فاز consolidation. ورود قیمت به صورت pole درون این فاز و خروجش به صورت شارپ از این فاز.



✓ بررسی چارت یورو و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلها. مثال دیگر

بحث فازهای مارکت مهم هست و باید چشممون به دیدن این فازهای عادت کنه مثلا وقتی ما consolidation, compress, base
میبینیم احتمالا بعدش قیمت باید به حرکت شارپی بکنه.

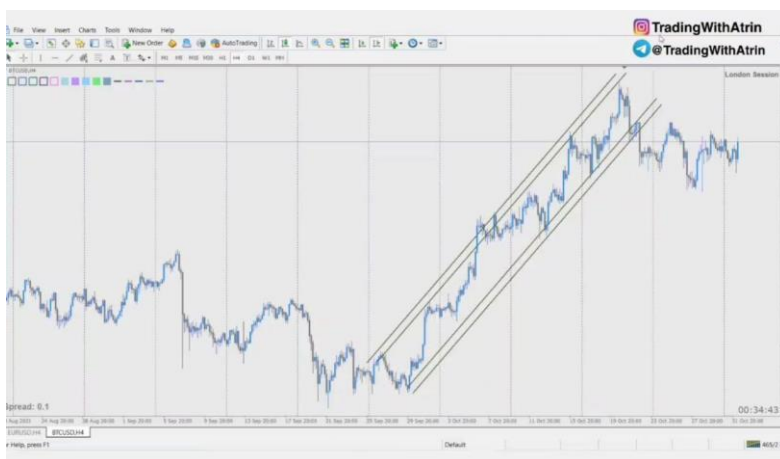


✓ یادآوری

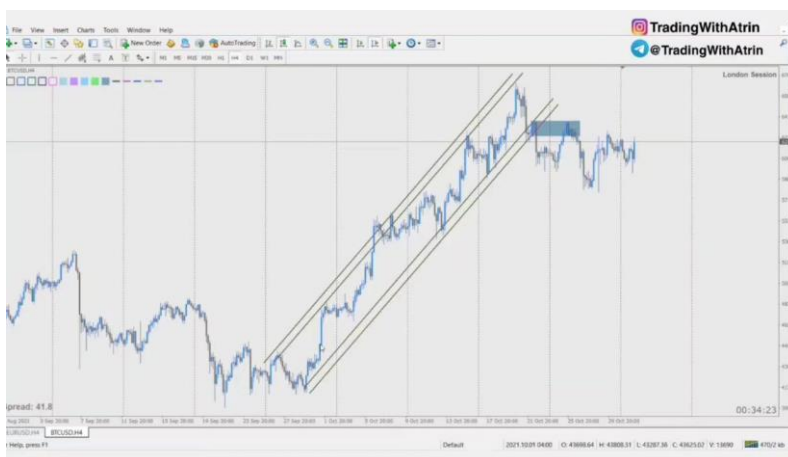
بعد از مثال قبل به FPB و در (1) داریم بعد برخورد به FPB و ریزش.

در پایین به فاز رنج داشتیم که با شکست خط روند (2) میشد وارد پوزیشن خرید شد تا تارگت (3).

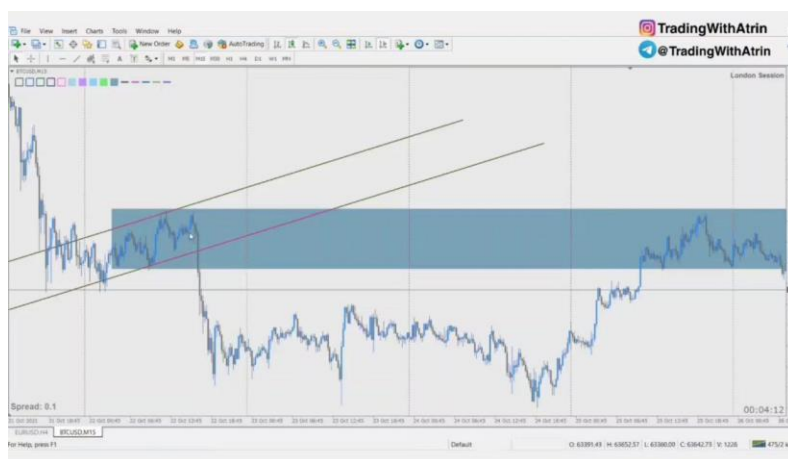
بعد از تاج شدن تارگت با کشیدن به خط روند دیگه میشد وارد پوزیشن فروش شد تا تارگتهای اول، دوم، سوم (خطوط آبی).



✓ بررسی چارت بیتکوین تایم فریم H4 و پیدا کردن فازهای متفاوت و سایکلهای.
کانال صعودی و میبینیم که در کفها میشه خرید و در سقفها اسکالپی فروخت.



✓ خب اینجا میبینیم که قیمت از کانال خارج شده. صبر میکنیم تا دوباره خودشو به دسیژن کندل برسونه. (دسیژن کندلی که توش برای خروج از کانال تصمیم گیری شده).



✓ میایم تو تایم فریم M15.



✓ به کانال دیگه میکشیم تو تایم فریم M15.



✓ میایم تو تایم فریم M1 و (شکست کانال به پایین و پولبک به کانال) واضح هست.

اینجا خط روند نداریم ولی با الگوهای کندلی مثل کندل پینبار یا اینگلفینگ میشه وارد پوزیشن فروش شد.

✓ تأکید آترین بر تمرین کشیدن کانال هست و اینکه کانال در سبک ما زیاد استفاده میشه.

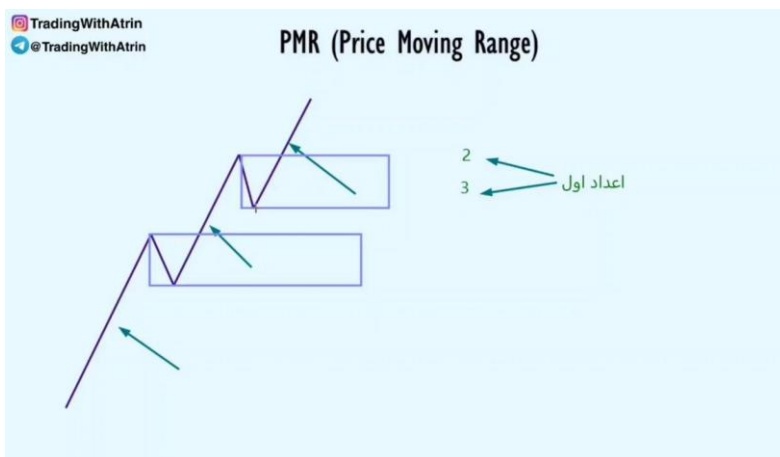
یادآوری ☞ کانالها از مشترک باز و بسته شدن کندلها و شدوها رسم میشن. برای همین فقط به خط ساده نمیکشیم.

وقتی به صورت دو خطه رسم میکنیم اون کانال یعنی محدودش به تایم فریمی پیدا میکنه که برای شکستش باید به کندلهایی که مربوط به همون تایم فریم هست نگاه کنیم. خطوط روند هم همینطور هستن و برای رسمشون از یک خط ساده استفاده نمیکنیم مگر اینکه تایم فریمهای پایین باشه.

CPM Episode 18

PMR(price moving range)

☑ گام های قیمتی و انتظارات منطقی از حرکت قیمت و مناطق احتمال واکنش به صورت ریاضی و هندسی



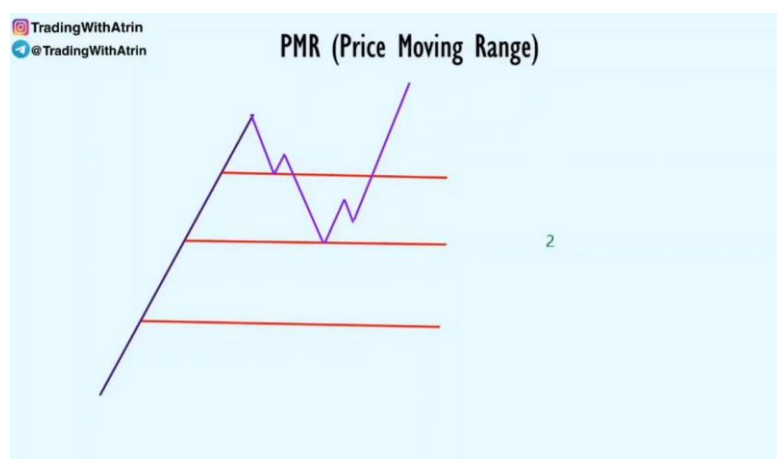
PMR = Price moving range ✓

برای این منظور در بررسی ها و بک تست گرفتنهایی که آترین و تیمش انجام دادن به اعداد 2 و 3 رسیدن. این بررسی در زمینه لگهای ایمپالسیو و لگهای ریتریس و نوع رفتاری که از خودشون نشون میدن بوده.



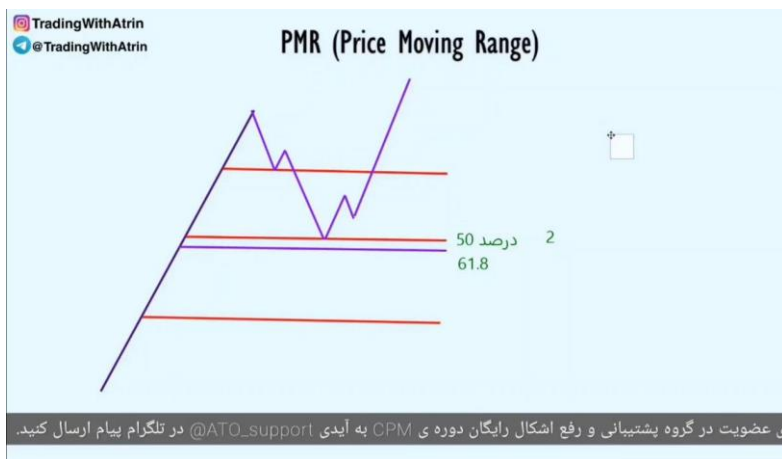
✓ در تایم ترند ما به روند داریم.

اون روند و به دو قسمت تقسیم میکنیم بعد اون دو قسمت و دوباره به دو قسمت تقسیم میکنیم. (از پایین تا بالای روند میشه 4 قسمت). خب حالا در ریتریس قیمت انتظار واکنش در این نواحی و داریم.



✓ این هم 50% هست که در میحث پیوتها گفتیم secondary pivot هست. (برای مرور میحث پیوتها به قسمت تدریس پیوتها رجوع کنید).

نکته: در محدوده 50% اسکلهای خوبی میشه کرد.



✓ پایین 50% یکی از درصدهای فیبوناچی که همون 61,8% هست و هم داریم. در این نواحی که همون 50% و 61,8% هست انتظار واکنش‌های خوبی رو داریم.

اولین بار (داو) این تئوری رو در سهام مطرح کرد که قیمت بعد از یک روند (صعودی یا نزولی) دوست داره به میانگین خودش که همون 50% هست برگرده و خودشو نصف کنه. این تئوری در الیوت و ایچیموکو هم هست به نوعی.

نکته مهم: ما باید در تایم فریم درست به روند یا ترند نگاه کنیم.



✓ ما گفتیم که اعداد 2 و 3 برامون در تقسیم روند مهم هست. اینجا ما حرکت ایمپالسیو روند رو به 3 قسمت مساوی تقسیم میکنیم که به درصدهای 33,3% و 66,6% میرسیم.

(آترین خودش از 50% که همون تقسیم بر 2 و دوباره تقسیم بر دو هست ، استفاده میکنه).



✓ اینجا به ترکیبی از 2 و 3 هست. 🖱️



✓ برای ما کانفرمیشن confirmation مهم هست. این به این معنی هست که ما ترند رو به این درصدها تقسیم کردیم و محدوده PMR ها رو داریم. کاری که باید بکنیم اینه که به گذشته و پشت اون حرکت ایمپالسیو نگاه کنیم و دنبال مطابقت دادن و تاییدیه درصدهامون باشیم. ممکنه پشت اون محدوده مورد نظرمون یه:

سواپ زون

پیوت

کینگ

اس پی ال

باشه که این خودش یه تاییدیه ای هست برای اینکه احتمال واکنش قیمت به اون محدوده ما هست.

CPM Episode 19

PMR(price moving range) examples

گام های قیمتی - مثال ها روی چارت

PMR(price moving range) ✓

✓ گام های قیمتی و انتظارات منطقی از حرکت قیمت و مناطق احتمال واکنش



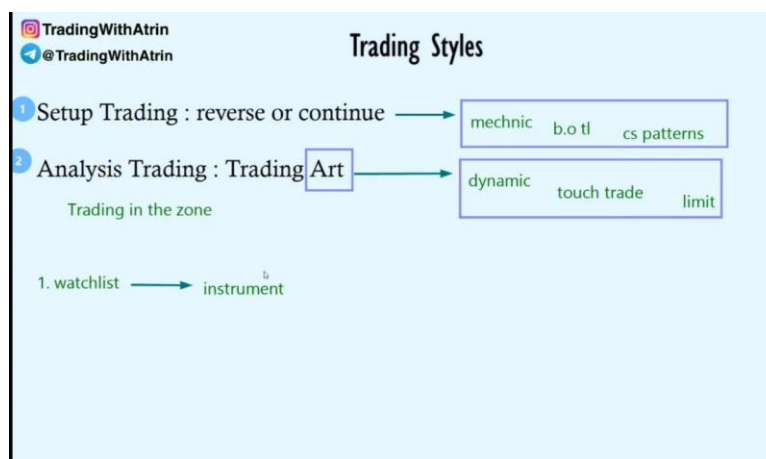
✓ مثال PMR یا گام های قیمت روی چارت (بیتکوین تایم فریم (M15 با استفاده از اندیکاتور. PMR 3 انتخاب شده در این مثال.



✓ مثال PMR یا گام‌های قیمت روی چارت (بیتکوین تایم فریم H1 با استفاده از اندیکاتور PMR 2 انتخاب شده در این مثال.

CPM Episode 20

تحلیل و ستاپ‌ها | مقدمه چک لیست و واچ لیست | قسمت اول از مهارت‌های ترید



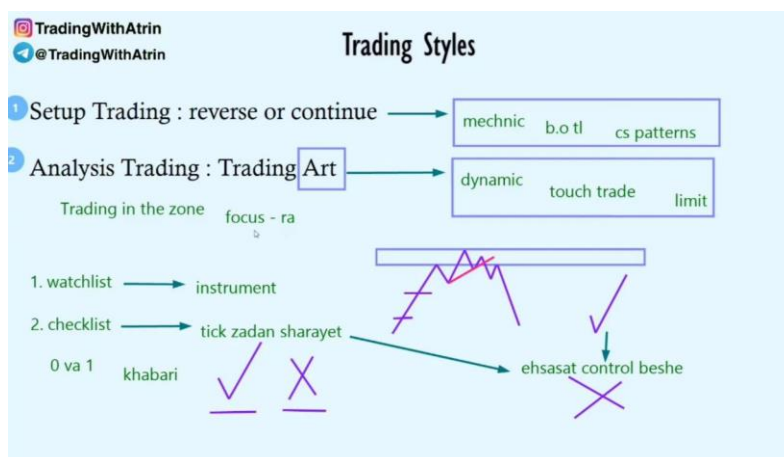
✓ انواع استایل ترید:

- 1) ستاپ تریدینگ یا ترید مکانیکی: ما یک سری ستاپ‌هایی داریم که صبر میکنیم اون‌ها اتفاق بیفته و بر اساس اون‌ها وارد پوزیشن میشیم. این نوع از ترید بر اساس ستاپ‌هایی از قبیل شکست خطوط روند و یا شکل کندل‌ها هست.
 - 2) ترید هنری تحلیلی: بر اساس حسی هست که تریدر از چارت میگیره. در این نوع از ترید مثلاً از (تاچ ترید) یا (لیمیت اردر) استفاده میشه.
- این نوع از ترید مثلاً حالتی هست که آقای داگلاس ازش به عنوان trading in The zone نام میبره که همون حالت ناخودآگاه یا هنرمندانه در ترید هست.
- نکته: این نوع از ترید بعد از طی مراحل ترید بر اساس (ستاپ تریدینگ یا ترید مکانیکی) که ازش صحبت کردیم باید باشه.

خب برای ستاپ تریدینگ به چه چیزهایی احتیاج داریم؟

Watchlist (1

اون اینسترومنت‌هایی یا مثلا جفت ارزهایی هست که برای ترید به چارتشون نگاه میکنیم، (این چارتها یا اینسترومنتها رو بر اساس اون تریدینگ پلنی که ساختیم نگاه میکنیم). تریدینگ پلن چیه؟ بر اساس اون سبکی که کار میکنیم بستگی به این داره که مثلا ایچیموکو کار باشیم یا الیوت کار یا پرایس اکشن کار یا برنامه ای داریم برای تریدمون.



Checklist (2

یک سری جملات خبری هست که تیک میخوره. (این جملات خبری باید کوتاه باشه و انعطاف پذیر نباشه). مثال: با شکست خط روند در تایم فریم لگ وارد خواهیم شد.

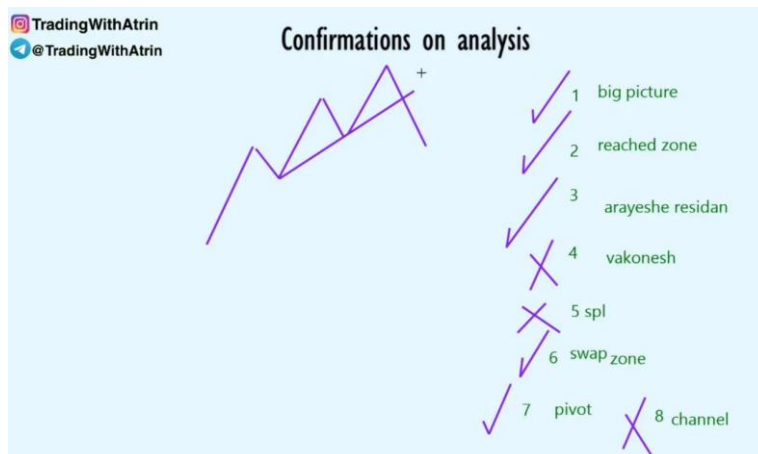
این نوع از جملات تفسیر پذیر نیست. یا اتفاق میفته یا اتفاق نمیفته. حد وسط نداره.

اگر اتفاق افتاد تیک میخوره و میتونیم وارد پوزیشن بشیم، اگر هم اتفاق نیفتاد ضربدر میخوره و وارد پوزیشن نمیشیم.

نتیجه: پس به واچلیست نگاه میکنیم میبینیم کدوم چارتها برای ترید (مثلا فردا) جذاب هست. بعد از واچلیست وارد چکلیست میشیم و اون شرایطی که برای ورود به پوزیشن و در نظر گرفتیم چک میکنیم و اگر اون شرایط تیک خورد وارد پوزیشن میشیم.

دلیل داشتن چکلیست کنترل احساسات هست و اون جملاتی که برای چکلیست در نظر داریم اینقدر باید واضح و (صف یا یک) باشه که عملا احساسات از بین بره.

نکته: اینقدر باید (ستاپ تریدینگ) کار کنیم تا بعد از چند سال این نوع از ترید به ناخود آگاه ما بره تا بتونیم (ترید تحلیلی) انجام بدیم. در حالت ترید تحلیلی یا هنری اینقدر ذهن آروم میشه که عملا وارد یک زون دیگه ای شده و بر اساس اون ناخودآگاهی که در اثر تمرین با ستاپ تریدینگ گرفته ترید میکنه.



✓ همونطور که قبلا هم گفتیم confirmation یا تاییدیه برای ما در ورود به پوزیشن خیلی مهم هست. مواردی که میتونیم ازشون برای confirmation استفاده کنیم اینها میتونن باشن 📌

Big picture (1)

Reached zone (2)

(3) آرایش رسیدن به زون مورد نظر

(4) واکنش

Spl (5)

Swap zone (6)

Pivot (7)

Channel (8)

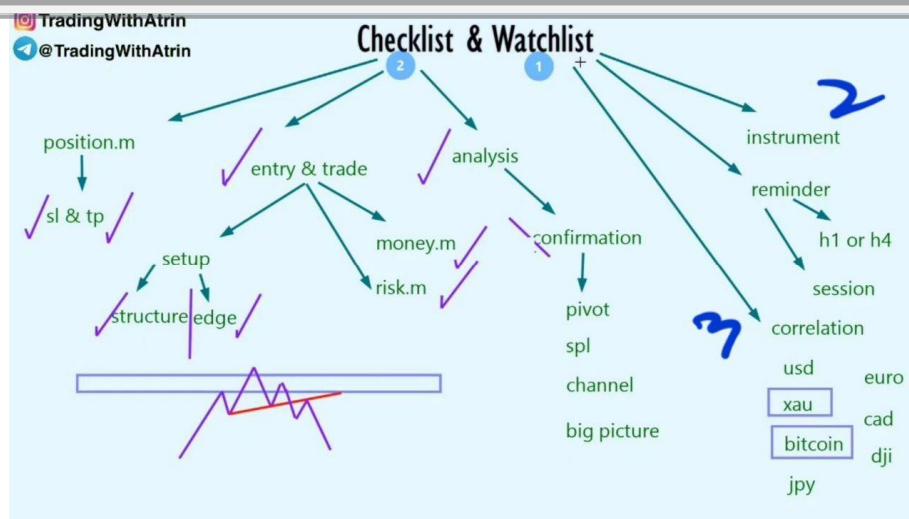
ما این تاییدیه ها رومیتونیم تو واچ لیستمون هم داشته باشیم و به هر کدوم بر اساس وزنه ای که دارن نمره بدیم. تو بکتستها و بررسی‌هایی که کردیم مثلا اگر به تعدادی از این شرایط فراهم بود وارد پوزیشن میشیم و اگر فراهم نبود وارد پوزیشن نمیشیم.

نکته مهمی که آترین در این اپیزود ازش صحبت کرد 📌

دلایل قدرت سبک CPM که این دو مورد هست:

Story of price (1)

Trading skills (2)



✓ (1) واچ لیست:

خب گفتیم که ما اون اینسترومنت هایی که میخوایم ترید کنیم و در نظر داریم.

(2) ریمایندر Reminder نوع اول :

یه آلارم میزاریم برای بسته شدن کندلها (به طور مثال H1 یا H4)

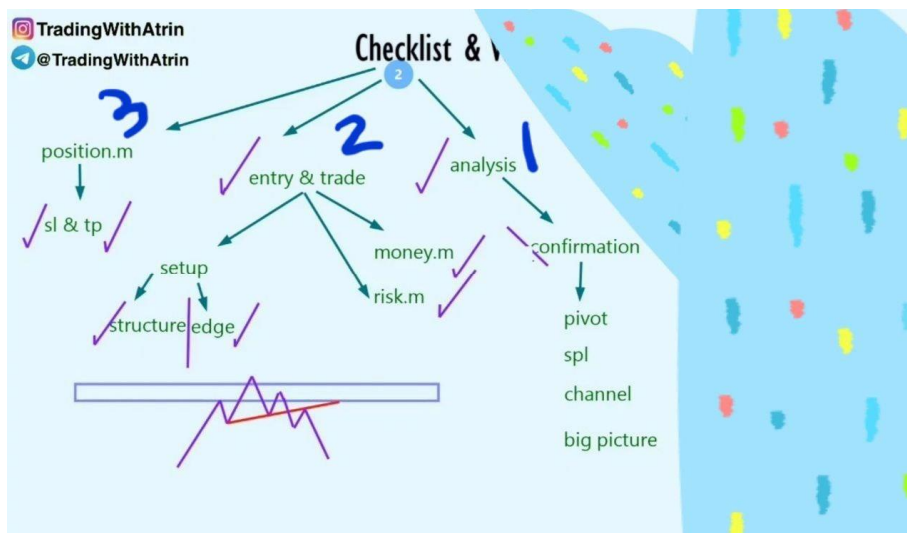
ریمایندر Reminder نوع دوم :

بر اساس باز و بسته شدن سشنها (به طور مثال سشن لندن یا توکیو).

(تا اینجا به این صورت شد که ما یه واچلیست داریم که مثلا از چهار تا جفت ارز تشکیل شده و با ریمایندر هر یک ساعت یا هر چهار ساعت باید چک بشن و همینطور وقتی سشن مربوط به اون جفت ارز باز و بسته میشه احتیاج به یادآوری از طریق آلارم هست).

(3) همبستگی یا Correlation:

یعنی ما سید اینسترومنتها مونو طوری بچینیم که correlation کمی به هم داشته باشن. آترین زیاد به correlation به این معنی اعتقادی نداره چون هر جفت ارزی سطوح خودشو، نواحی خودشو، آرایش قیمتی خودشو داره و زیاد لازم نیست سخت بگیریم. ولی همونطور که گفتیم سعی کنیم اینسترومنت هایی رو انتخاب کنیم که correlation به هم نداشته باشن.



چک لیست به سه قسمت تقسیم میشه:

Analysis (1

Entry & trade (2

Position management (3

(1 تحلیل یا Analysis در اپیزود قبلی کامل توضیح دادیم و گفتیم که خیلی برامون اهمیت داره و شامل مبحث (confirmation) بود و اینکه از مثلا ۸ تا موردی که در confirmation داریم حداقل ۵ تاش باید تیک بخوره.

(2 ورود و ترید یا Entry & Trade به سه قسمت تقسیم میشه.

Money management \$ 📈

Risk management 🚫 📈

Setup 📈 📈 📈

در مورد ستاپها: برای ما خیلی خیلی مهم هستن و به ما کمک میکنن که با خیال راحتتری وارد پوزیشن بشیم.

حالا ستاپها خودشون دو نوع هستن.

Edge 📈

Structure 📈 📈

Edge (لبه معاملاتی): به این صورت که به اتفاقی میفته که وارد معامله میشیم. مثلا یک بریک اوتی شده، یک الگوی کندلی درست شده، یا مثلا خبری اومده که با اومدن اون خبر ما وارد پوزیشن میشیم.

ساختار یا Structure:

یعنی Big picture یا حالتی که برای چارت رخ میده یا در حال رخ دادنه و برای مرحله بعدش برنامه میریزیم که وارد پوزیشن بشیم. به طور مثال قیمت به یک ناحیه ای رسیده که پیوت تسویه، TCP و FPB تشکیل شده بعد برای وارد پوزیشن شدن به خط روند میکشیم و با شکست اون خط روند وارد میشیم. اون خط روند و شکستش همون (لبه یا Edge) هست.

برای اینکه

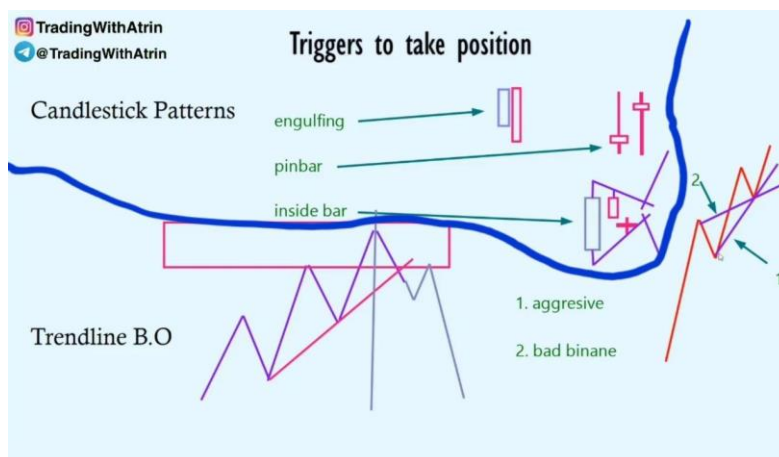
Risk & Money management

رو ترکیب کنیم با ستاپمون، با رعایت مدیریت سرمایه مثلا نصف پوزیشن و (با توجه به درصد ریسکمون)، با شکست خط روند وارد میشیم و نصف بقیشو موقع پولبک به خط روند.

Position management (3)

همون استاپ و تارگت هست. ما چند پوزیشن وارد معامله میشیم، (دو یا سه پوزیشن). باید تارگتها جای درست و استاپ هم پشت دره یا قله مازور باشه. استاپ در اصل باید جایی باشه که اگر خورد بتونیم خلاف جهت پوزیشنی که استاپ خورده وارد پوزیشن خلاف اون جهت بشیم. این به این معنی هست که ما نباید استاپمون بخوره و قیمت در همون جهت پوزیشنی که استاپ خورده حرکت کنه. (اگر استاپ میخوریم یعنی کلا تحلیل fail شده). تارگت هم باید جایی باشه که ما اسپرد و کمسیون و ازش کم کنیم. تارگتهای اول هم باید نزدیکترین نواحی پیوتی، نزدیکترین کینکها، نزدیکترین دسیزن کندلها باشه. (با PMR ها میتونیم دیدگاه های خوبی بگیریم برای تارگتها).

نکته: دلیل ورود (چند پوزیشن) با تارگتهای متفاوت به معامله برای بالا بردن Win Rate هست.



✓ نشانه هایی برای ورود به پوزیشن:

نشانه های کندلی (سه نوع):

Engulfing

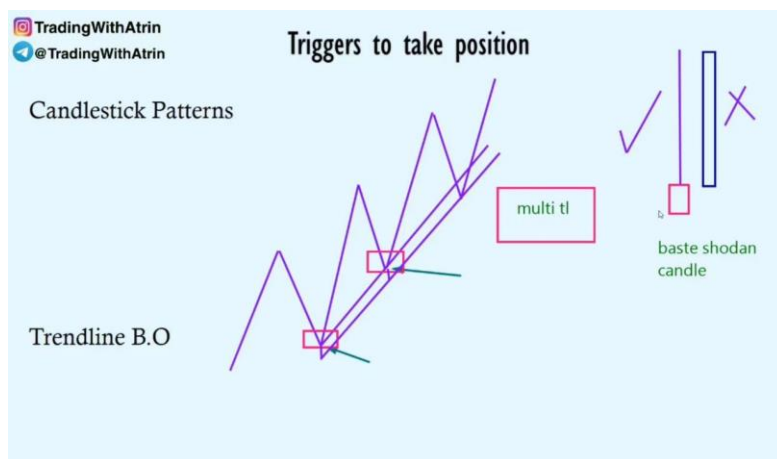
Pinbar

Insidebar (همون مثلثها هستند)

ترندلاینها (دو نوع):

پر شیب یا Aggressive (بیشتر برای اسکالپ استفاده میشه).

بدبینانه (برای ورود سه پوزیشن) .

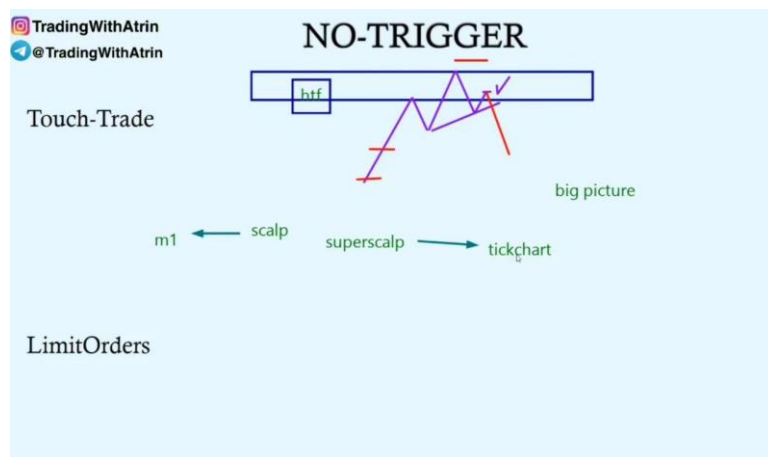


ترندلاینها و تایم فریمشون:

تایم فریم ترندلاینها ، تایم فریم پیوتهایی هست که ترندلاین ازشون رسم میشه.

رسم ترندلاین: ترندلاین بهتره که به صورت مولتی ترندلاین رسم بشه یعنی به صورت دو تا خط موازی (یکی از شدوها و یکی از open و close کندلها). برای این باید اینگونه رسم کنیم که گرفتار fake brakeout نشیم به قول کلاسیک کارها.

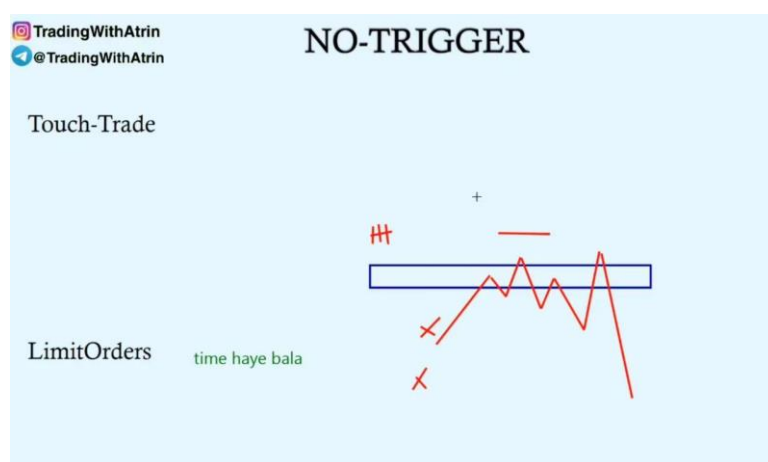
نکته: برای بریک شدن یک ترندلاین تا بسته شدن کامل کندل باید صبر کنیم چون یک کندل تا لحظات آخر ممکنه نشون بده که توپر میخواد بسته بشه ولی لحظه آخر با سایه بلند بسته میشه.



✓ ورود بدون تریگر ورود:

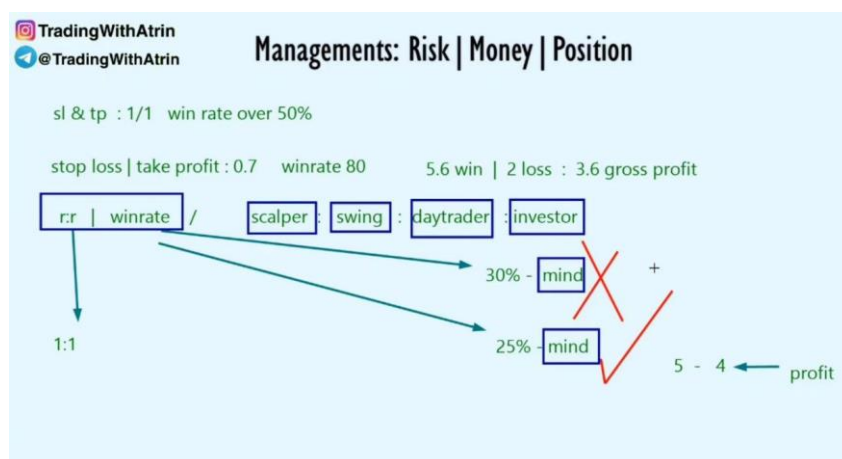
- 1) گاهی اوقات قیمت به یه ناحیه ای از تایم فریمهای بالا میرسه (higher time-frame) , htl) و ما میدونیم که این ناحیه به احتمال زیاد کار میکنه و اونوقت با تاچترید اردر و میزاریم با استاپ و تارگت مناسب.
- 2) گاهی هم تو اسکالپ و سوپر اسکالپ با توجه به big picture ما میدونیم که یه ناحیه احتمال زیاد کار میکنه و وقت برای تریگر ورود نداریم و با تاچترید وارد میشیم.

ادامه



- 3) گاهی هم از لیمیت اردر برای گرفتن پوزیشن استفاده می‌کنیم با توجه به ناحیه ای که قیمت ممکنه بهش برسه و استاپ و تارگت و هم جای مناسب میزاریم. (ولی استفاده از لیمیت اردر توصیه نمیشه و بهتره که موقع گرفتن پوزیشن (چه با تریگر ورود چه بدون تریگر ورود پای سیستم باشیم و لیمیت اردر استفاده نکنیم).

نکته مهم: در ابتدای اپیزود ۲۱ آخرین به نکته مهمی اشاره میکنه و اون اهمیت استفاده از واچلیست و چکلیست هست و اینکه هیچ تریدر موفقی نیست که از واچلیست و چکلیست استفاده نکرده باشه. تریدرهایی که قبول نمیکنن باید از این دو (واچلیست و چکلیست) استفاده کنن و لج میکنن و نمیخوان یه مدت مشق بنویسن تا حرفه ای بشن هیچ وقت تریدرهای موفقی نمیشن و بعد از مدتی جزو اون ۹۵٪ میشن که در مارکت ضرر میکنن و با خستگی معامله کردن رو کنار میذارن. حتما ما نیاز به دیسپلین داریم، حتما نیاز به پذیرش این داریم که از تجربه کسانی که حرفه ای شدن استفاده کنیم. به نظر آخرین مهمترین چیزی که یه تحلیلگر و یک تریدر آماتور و به یه تریدر نیمه حرفه ای و حرفه ای تبدیل میکنه بحث چکلیست هست. واچلیست تحلیل و حرفه ای تر میکنه و چکلیست ما رو به یه تریدر منظم و با دیسپلین تبدیل میکنه.



✓ مدیریت ریسک: بحث مدیریت ریسک که در چکلیست در اپیزود قبلی صحبت کردیم.

ریوارد به ریسک: یعنی ما در یک معامله چقدر ممکنه سود کنیم و احتمال ضررمون چقدره و این دو رو به هم تقسیم کنیم.

Rivard/risk=1

این یعنی احتمال سود و ضرر با هم مساوی هست. در این حالت اگر win rate بالای 50% باشه ، ما یک تریدینگ پلن سودده خواهیم داشت.

مثال دیگه: اگر ریوارد به ریسک ما 0,7 باشه وینریت ما 80 این یعنی:

$$5,6 = 80 \times 0,7(\text{win})$$

$$2 \times 1 = 2 (\text{loss})$$

$$3,6 = 2 - 5,6(\text{gross profit})$$

این به این معناست که در معامله ای که به طور معمول گفته میشه ریوارد به ریسکش نمیخوره یعنی (اگر ما بیازیم بیشتر از مقداری هست که ممکنه ببریم) با وینریت بالا میشه gross profit مثبت داشت.

خلاصه: ما به (r/r به آر) داریم و به (win rate وینریت) این دو تا هست که مشخص میکنه ما معاملاتمون سودده هست یا ضرر ده ، نه صرفا (آر به آر).

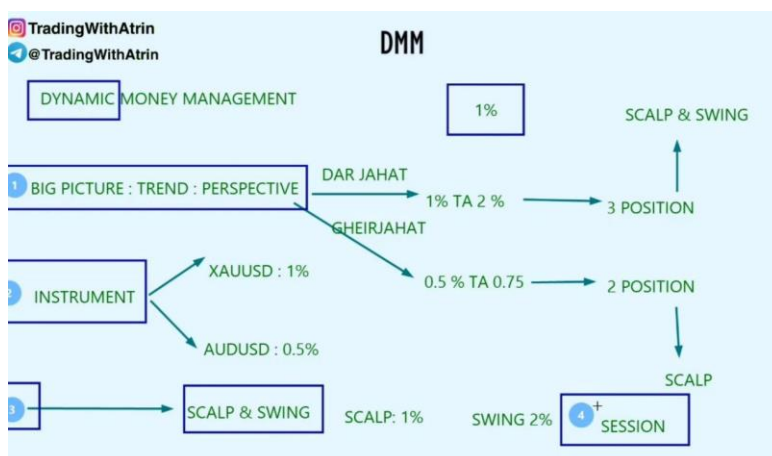
باید توجه داشته باشیم که معاملاتی که ریوارد به ریسک بالایی دارن ولی وینریت پایین ممکنه تریدر رو از لحاظ روانی فرسوده کنه. یعنی مقدار شکستها و ضررها اینقدر بالا هست که سودی که تریدر میکنه به ضربات روحی که میخوره اصلا نمیرزه.

مقدار (آر به آر) و (وینریت) به نسبت نوع ترید تفاوت میکنه یعنی بستگی داره که ما

Scalper

Daytrader

باشیم و مقدار (آر به آر) و (وینریت) معاملاتمون تفاوت کنه و نهایتا سود و ضررهای متفاوتی در پیرودهای زمانی یکسان داشته باشیم.



✓ DMM - مدیریت سرمایه پویا

برای ما و تریدینگ پلنمون مهمه که از مدیریت سرمایه ثابت استفاده نکنیم و در هر معامله و هر شرایطی یک درصد سرمایمون و درگیر کنیم.

خب حالا برای مدیریت سرمایه پویا چه باید کنیم؟ اگر در جهت trend, big picture, perspective باشیم 1 یا 2 درصد از سرمایمون رو درگیر کنیم و اگر در جهت روند نباشیم معمولا 0,5 تا 0,75 از سرمایمون رو درگیر معامله کنیم.

در جهت روند هم ما معمولا با سه پوزیشن وارد میشیم (یعنی کلا 1,5% و 0,5% در هر پوزیشن) و در جهت خلاف روند کلا 0,5% و 0,25% در هر پوزیشن.

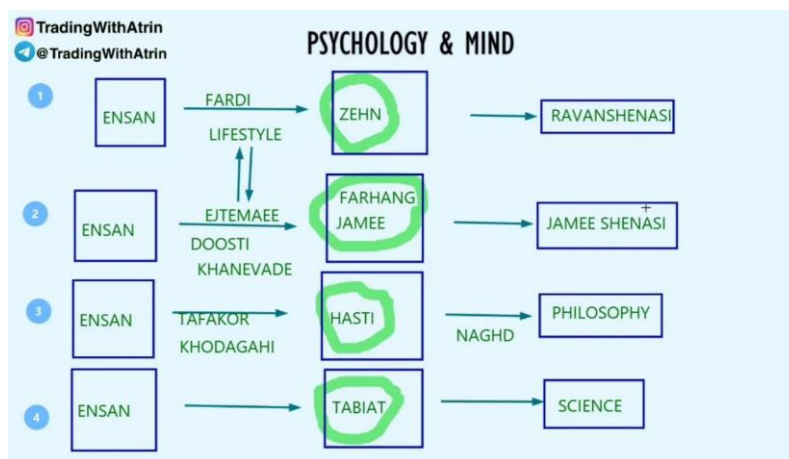
پوزیشنهای خلاف روند معمولا در اسکالپ استفاده میشه و در جهت روند اسکالپ و سویینگ. پس برای ما جهت مارکت در معاملات ما خیلی تأثیر داره و مدیریت سرمایه مارو دستخوش تغییر میکنه.

نکته: مدیریت سرمایه ما میتونه بر اساس اینسترومنتها و استایل ترید ما (مثلا اینکه اسکالپ باشه یا سویینگ) هم تغییر کنه. پس هر کس باید بر اساس نتایجی که در هر نوع از ترید با اینسترومنتها متفاوت میگیره تریدینگ پلن خودشو و مدیریت سرمایه خودشو شخصی سازی کنه.

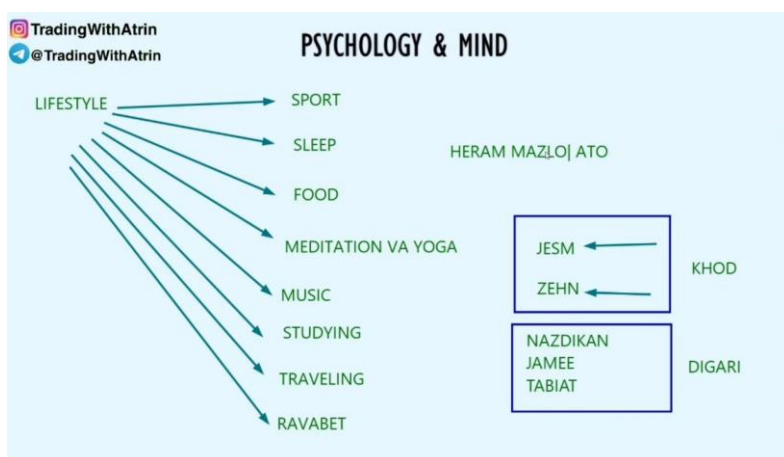
✓ پس اگر می‌خواهیم یه تریدینگ پلن حرفه ای داشته باشیم باید از مدیریت سرمایه پویا استفاده کنیم. ما اگر بخواهیم میتونیم تریدینگ پلن خودمون و مدیریت سرمایه رو بیشتر شخصی سازی کنیم و مطابق با نتایجی که با تجربه به دست آوردیم از متغیرهای دیگه ای برای مدیریت سرمایه استفاده کنیم. یکی از این متغیرها میتونه سشنهای مختلف باشه. مثلا یکی تو overlap سشنها با یک نوع ترید (مثلا اسکالپ) نتایج بهتری بدست میاره و بخواد مقدار بیشتری از سرمایشو در اون زمان خواص درگیر کنه و ...

CPM Episode 23

ذهن و بازار | حکایتی از مولانا و خودشناسی معامله گر | نگرش، منش و سبک زندگی تریدر



✓ (1) دوستان ، آترین در این اپیزود به شرح مسائل روانشناسی و ذهنیت میپردازد و از اشعار مولانا مثالهای زیبایی برای درک مسائل روانی انسان استفاده میکند. اپیزود بسیار مفیدی هست که به ما برای رسیدن به هدفمون کمک میکند و گوش کردن بهش برای دیگر جنبه های زندگیمون هم بسیار مفیده.



CPM Episode 24

پلن معاملاتی (مهمترین برای تریدر) | ژورنال معاملاتی (مهمترین برای ساخت پلن)

* پایان دوره ی * CPM

دوره ای برای خواندن قصه ی قیمت و نگاهی عمیق و مفهومی به چارت قیمت.

- این حکایت گفته شد زیر و زبر
- همچو فکر عاشقان بی پا و سر



تریدینگ پلن ۱ برای ما اصلی‌ترین چیزی هست که برای ترید لازم داریم.

تریدینگ ژورنال ۲ هم چیزی هست که باعث بهینه شدن و تقویت تریدینگ پلن میشه.



✓ تریدینگ پلن شامل این موارد هست:

(1) تحلیل

(2) ورود به پوزیشن

(3) مدیریت پوزیشن

(4) خروج از پوزیشن

🔗 در مبحث تحلیل ما از واچلیست صحبت کردیم و اینکه confirmation خیلی مهم هست. confirmation شامل مواردی هست که همگی به ما یک سیگنال میده (ما صرفا با یک سیگنال وارد پوزیشن نمیشیم.

🔗 در مبحث ورود به پوزیشن برای ما ستاپها و (ریسک و مانی منیجمنت) مهم هست.

🔗 در مدیریت پوزیشن ما گفتیم دو یا سه پوزیشن وارد معامله میشیم. اسکالپهای خاصی رو هم تک پوزیشن وارد میشیم.

حالا پوزیشنهای رو چطوری مدیریت میکنیم ؟

اگر TP شماره 1 ما خورد بعد ریسک فری میکنیم یعنی SL بیاد نقطه ورود. یک نوع دیگه از ریسک فری کردن کم کردن، حجم هست یعنی بخشی از پوزیشن رو ببندیم. (وقتی بخشی از پوزیشن رو میبندیم خود به خود ریسک فری اتفاق میفته).

حالا وقتی سه پوزیشن هست TP شماره 1 خورد بعد ریسک فری کردیم و بعد TP شماره 2 هم خورد اون وقت SL شماره 3 رو میزاریم رو TP شماره 1، این به این معنی هست که اگر SL شماره 3 ما خورد در اصل همون TP شماره 1 ما خورده. (یعنی یه TP شماره 1 خورده بعد یه TP شماره 2 و بعد دوباره TP شماره 1).



✓ خروج از پوزیشن هم باید اوایل تا جایی که میشه با SL یا TP خوردن از پوزیشن خارج بشیم و دست کاری نکنیم. بعد از یک مدت اگر اسکالپ و سوپر اسکالپ میکنیم مجبوریم که از تاج ترید هم استفاده کنیم.

نکته: ما تا جایی که میتونیم باید سعی کنیم که تریدینگ پلن رو مکانیکی انجام بدیم و دستکاریش نکنیم چون نظم و دیسیپلین و پایبندی به تریدینگ پلن برای ما خیلی خیلی مهمه.

خلاصه تریدینگ پلن: تمام این مراحل از تحلیل تا مشخص شدن نتیجه ترید میشه تریدینگ پلن. در تریدینگ پلن هم واچلیست و چکلیست و ستاپها خیلی کمک میکنه، (مدیریت پوزیشن به شدت کمک میکنه). روح و روان قوی هم کمک میکنه. روح و روان قوی به ما کمک میکنه که از چکلیست و قسمتهای استراکچری واچلیست خارج نشیم. کدوم قسمتهای استراکچری واچلیست؟ همونایی که به ما میگفت ترند یا big picture به چه شکلی هست و موارد دیگه... برای ستاپها هم باید از ستاپهایی که تریدر ورود داره استفاده کنیم مثلاً ستاپهای با شکست ترندلاینها و یا نشانه های کندلی candlestick patterns.



✓ تریدینگ ژورنال از تمام مواردی درست شده که باعث میشه ما بفهمیم چه کار کردیم:

1) جفت ارز

2) زمان

3) حجم

4) آر به آر

5) نتیجه به (درصد) (مقدار دلاری) (پیپ) .

تریدینگ ژورنال هم بهتره که به صورت Excel باشه که بشه روش کارهای آماری کرد.

هدف از داشتن تریدینگ ژورنال بررسی هفتگی و ماهانه و سالانه توسط خود تریدر هست. نکاتی که از بررسی های تریدینگ ژورنال استخراج میشه برای ما حکم گنج رو داره و ما می فهمیم که با استفاده از اون نکات، تریدینگ پلن خودمون و بهینه کنیم.

یکی از نکاتی که ممکنه از تریدینگ ژورنال در بیاد میتونه این باشه که مثلاً هر وقت با ستاپ خلاف روند وارد پوزیشن شدم استاپ خوردم خب با توجه به این نکته دیگه خلاف روند وارد نمیشم. یا مثلاً می فهمم که خلاف روندها رو یک پوزیشن بگیرم نه دو پوزیشن. یا مثلاً متوجه میشم که هر وقت سه پوزیشن وارد میشم تارگت پوزیشن سوم رو خیلی دور میزارم یا زود ریسکفری میکنم و الا آخر...

نکته مهم: پس توجه کنیم که ما به تریدینگ پلن بسیار قدرتمند باید داشته باشیم و با استفاده از تریدینگ ژورنال ، تریدینگ پلن رو شخصی سازی و بهینه کنیم.

گردآورنده : اشکان نوری